

مائة منقبة

صد فضیلت از فضائل امیر مؤمنان علیّ بن ابی طالب علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام

به روایت عامّه

تألیف:
ابی الحسن محمّد بن احمد بن علیّ بن الحسن القمّی
معروف به «ابن شاذان»



مائة منقبة

صد فضیلت از فضائل امیر مؤمنان علیّ بن ابی طالب علیهما السلام و اهل بیت علیهم السلام

به روایت عامّه

تألیف:

ابی الحسن محمّد بن احمد بن علیّ بن الحسن القمّی

معروف به «ابن شاذان»

القمی علی بن الحسن- قرن ۴ هـ ق
مائة منقبة من مناقب أمیرالموٴمنین علی بن ابی طالب(ع)/علی بن الحسن القمی-
قم- نشر رشید-۱۳۸۸
۲۰۰۰۰ ریال ISBN:۹۷۸-۹۶۴-۹۹۳۷-۶۱-۸
۲۰۴- ص
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا
کتابنامه بصورت زیرنویس
۱- علی بن ابی طالب(ع)- امام اول- ۲۳ قبل ازهجرت- ۴۰ هـ ق- فضائل و مناقب الف- عنوان ب- علی بن الحسن القمی- ابن شاذن
کتابخانه ملی ایران ۷۰۴۱ح ۵ ح/۲۱۱۵ PB

شناسنامه کتاب

مِائَةُ مَنقَبَةٍ .. صد فضیلت ازفضائل امیرموٴمنان علیّ بن ابی طالب علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام به روایت عامّه

موٴلف : الشیخ الفقیه و الحبرالنبیه، ابی الحسن محمّدبن احمد بن علی ابن الحسین القمّی معروف «ابن شاذان» به از مفاخر قرن چهارم و پنجم

ازمزایای چاپ دوّم: ویرایش جدید و اعراب گذاری

تاریخ چاپ : دوّم، عیدالله الأکبر، عید غدیرخمّ «۱۸ ذی الحجة»
۱۴۳۰ قمری- ۱۳۸۸ شمسی

تایپ و صفحه آرایی:	مسعود بهنام
ناشر:	انتشارات رشید
تیراژ:	۱۰۰۰۰ نسخه
لیتوگرافی:	آل البیت علیهم السلام
چاپخانه:	عترت
قیمت:	اهدائی
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۹۹۳۷-۶۱-۸

به اهتمام حسینیه کربلائیهای اصفهان
«اهدائی»
قم: خیابان شهید فاطمی پ ۷۸
انتشارات رشید۰۹۱۲۱۵۳۲۰۷۷

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اللّهمّ كُنْ لِوَليّكَ

الْحُجّةِ بْن الْحَسَن ، صَلواتُك

عَليْهِ وَ عَلى آبائهِ ،في هذه السّاعَةِ

وَ في كُلّ ساعَة ، وَليّاً وَ حافِظاً

وَ قائِداً وَ ناصِراً ، وَ دليلاً وَ

عَيْناً حَتّى تُسْكِنَهُ أرْضَكَ طَوْعاً

وَ تُمَتِّعهُ فيها طَويلاً

و شگفتی آنگاه بیشتر می‌گردد که پروردگارش با او به گونه‌ای سخن می‌گوید که هیچ گاه با حبیبش به آن لحن سخن نگفته است، ﴿وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ﴾[۱] و اگر این فرمان را اجرا نکنی هرگز رسالت حضرت باری‌تعالی را ابلاغ نکرده‌ای، یعنی در انجام وظیفه‌ات کوتاهی نموده‌ای و آن مساوی با عدم ابلاغ و امتثال فرمان تبلیغ است، از همین جمله‌ی شریفه واضح می‌شود که خطاب درباره‌ی رساندن پیام و بیان کردن فرمانِ ویژه‌ای می‌باشد که معادل است با تمام دوران پیامبری آن پیامبر صلی الله علیه و آله؛ و آن فرمان در روز غدیر خم تجلّی پیدا می‌کند، هنگامی که دست پسر عم و عزیزتر از جان خودش، یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام را بر دست گرفته و با صدای رسا و بیانی شیوا اعلام می‌دارد: « أَيُّهَا النَّاسُ ! ... مَنْ كُنْتُ مَوْلاٰهُ فَهٰذَا عَلِيٌّ مَوْلاٰهُ »[۲] هرکس که من مولای اویم، این علی مولای اوست.

از مردم گواهی می‌طلبد: « أَلاٰ ! هَلْ بَلَّغْتُ ؟ » ای مردم! آیا شاهدید که این فرمان را به شما ابلاغ کردم؟

و آنها همگی گواهی دادند: « نَعَمْ »؛ آری! به ما رساندی که خلیفه‌ی پس از تو مولای عالم امیرمؤمنان علی علیه السلام است.[۳]

۱: سوره مائده: آیه ۶۷.

۲: خطبه‌ی غدیر.

۳: بحارالأنوار: جلد ۳۸، صفحه ۱۱۸ - امالی شیخ طوسی رحمه الله صفحه ۲۱۸.

در آن لحظات، آن پیامبر ستم کشیده، و آن حبیب خداوندی که آخرین ایام عمر گرامی‌اش را سپری می‌کرد، چند دعا کرد که در این عالم تا قیام قیامت آوازه‌ی او می‌پیچد و طنین صدایش که توأم با اشک شوق بود در گوش جانها تا ابدالآبدین شنیده می‌شود: « اَللّٰهُمَّ والِ مَنْ والٰاهُ » پروردگارا! هرکس از او پیروی می‌کند و او را دوست می‌دارد، دوستش بدار و در ولایت امن خودت جای ده، « وَ عٰادِ مَنْ عٰاداهُ » پروردگارا! هر کس با او دشمنی می‌کند و می ستیزد، با او دشمن باش و بستیز، « وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ » پروردگارا! هر کس که او را یاری می‌کند، یاریش کن، « وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ » و هر کس او را رها می‌کند و یاری خود را از او دریغ می‌کند، او را در بی کسی و برهوتت رها کن و مددهایت را از او دریغ بدار.

بَه! به آن فرمان الهی که خداوند درِ خیر و ثواب را به روی امّت پیامبرش، باز می‌کند و درِ شرّ و عذاب را می‌بندد؛ چنانچه در پایان ابلاغ فرمان، به حبیبش چنین مژده می‌دهد که: ﴿ اَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلاٰمَ دِيناً ﴾[۱] امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان دین و آیین جاودانی شما پذیرفتم. و پیامبرش هم با صدای

۱: سوره مائده: آیه ۳.

بلند عرض می‌کند: « اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلىٰ إِكْمالِ الدِّينِ وَ إِتْمامِ النِّعْمَةِ وَ رِضَىَ الرَّبِّ » حمد و سپاس پروردگار را که به ولایت شاه ولایت، دین راکامل و نعمت را تمام و از بندگانش راضی شد، که مسلمان باشند.

پس از این ابلاغ و دعای حضرت رسولﷺ، دانشمندان خدا ترس و متقیان آگاه، جهت داخل شدن در دعای خیر پیامبرﷺ و دور ماندن از نفرینش که هستیِ هر مخالفی را به باد فنا و غضب خدا می‌دهد، بنا را بر این گذاشتند که فضایل و مناقب آن حضرت را در بیان و بنای تقریر و تحریر کنند، تا مشمول دعای خیر پیامبرﷺ شوند و عذری در پیشگاه حضرت احدیّت داشته باشند و بگویند که از جمله‌ی یاغیان بر امیرمؤمنانؑ و غاصبان حقّ وی نبوده‌اند.

برو برای سر دین خویش تاجی ساز
زخاک پای جوانمرد والِ من والاه

ز دل عداوت او دور دار، تا نخوری
ز تیغِ لفظِ نبی، زخمِ عادِ من عاداه

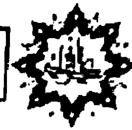
روی همین اصل ، نویسنده‌ی این کتاب شریف، ابوالحسن بن احمد ابن علی بن حسن بن شاذان قمی رضوان الله علیه مشهور به « ابن شاذان » ، این کتاب‌را در فضایل آن حضرت به رشته‌ی تحریر در آورد و آن را از مخالفان غدیر شاه ولایت نقل نمود، تا حجّت بر آنان که خورشید را در روز روشن انکار کردند ، تمام شود ، و ما هم به پیروی از آن اندیشمندان فرهیخته‌ی خدا ترس ، بر آن شدیم که نشر این کتاب گران‌سنگ‌را بر عهده بگیریم، تا دعای خاتم المرسلین صلی الله علیه و آله شامل حالِ ما شود و با آن ، سعادت دنیا و رحمت آخرت حقتعالی را خریدار شویم .

به امید ظهور نور برای احقاق حقّ از دست رفته و رجعت در دولت علوی و لذّت بردن ابدی در آن خوان رحمت ، شما خواننده‌ی محترم را به نوشیدن شراب طهور از این خمِ سراسر نور دعوت می‌کنیم .

دست علی علیه السلام بهمراهتان

ناشر





اهمیّت کتاب «مائة منقبة» نزد علمای اهل سنّت

بسیاری از علمای اهل تسنّن از این کتاب شریف بهره برده‌اند و در کتابهای خود، از روایات آن استفاده نموده‌اند، که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

۱- حافظ ابوالمؤید الموفّق بن احمد بن محمّد البکری المکّی الحنفی معروف به: «اخطب خوارزم» وی متولّد سال ۴۸۴ هـ ق و متوفّای سال ۵۲۸ هـ ق می‌باشد، که در دو کتاب خود «المناقب» و «مقتل الحسین علیه السلام» از کتاب شریف «مائة منقبة» روایاتی نقل می‌کند.

۲ - حافظ شهید ابوعبدالله محمّد بن یوسف بن محمّد القرشی الکنجی الشافعی؛ که به واسطه‌ی تمایلش به مذهب اهل بیت علیهم السلام در کتاب «کفایة الطالب»، در سال ۶۵۸ هـ ق در مسجد جامع دمشق، بعد از نماز صبح، به قتل رسید.

۳ - محدّث کبیر، ابراهیم بن محمّد بن المؤیّد بن عبدالله بن علی بن محمّد الحموینی الخراسانی، متولّد سال ۶۴۴ و متوفّای سال ۷۳۰ هـ ق در کتاب گرانبهای خود، «فرائد السمطین» از کتاب «مائة منقبة» روایت نقل می‌کند.

جایگاه کتاب « مائة منقبة » نزد علمای شیعه

بسیاری از بزرگان علمای شیعه نیز این کتاب شریف را مورد وثوق قرار داده و از روایات آن در کتابهای خود استفاده نموده اند ؛ مانند :

۱ - ثقه‌ی جلیل القدر ابوالفتح محمّد بن علی بن عثمان الکراجکی که از شاگردان « ابن شاذان » می‌باشد و از ایشان اجازه‌ی روایت داشته و تمامی روایات کتاب « مائة منقبة » را در سال ۴۱۲ ه‍ ق نزد باب مستجارِ مسجد الحرام از خود « ابن شاذان » شنیده و نقل نموده است .

ایشان همچنین در کتابهای خود « الاستنصار » و « الإبانة عن المماثلة » و « کنزالفوائد » و « التعریف بحقوق الوالدین » از کتاب شریف « مائة منقبة » روایات و مناقبی نقل می‌کند و ابن شاذان را « شیخی » و « الشیخ الفقیه » و « الشیخ المفید » ، خطاب می‌کند .

۲ - سیّد رضی الدّین ، ابن طاووس در کتابی با نام « الیقین في إمرة أمیرالمؤمنین علیه السلام » از مائة منقبة روایاتی نقل می‌کند .

۳ - فخر امّت اسلام ، علاّمه مجلسی - أعلی الله مقامه الشریف - نیز در « بحارالأنوار » مائة منقبة را یکی از منابع معتبر خود معرّفی می‌کند و در مورد « ابن شاذان » می‌فرماید :

وی استاد ابوالفتح کراجکی است و ایشان از استاد خود ، ابن شاذان در کتاب « کنزالفوائد » بسیار تعریف و تمجید می‌کند .

همچنین علاّمه می‌فرماید: روایات ابن شاذان، مورد وثوق ابن شهرآشوب هم می‌باشد و در کتاب «معالم»، از او روایت نقل می‌کند[۱].

۴ - محدّث جلیل القدر، سیّد هاشم بحرانی در دو کتاب خود «البرهان» و «غایة المرام» مائة منقبة را یکی از مصادر خود قرار داده‌است.

۵ - مدافع حریم ولایت، علامه امینی رحمه الله نیز در کتاب بی نظیر خود «الغدیر» از ابن شاذان روایاتی نقل می‌فرماید.

۱: بحارالأنوار: ج ۱، ص ۱۸.

تألیفات ابن شاذان

در مورد تألیفات و اسامی کتابهای ابن شاذان، اختلافاتی وجود دارد؛ که با صرف نظر از اختلاف نظرها، به ذکر نام چند کتاب بسنده می‌کنیم:

۱ : « ایضاح دفائن النواصب » .

۲ : « بستان الکرام » یا « البستان » .

۳ : « ردّ الشمس علی أمیرالمؤمنین علیه‌السلام » .

۴ : « المناقب » نام این کتاب در الذریعة آورده شده و با « مائة منقبة » تفاوت دارد .

۵ : « مائة منقبة » همین کتاب شریف .

البتّه این کتاب را با نامهایی همچون « الأحادیث المائة » و « الفضائل » و « المناقب » ، نیز یاد کرده اند ، که ابن شاذان رضوان الله علیه به درخواست یکی از شیوخ تألیف نموده و از ابن شاذان خواسته که تمامی روایات آن از طریق عامّه باشد .

مقدمه‌ی مؤلف

بِسمِ اللّهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیمِ وَ عَلَیهِ تَوَکُّلي

الحمد لله الأوّل في ديموميّته ، الآخر في أزليّته ، العدل في قضيّته ، الرحيم في ربوبيّته ، الواحد في ملكه و برهانه ، الفرد في صمديّته و سلطانه ، العلي في دنوّه ، القريب في علوّه ، حمد من يعلم أنّ الحمد فريضة و تركه خطيئة ، و أومن به إيمان من علم أنّه رهين بعمله ، و ميّت دون أمله ، و أتوكّل عليه توكّل من ردّ الحول و القوّة إليه .

و أشهد أن لا إله إلّا الله وحده لا شريك له ، شهادة نحيا بها ما أبقانا ، و ندّخرها لشدائد ما يلقانا .

و أشهد أنّ محمّداً عبده و رسوله ، بشير الرحمة و مصباح الأمّة و المنقذ من الجهالة و العمى و الضلالة و الردى ، صلّى الله عليه و آله صلاة لا يُحصى لها عدد ، و لا ينفد منها أبد ، و لا يتقدّمها أمد ، و لا يأتي بمثلها أحد .

أمّا بعد ؛ فقد جمعت لك أيّها الشيخ - أطال الله بقاءك - ما التمست و فيه رغبت ، من فضائل أميرالمؤمنين و قائد الغرّ المحجّلين أسد الله الغالب عليّ بن أبي طالب و الأئمّة من ولده ، صلوات الله عليهم من طريق العامّة و هي مائة منقبة و فضيلة ؛ فتمسّك بها راشداً وَعِها حافظاً ، و عمدت الإيجاز ، و قصدت الإختصار ، لئلا تمل النفس منه و تضجر وفقنا الله لإصابة الحق و الصواب و لا حرمنا الخير و جزيل الثواب .

فَأَوَّلُ مَنقَبَةٍ

ما حدّثني بها الحسن بن أحمد بن بختويه‌ﷺ بالكوفة في سنة أربع و سبعين و ثلاثمائة، قال حدّثني أبوبكر محمد بن أحمد بن عيسى بن مهران، قال: حدثني يحيى بن عبدالحميد، قال: حدثني قيس بن الربيع، قال: حدثني الأعمش، قال: حدثني عباية عن حبة العرني عن أميرالمؤمنين علي بن أبي طالب‌ﷺ، قال:

«قَالَ رَسُولُ اللهِ‌ﷺ: أَنَا سَيِّدُ الأَوَّلِينَ وَ الآخِرِينَ، وَ أَنْتَ يَا عَلِيُّ سَيِّدُ الخَلائِقِ بَعْدِي، وَ أَوَّلُنَا كَآخِرِنَا، وَ آخِرُنَا كَأَوَّلِنَا»[۱].

فضیلت اوّل

حبة العرنی از امیرالمؤمنین‌ﷺ نقل می‌کند که فرمودند: رسول خداﷺ می فرمایند:

من سرور اوّلین و آخرین هستم؛ و شما ای علی، سرور مخلوقات، بعد از من می‌باشی، و اوّلین ما (چهارده معصوم) مانند آخرین ما، و آخرین ما، مانند اوّلین ما می‌باشد.

۱: بحارالأنوار: ج ۲۵، ص ۳۶۰، ح ۱۷ - غاية المرام: ص ۴۵۰، ح ۱۴ و ص ۶۲۰، ح ۱۴۷.

اَلْمَنْقَبَةُ الثّانِيَةُ

حدثني أبوزكريا طلحة بن أحمد بن طلحة بن محمد الصرام - قدم علينا الكوفة حاجاً - قال: حدثنا أبومعادشاه بن عبدالرحمن بهراة، قال: حدثني علي بن عبدالله، قال: حدثنا عبدالحميد القتاد، قال: حدثني هشيم بن بشير، قال: حدثنا شعبة بن الحجاج، قال حدثنا عدي بن ثابت، قال: حدثنا سعيد بن جبير، عن ابن عباس رضي الله عنه قال:

قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: «إنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبي طالِبٍ أَفْضَلُ خَلْقِ اللهِ تَعالىٰ غَيْري، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدا شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَ أَبُوهُما خَيْرٌ مِنْهُما، وَ إنَّ فاطِمَةَ سَيِّدَةُ نِساءِ الْعالَمينَ، وَ إنَّ عَلِيّاً خَطَبَني، وَ لَوْ وَجَدْتُ لِفاطِمَةَ خَيْراً مِنْ عَلِيٍّ لَمْ أُزَوِّجْها مِنْهُ»[1].

فضیلت دوّم

سعید بن جبیر از ابن عبّاس نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه وآله می فرمایند:

همانا علیّ بن ابی‌طالب علیه‌السلام برترین آفریده‌ی خداوند است به غیر از من، حسن و حسین دو سرور جوانان اهل بهشت هستند و پدرشان بهتر و افضل از آن دو است، همانا فاطمه سرور بانوان عالمیان است.

به درستی که علی فاطمه را از من خواستگاری نمود و اگر برای فاطمه فردی بهتر از علی می‌یافتم، او را به همسری علی در نمی‌آوردم.

۱: بحارالأنوار: ج ۲۵، ص ۳۶۰، ح ۱۸.

اَلْمَنْقَبَةُ الثّالِثَةُ

أخبرني أبوالطيّب محمد بن الحسين التيملي، قال: حدثنا محمد بن سليمان، قال: حدثنا يحيى بن أحمد، قال: حدّثنا محمد بن متوكل، قال: حدّثنا زفر بن الهذيل، قال: حدّثنا الأعمش، قال: حدّثني مورق، عن جابر بن عبدالله الأنصاري، قال:

قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: «سُمِّيَ الْحَسَنُ حَسَناً، لِأَنَّ بِإِحْسانِ اللهِ قامَتِ السَّماواتُ وَ الْأَرْضُ، وَ الْحَسَنُ مُشْتَقٌّ مِنَ الْإِحْسانِ، وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ اِسْمانِ مِنْ أَسْماءِ اللهِ تَعالىٰ، وَ الْحُسَيْنُ تَصْغيرُ الْحَسَنِ»[1].

جابربن عبدالله انصاری رحمه الله نقل می‌کند که پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمودند:

«حسن»، به این علّت حسن نامیده شد که آسمان‌ها و زمین به احسان خداوند برپا شدند و (نام) حسن از (کلمه‌ی) احسان مشتق شده است و علی و حسن دو اسم‌اند که از اسامی خداوند متعال مشتق شده‌اند، و «حسین» تصغیر حسن می‌باشد.

۱: مدینة المعاجز: ص ۲۰۲، ح ۴ و ص ۲۳۷، ح ۸ - حلیة‌الأبرار: ج ۱، ص ۴۹۹ -بحارالأنوار: ج ۴۳، ص ۲۵۲، ح ۳۰.




اَلْمَنْقَبَةُ الرّابِعَةُ

حدّثني أحمد بن محمد الجراح، قال: حدّثني القاضي عمر بن الحسين، قال: حدّثني آمنة بنت أحمد بن ذهل بن سليمان الأعمش، قالت: حدّثني أبي، عن أبيه، عن سليمان بن مهران، قال: حدّثني محمد بن كثير، قال: حدّثني أبوخيثمة عن عبدالله بن عمر، قال: قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: « بِي أَنْذَرْتُمْ ، وَ بِعَلِيِّ ابْنِ أَبِي طالِبٍ عليه السلام اهْتَدَيْتُمْ ، وَ قَرَأَ : ﴿إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ﴾[1] وَ بِالْحَسَنِ أُعْطِيتُمُ الْإِحْسانَ ، وَ بِالْحُسَيْنِ تَسْعَدُونَ وَ بِهِ تَشْقَوْنَ ، أَلا وَ إِنَّ الْحُسَيْنَ بابٌ مِنْ أَبْوابِ الْجَنَّةِ ، مَنْ عاداهُ حَرَّمَ اللهُ عَلَيْهِ رائِحَةَ الْجَنَّةِ »[2].

فضیلت چهارم

عبدالله بن عمر نقل می‌کند : پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمودند :

شما توسّط من هشدار داده شده و به واسطه‌ی علیّ بن ابی‌طالب عليه السلام هدایت شدید ؛ سپس این آیه را قرائت فرمودند : ﴿ همانا تو هشدار دهنده‌ای و برای هر قومی هدایت کننده‌ای است ﴾ آنگاه فرمودند : به واسطه‌ی حسن به شما احسان و نیکی عطا شد و به سبب حسین عدّه‌ای به سعادت رسیده و گروهی دچار شقاوت و گمراهی می‌شوند .

آگاه باشید که حسین دری از درهای بهشت است ، هر کس با او دشمنی کند ، خداوند بوی بهشت را بر او حرام می‌گرداند .

---

۱ : سوره رعد: آیه ۷.

۲ : بحارالأنوار: ج ۳۵، ص ۴۰۵، ح ۲۸ - غایة المرام: ص ۲۳۵، ح ۶ - البرهان: ج ۲، ص ۲۸۱، ح ۱۸ - مقتل الحسین عليه السلام «خوارزمی»: ج ۱، ص ۱۴۵.

اَلْمَنْقَبَةُ الْخامِسَةُ

حدّثني محمد بن علي بن الفضل بن تمام الزيات رحمه الله قال: حدّثني محمد بن القاسم، قال: حدّثني عباد بن يعقوب، قال: حدّثني موسى بن عثمان، قال: حدّثني الأعمش، قال: حدّثني أبوإسحاق، عن الحارث و سعيد بن قيس عن علي بن أبي طالب عليه السلام قال:

قالَ رَسولُ اللهِ صلّى الله عليه و آله: « أَنَا وارِدُكُمْ عَلَى الْحَوْضِ ، وَ أَنْتَ يا عَلِيُّ اَلسّاقي ، وَ الْحَسَنُ الذّائِدُ ، وَ الْحُسَيْنُ الْآمِرُ ، وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ اَلْفارِضُ ، وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ اَلنّاشِرُ ، وَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ اَلسّائِقُ ، وَ مُوسىَ بْنُ جَعْفَرٍ مُحْصِي اَلْمُحِبّينَ وَ الْمُبْغِضينَ وَ قامِعُ اَلْمُنافِقينَ ، وَ عَلِيُّ بْنُ مُوسىٰ مُزَيِّنُ اَلْمُؤْمِنينَ ، وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مُنْزِلُ أَهْلِ اَلْجَنَّةِ في دَرَجاتِهِمْ ، وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ خَطيبُ شيعَتِهِ وَ مُزَوِّجُهُمُ اَلْحُورَ ، وَ اَلْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ سِراجُ أَهْلِ اَلْجَنَّةِ يَسْتَضيئُونَ بِهِ ، وَ اَلْقائِمُ شَفيعُهُمْ يَوْمَ اَلْقِيامَةِ حَيْثُ لا يَأْذَنُ اَللهُ إِلّا لِمَنْ يَشاءُ وَ يَرْضىٰ »[١].

١: مقتل الحسين عليه السلام «خوارزمى» به اسناد ابن شاذان: ج ١، ص ٩٤ – الطرائف: ص ١٧٣، ح ٢٧١ و الصراط المستقيم: ج ٢، ص ١٥٠ و حلية الأبرار: ج ٢، ص ٧٢١، ح ١٣٠ و غاية المرام: ص ٣٥، ح ٢٢ و ص ٦٩٢، ح ٢ و فرائد السمطين«حموينى»: ج ٢، ص ٣٢١، ح ٥٧٢ به اسناد خوارزمى – غاية المرام: ص ١٩٥، ح ٤٢.

فضیلت پنجم

حارث و سعید بن قیس از مولا علی‌علیه‌السلام نقل می‌کنند که فرمودند: پیامبر گرامی اسلام‌صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمایند:

(در روز قیامت) من بر شما وارد می‌شوم کنار حوض (کوثر)، در حالی که ای علی، شما ساقی (کوثر) و حسن دورکننده (دشمنان) و حسین امر کننده (دوستان به سوی حوض کوثر) است و علیّ بن الحسین اوّلین کسی است که در آب کوثر دست می‌کند و محمّد بن علی آب حوض کوثر را میان شیعیان تقسیم می‌کند و جعفر بن محمّد (شیعیان را به طرف حوض کوثر) رهبری می‌کند و موسی بن جعفر دوستان و دشمنان اهل بیت را شمارش و منافقین را از بین می‌برد و علیّ بن موسی زینت دهنده‌ی مؤمنین است و محمّد بن علی اهل بهشت را در مقاماتشان قرار می‌دهد و علیّ بن محمّد میان شیعیان و حورالعین خطبه ازدواج می‌خواند و حسن بن علی چراغ و روشنایی اهل بهشت است که توسّط او شیعیان نورانی می‌شوند وقائم (عجّل الله تعالی فرجه الشریف) شفیع شیعیان‌در روزقیامت است، آن زمان که خداوند اجازه‌ی شفاعت‌به کسی نمی‌دهد، مگر به آن کسانی که بخواهد و راضی باشد.

اَلْمَنْقَبَةُ السّادِسَةُ

حدثني محمد بن عبدالله بن عبيدالله بن مزة رحمه الله قال: حدثنا عبدالله بن محمد البغوي، قال: حدثني علي بن الجعد، قال: حدثني أحمد بن وهب بن منصور، قال: حدثني أبوقبيصة شريح بن محمد العنبري، قال: حدثني نافع، عن عبدالله بن عمر بن الخطاب، قال:

قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله لِعَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ عليه السلام: «يا عَلِيُّ أَنَا نَذيرُ أُمَّتي، وَ أَنْتَ هاديها، وَ الْحَسَنُ قائِدُها، وَ الْحُسَيْنُ سائِقُها، وَ عَلِيُّ ابْنُ الْحُسَيْنِ جامِعُها، وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عارِفُها وَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ كاتِبُها، وَ مُوسىَ بْنُ جَعْفَرٍ مُحْصيها، وَ عَلِيُّ بْنُ مُوسىٰ مُعَبِّرُها وَ مُنْجيها وَ طارِدُ مُبْغِضيها وَ مُدْني مُؤْمِنيها، وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قائِمُها وَ سائِقُها، وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ سائِرُها وَ عالِمُها، وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ مُناديها وَ مُعْطيها، وَ الْقائِمُ الْخَلَفُ ساقيها وَ مُناشِدُها: ﴿إِنَّ في ذٰلِكَ لَآياتٍ لِلْمُتَوَسِّمينَ﴾[1] يا عَبْدَ اللهِ».[2]

۱: سوره حجر: آیه ۷۵.

۲: بحارالأنوار: ج ۳۶، ص ۲۸۰ ضمن ح ۹۱، از مناقب ابن شهرآشوب: ج ۱، ص ۲۵۱ اثبات الهداة: ج ۳، ص ۲۲۲، ازصراط المستقیم: ج ۲، ص ۱۵۰ به نقل از بغوی.

فضیلت ششم

عبدالله بن عمر نقل می‌کند: پیامبرﷺ به امیرالمؤمنین علی‌ؑ فرمودند:

ای علی ! من هشدار دهنده‌ی امتم هستم و شما هدایت‌کننده‌ی امّت و حسن پیشوای این امّت و حسین راهنما و هدایت کننده و علیّ بن الحسین جمع‌کننده امّت و محمّد بن علی عارف امّت و جعفر بن محمّد کاتب امّت و موسی بن جعفر شماره کننده‌ی امّت و علیّ بن موسی عبور دهنده و نجات دهنده امّت و دور کننده‌ی کینه توزان و دشمنان (اهل بیت) و جمع کننده‌ی مؤمنین و محمّد بن علی قائم و رساننده امّت و علیّ بن محمّد پوشاننده (عیوب) و عالم امّت و حسن بن علی ندا دهنده و عطا کننده امّت و قائم فرزند حسن ، ساقی و معرّف امّت است .

(سپس پیامبرﷺ خطاب به عبدالله بن عمر نموده و این آیه را تلاوت فرمودند:)

﴿در این مطلب برای هوشمندان، عبرت و بصیرت بسیار است.﴾ ای عبدالله!

اَلْمَنْقَبَةُ السّابِعَةُ

حدثنا سهل بن أحمد، حدثني أبوجعفر محمد بن جرير الطبري، قال: حدثني هنّاد بن السرّي، قال: حدثني محمد بن هشام، قال: حدثني سعيد بن أبي سعيد، قال: حدثني محمد بن المنكدر، عن جابر بن عبدالله الأنصاري، قال:

قـالَ رَسُـولُ اللهِ ﷺ: « إنَّ اللهَ تَـعالىٰ لَمّا خَـلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ دَعاهُنَّ فَأَجَبْنَهُ ، فَعَرَضَ عَلَيْهِنَّ نُبُوَّتي وَ وِلايَةَ عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ ، فَقَبِلْنَها ، ثُمَّ خَلَقَ الْخَلْقَ وَ فَوَّضَ إلَيْنا أَمْرَ الدّينِ ، فَالسَّعيدُ مَنْ سَعِدَ بِنا وَ الشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ بِنا ، نَحْنُ الْمُحِلّونَ لِحَلالِهِ وَ الْمُحَرِّمُونَ لِحَرامِهِ »[1].

فضیلت هفتم

جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند: رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرمایند:

همانا زمانی که خداوند متعال آسمان‌ها و زمین را خلق نمود، آنها را فراخواند، پس جواب خدا را دادند، آنگاه بر آنها نبوّت من و ولایت علیّ بن ابی‌طالب را عرضه نمود، و آنها قبول نمودند، پس مخلوقات را خلق نمود و امر دین را به ما واگذار نمود.

بنابراین سعادتمند کسی است که به واسطه‌ی ما سعادت یابد، و شقی و بدعاقبت کسی است که با مخالفت ما شقاوت یابد، ما حلال کننده‌ی حلال خدا، و حرام کننده‌ی حرام خداوند هستیم.

۱: غایة المرام: ص ۲۰۸، ح ۹ - خوارزمی در مناقب: ص ۷۹، مقتل الحسین ؑ: ج ۱، ص ۴۶ - مختصر ص ۹۷ - کشف الغمة: ج ۱، ص ۲۹۱ مصباح الأنوار: ص ۶۴، بحارالأنوار: ج۲۷، ص ۲۸۴، ح ۸ به نقل از مختصر - و ج۱۷، ص۱۳، ح ۲۵ و ج ۲۵، ص ۳۳۹، ح ۲۰ به نقل از کشف الغمة.





اَلْمَنْقَبَةُ الثّامِنَةُ

حدثني القاضي المعافي بن زكريا، قال: حدثني عبدالله بن محمد بن عبدالله ابن العزيز البغوي، قال: حدثني يحيى الحماني، قال: حدثني محمد بن الفضيل، عن الكلبي، عن أبي صالح، عن ابن عباس، قال:

«كُنْتُ جالِساً بَيْنَ يَدَي النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله ذاتَ يَوْمٍ، وَ بَيْنَ يَدَيْهِ عَلِيٌّ وَ فاطِمَةَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ، إذْ هَبَطَ جَبْرَئيلُ عليه السلام وَ مَعَهُ تُفّاحَةٌ، فَحَيّىٰ بِهَا النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله فَتَحَيّىٰ بِهَا النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله وَ حَيّىٰ بِها عَلِيَّ بْنَ أَبي طالِبٍ، فَتَحَيّىٰ بِها عَلِيٌّ وَ قَبَّلَها وَ رَدَّها إلىٰ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله فَتَحَيّىٰ بِها رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وَ حَيّىٰ بِهَا الْحَسَنَ، فَتَحَيّىٰ بِهَا الْحَسَنُ وَ قَبَّلَها وَ رَدَّها إلىٰ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله فَتَحَيّىٰ بِها رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وَ حَيّىٰ بِهَا الْحُسَيْنَ، فَتَحَيّىٰ بِهَا الْحُسَيْنُ وَ قَبَّلَها وَ رَدَّها إلىٰ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله، فَتَحَيّىٰ بِها وَ حَيّىٰ بِها فاطِمَةَ فَتَحَيَّتْ بِها وَ قَبَّلَتْها وَ رَدَّتْها إلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فَتَحَيّىٰ بِها وَ حَيّىٰ بِها عَلِيَّ بْنَ أَبي طالِبٍ فَتَحَيّىٰ بِها عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِبٍ، فَلَمّا هَمَّ أَنْ يَرُدَّها إلىٰ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله سَقَطَتِ التُّفّاحَةُ مِنْ بَيْنِ أَنامِلِهِ، فَانْفَلَقَتْ بِنِصْفَيْنِ، فَسَطَعَ مِنْها نُورٌ حَتّىٰ بَلَغَ السَّماءَ الدُّنْيا، فَإذا عَلَيْها سَطْرانِ مَكْتُوبانِ: بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ تَحِيَّةٌ مِنَ اللهِ تَعالىٰ إلىٰ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفىٰ وَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضىٰ وَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سِبْطَيْ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله وَ أَمانٌ لِمُحِبِّيهِما يَوْمَ الْقِيامَةِ مِنَ النّارِ»[1].

۱: غاية المرام: ۶۵۹ ب ۱۱۱ – مدينة المعاجز: ۶۱، ملحق ح ۱۳۱ – مقتل خوارزمي: ج ۱، ص ۹۵ – بحارالأنوار: ج ۴۳، ص ۳۰۸، ح ۷۲ عوالم: ج ۱۶، ص ۶۲، ح ۲.

فضیلت هشتم

ابن عبّاس می‌گوید: روزی خدمت رسول خدا ﷺ نشسته بودم و در مقابل آن حضرت، علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نشسته بودند؛ در این هنگام جبرئیل نازل شد، در حالی که سیبی در دست داشت؛ پس از عرض سلام، آن سیب را خدمت رسول خدا ﷺ هدیه کرد. پس ایشان هدیه را قبول نموده و به علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام اهدا نمودند؛ علی علیه السلام نیز آن را قبول نمودند، بوسیدند و به رسول خدا ﷺ بازگرداندند.

آنگاه رسول خدا ﷺ آن را به حسن علیه السلام هدیه دادند، آن حضرت سیب را گرفتند، بوسیدند و به رسول خدا ﷺ دادند. باز رسول خدا ﷺ آن را به حسین علیه السلام هدیه نمودند و حسین علیه السلام نیز آن را بوسیدند و به رسول خدا ﷺ بازگرداندند؛ پیامبر ﷺ آن را به فاطمه علیها السلام هدیه نمودند، آن حضرت نیز سیب را بوسیدند و به پیامبر خدا ﷺ دادند، پس برای مرتبه چهارم سیب به دست رسول خدا ﷺ رسید و باز آن را به علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام هدیه نمودند، علیّ بن ابی طالب علیه السلام آن را پذیرفتند و چون خواستند سیب را به رسول خدا ﷺ برگردانند، سیب از بین انگشتان آن حضرت افتاد و دو نصف شد، آنگاه نوری از میان آن ساطع شد و به قدری بالا رفت تا به آسمان دنیا رسید، در این هنگام دیدند دو سطر بر آن نوشته شده:

(بسم الله الرّحمن الرّحیم، این هدیه ایست از خدای متعال به محمّد مصطفی و علیّ مرتضی و فاطمه زهرا و حسن و حسین، دو فرزندان رسول خدا و امانی برای محبیّن آنها در روز قیامت از آتش جهنّم است).

اَلْمَنْقَبَةُ التّاسِعَةُ

حدثني نوح بن أحمد بن أيمن رحمه الله قال: حدثني إبراهيم بن أحمد بن أبي حصين، قال: حدّثني يحيى بن عبدالحميد، قال: حدّثني قيس بن الربيع، قال: حدّثني سليمان الأعمش، عن جعفر بن محمد عليهما السلام قال:

« حَدَّثَني أَبي ، قالَ : حَدَّثَني عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ، عَنْ أَبيهِ ، قالَ : حَدَّثَني أَبي أَميرُالْمُؤمِنينَ عليه السلام ، قالَ : قالَ لي رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله :

يا عَلِيُّ ! أَنْتَ أَميرُالْمُؤمِنينَ وَ إمامُ الْمُتَّقينَ .

يا عَلِيُّ ! أَنْتَ سَيِّدُ الْوَصِيّينَ ، وَ وارِثُ عِلْمِ النَّبِيّينَ ، وَ خَيْرُ الصِّدّيقينَ ، وَ أَفْضَلُ السّابِقينَ .

يا عَلِيُّ ! أَنْتَ زَوْجُ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ ، وَ خَليفَةُ خَيْرِ الْمُرْسَلينَ .

يا عَلِيُّ ! أَنْتَ مَوْلَى الْمُؤمِنينَ .

يا عَلِيُّ ! أَنْتَ الْحُجَّةُ بَعْدي عَلَى النّاسِ أَجْمَعينَ ، اِسْتَوْجَبَ الْجَنَّةَ مَنْ تَوَلّاكَ ، وَ اسْتَحَقَّ النّارَ مَنْ عاداكَ .

يا عَلِيُّ ! وَ الَّذي بَعَثَني بِالنُّبُوَّةِ وَ اصْطَفاني عَلى جَميعِ الْبَرِيَّةِ ؛ لَوْ أَنَّ عَبْداً عَبَدَاللهَ أَلْفَ عامٍ ما قَبِلَ اللهُ ذٰلِكَ مِنْهُ إلّا بِوِلايَتِكَ وَ وِلايَةِ الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِكَ ، وَ إِنَّ وِلايَتَكَ لا تُقْبَلُ إلّا بِالْبَراءَةِ مِنْ أَعْدائِكَ وَ أَعْداءِ الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِكَ . بِذٰلِكَ أَخْبَرَني جَبْرَئيلُ عليه السلام :

﴿ فَمَنْ شاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَ مَنْ شاءَ فَلْيَكْفُرْ ﴾[1] »[2].

۱: سوره کهف: آیه ۲۹.

۲: اليقين: ۵۶ – بحارالأنوار: ج ۲۷، ص ۱۹۹، ح ۶۶ – غاية المرام: ۱۷، ح ۹ اثبات الهداة: ج ۴، ص ۱۶۸، ح ۵۰۷ – كنزالفوائد«كراجكى»: ۱۸۵ – بحارالأنوار به نقل از كنز: ج ۲۷، ص ۶۳، ح ۲۲ – المستدرک: ج ۱، ص ۲۳، ح ۵۴ – روضات الجنات: ۶، ۱۸۳.

فضیلت نهم

امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیهم السلام از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل می‌کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمودند:

ای علی! شما امیر مؤمنان و پیشوای متّقینی.

ای علی! شما سرور اوصیا و وارث علم پیامبران و بهترین راستگویان و برتر از پیشینیانی.

ای علی! شما همسر سرور زنان عالمیان و جانشین و خلیفه‌ی بهترین پیامبرانی.

ای علی! شما مولای مؤمنینی.

ای علی! شما حجّت (خدایی) پس از من بر همه‌ی مردم، هر کس شما را دوست بدارد بهشت بر او واجب و هر کس با شما دشمنی کند مستحقّ آتش دوزخ است.

ای علی! قسم به آن خدایی که مرا مبعوث به رسالت فرمود و مرا بر تمام خوبان عالم برتری داد، اگر بنده‌ای هزار سال خداوند را عبادت کند، این عبادت (هزار ساله او) قبول نشود مگر به ولایت شما و ولایت امامان از فرزندان شما، و ولایت شما قبول نمی‌شود مگر با بی زاری و دوری جستن از دشمنان شما و دشمنان امامانِ از فرزندان شما.

این مطلبی است که جبرئیل علیه السلام به من ابلاغ نموده؛ (سپس این آیه را تلاوت نمودند:) ﴿ پس هر که خواهد ایمان آورد و هر که خواهد کفر ورزد ﴾.

اَلْمَنْقَبَةُ الْعاشِرَةُ

حدثنا سهل بن أحمد رحمه الله، قال: حدثني علي بن عبدالله، قال: حدثني الزبيري إسحاق بن إبراهيم، قال: حدثني عبدالرزاق بن همام عن أبيه، قال: حدثنا مينا مولى عبدالرحمن بن عوف، قال: حدثني عبدالله بن مسعود، قال:

كُنْتُ مَعَ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله وسلم وَ قَدْ أَصْحَرَ فَتَنَفَّسَ الصُّعَداءَ، فَقُلْتُ: يا رَسُولَ اللهِ ما لَكَ تَتَنَفَّسُ؟

قالَ: «يَا ابْنَ مَسْعُودَ نُعِيَتْ إِلَيَّ نَفْسي».

قُلْتُ: اِسْتَخْلِفْ يا رَسُولَ اللهِ.

قالَ: «مَنْ؟».

قُلْتُ: أَبابَكْرٍ. فَسَكَتَ، ثُمَّ تَنَفَّسَ، فَقُلْتُ: ما لَكَ تَتَنَفَّسُ فَدَتْكَ نَفْسي يا رَسُولَ اللهِ؟

قالَ: «نُعِيَتْ إِلَيَّ نَفْسي».

قُلْتُ: اِسْتَخْلِفْ يا رَسُولَ اللهِ.

قالَ: «مَنْ؟».

قُلْتُ: عُمَرَ بْنَ الْخَطّابِ. فَسَكَتَ، ثُمَّ تَنَفَّسَ ثالِثاً، فَقُلْتُ: فِداكَ أَبِي وَ أُمّي، ما لي أَراكَ تَتَنَفَّسُ يا رَسُولَ اللهِ؟

قالَ: «نُعِيَتْ إِلَيَّ نَفْسي».

قُلْتُ: اِسْتَخْلِفْ يا رَسُولَ اللهِ.

قالَ: «مَنْ؟».

قُلْتُ: عَلِيَّ بْنَ أَبِي طالِبٍ، فَبَكىٰ وَ قالَ:

«أَوَّهْ... وَ لَنْ تَفْعَلُوا، فَوَاللهِ لَوْ أَطَعْتُمُوهُ لَيُدْخِلَنَّكُمُ الْجَنَّةَ، وَ إِنْ خالَفْتُمُوهُ لَيَحْبَطَنَّ أَعْمالُكُمْ».[1]

۱: غایة المرام: ۶۹، ح ۱۴ – فرائد السمطین«حموینی»: ج ۱، ص ۲۶۷، ح ۲۰۹ به نقل از خوارزمی – بحارالأنوار: ج ۳۸، ص ۱۱۷، ح ۵۷ مناقب ابن شهرآشوب: ۲، ۲۶۲ و خوارزمی در مناقب: ص ۶۴.

فضیلت دهم

عبدالله بن مسعود می‌گوید :

روزی در خدمت رسول خداﷺ به صحرا رفته بودم ، دیدم آن حضرت به تندی نفس می‌زند ، عرض کردم : ای رسول خدا ! شما را چه می‌شود که به تندی نفس می‌زنید ؟

ایشان فرمودند : ای ابن مسعود ! نفسم به من خبر مرگ می‌دهد !

عرض کردم : ای رسول خدا ! جانشینی برای خود تعیین کنید .

فرمودند : چه کسی را ؟

عرض کردم : ابابکر .

پیامبرﷺ ساکت شدند .

دوباره دیدم آن حضرت به تندی نفس می‌زنند ، عرض کردم : فدایت شوم ، شما را چه می‌شود ؟

فرمودند : نفسم به من خبر مرگ می‌دهد !

عرض کردم : ای رسول خدا! جانیشینی برای خود قرار دهید .

فرمودند : چه کسی را ؟

عرض کردم : عمربن الخطّاب .

بار دیگر آن حضرت ساکت شدند . دوباره دیدم به تندی نفس می‌زنند ؛ باز هم عرض کردم : پدر و مادرم به فدای شما ؛ چرا این‌گونه نفس می‌زنید ؟

آن حضرت فرمودند: نفسم به من خبر مرگ می‌دهد!

عرض کردم: ای رسول خدا! جانشینی برای خود تعیین کنید.

آن حضرت فرمودند: چه کسی را؟

عرض کردم علیّ بن ابی‌طالب علیه‌السلام.

در این هنگام رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله گریستند، آهی کشیدند و فرمودند: چنین نمی‌کنید (یعنی سخن مرا رها می‌کنید و نمی‌گذارید او به خلافت برسد) به خدا قسم اگر از او اطاعت کنید، خداوند همه‌ی شما را داخل بهشت می‌نماید و اگر با او مخالفت کنید، همه‌ی اعمالتان نابود می‌شود!

اَلْمَنْقَبَةُ الْحادِيَةُ عَشْرَةَ

أخبرنا سهل بن أحمد بن عبدالله الكوفي، قال: حدثني عبدالله الحسين ابن محمد القزنوي، قال: حدثني إبراهيم بن محمد الثقفي، قال: حدثني عبدالرحمن السراج، قال: حدثني قتيبة بن سعيد أبوالرجا عن نافع عن عبدالله بن عمر ابن الخطاب، قال:

قالَ رسول اللهﷺ لِعَلِيٍّ عليه السلام:

« يا عَلِيُّ ! إذا كانَ يَوْمَ الْقِيامَةِ يُؤْتى بِكَ عَلى نَجيبٍ مِنْ نُورٍ وَ عَلى رَأْسِكَ تاجٌ يُضيءُ يَكادُ نُورُهُ يَخْطِفُ أَبْصارَ أَهْلِ الْحَشْرِ ، فَيَأْتِي النِّداءُ مِنْ عِنْدِ اللهِ جَلَّ جَلالُهُ : « أَيْنَ خَليفَةُ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللهِﷺ ؟ » فَتَقُولُ يا عَلِيُّ : ها أَنا ، فَيُنادي الْمُنادي : « مَنْ أَحَبَّكَ أَدْخِلْهُ الْجَنَّةَ وَ مَنْ عاداكَ أَدْخِلْهُ النّارَ » فَأَنْتَ الْقَسيمُ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَ النّارِ بِأَمْرِ الْمَلِكِ الْجَبّارِ »[1].

۱: غاية المرام: ۶۹، ح ۱۵- امالی صدوق: ص ۲۹۵، ح ۱۴ - بحارالأنوار: ج ۷، ص ۲۳۲، ح ۳ - الجواهر السنية: ۲۲۷ - اثبات الهداة: ج ۳، ص ۴۰۲، ح ۲۷۲ - ينابيع المودة: ص ۸۳.

فضیلت یازدهم

عبدالله بن عمر نقل می‌کند: پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به مولا علی علیه‌السلام فرمودند:

ای علی! هنگامی که قیامت فرارسد، شما را وارد محشر می‌کنند در حالی که سوار ناقه‌ای از نور هستید و تاجی از نور بر سر شما می‌باشد که چشمان اهل محشر از آن نور خیره می‌شود.

در این هنگام ندایی از جانب پروردگار متعال جلّ جلاله می‌آید که: کجاست خلیفه و جانشین محمّد رسول خدا؟

و شما ای علی! در جواب این ندا خواهی گفت: منم خلیفه‌ی محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله

سپس ندایی می‌آید که: هر کس شما را دوست داشته باشد او را داخل بهشت فرما و هر کس با شما دشمنی نموده داخل آتش نما.

آنگاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: ای علی! شما به امر خداوند جبّار، تقسیم کننده‌ی بندگان برای بهشت و جهنّم هستید.

اَلْمَنْقَبَةُ الثَّانِيَةُ عَشَرَةَ

أخبرني أبومحمد جعفر بن أحمد بن الحسين الشاشي من كتابه قال: حدثني أحمد بن زياد القطان في دكانه بدار القطن بمدينة السلام، قال: حدثني يحيى بن أبي طالب، قال: حدثني عمر بن عبدالغفار، قال: حدثني الأعمش، عن أبي صالح، عن أبي هريرة، قال:

كُنْتُ عِنْدَ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله إِذْ أَقْبَلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَقَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: « يَا أَبَاهُرَيْرَةَ ! أَتَدْرِي مَنْ هٰذَا ؟ ».

قُلْتُ: نَعَمْ يَا رَسُولَ اللهِ ! هٰذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ.

فَقَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: « هٰذَا الْبَحْرُ الزَّاخِرُ، هٰذَا الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ، أَسْخىٰ مِنَ الْفُرَاتِ كَفّاً وَ أَوْسَعُ مِنَ الدُّنْيَا قَلْباً، فَمَنْ أَبْغَضَهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللهِ »[1].

فضیلت دوازدهم

ابوهریره می‌گوید:

در خدمت رسول خدا صلى الله عليه وآله بودیم که علیّ بن ابی‌طالب عليه السلام وارد شد؛ پیامبر صلى الله عليه وآله فرمودند: ای اباهریره! آیا می‌دانی این کیست؟

عرضه داشتم: آری ای رسول خدا! این علیّ بن ابی‌طالب عليه السلام است.

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: این است دریای موّاج، این است خورشید فروزان، دست با سخاوت او بخشنده‌تر از فرات، و قلب او وسیع‌تر از دنیا است؛ پس هر که بغض و کینه‌ی او را در دل داشته باشد، لعنت خدا بر او باد.

۱: بحارالأنوار: ج ۲۷، ص ۲۲۷، ح ۲۹ - کنزالفوائد«کراجکی»: ۶۲.

اَلْمَنْقَبَةُ الثّالِثَةُ عَشَرَةَ

حدثنا أبوالقاسم جعفر بن محمد بن مسرور اللحام رضي الله عنه قال: حدثني الحسين ابن محمد، قال: حدثني أحمد بن علويه المعروف بابن الأسود الكاتب الأصبهاني، قال: حدثني إبراهيم بن محمد، قال: حدثني عبدالله بن صالح، قال: حدثني جرير ابن عبدالحميد عن مجاهد عن ابن عباس، قال:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ: «لَمّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّماءِ ما مَرَرْتُ بِمَلاٍ مِنَ المَلائِكَةِ إِلّا سَأَلُوني عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ عليه السلام حَتّىٰ ظَنَنْتُ أَنَّ اسْمَ عَلِيٍّ أَشْهَرُ فِي السَّماءِ مِنِ اسْمي! فَلَمّا بَلَغْتُ السَّماءَ الرّابِعَةَ فَنَظَرْتُ إِلىٰ مَلِكِ المَوْتِ عليه السلام فَقالَ لي: يا مُحَمَّدُ! ما فَعَلَ عَلِيٌّ؟

قُلْتُ: يا حَبيبي وَ مِنْ أَيْنَ تَعْرِفُ عَلِيّاً؟

قالَ: يا مُحَمَّدُ! وَ ما خَلَقَ اللهُ تَعالىٰ خَلْقاً إِلّا وَ أَنَا أَقْبِضُ رُوحَهُ بِيَدَيَّ ما خَلا أَنْتَ وَ عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِبٍ عليه السلام، فَإِنَّ اللهَ جَلَّ جَلالُهُ يَقْبِضُ أَرْواحَكُما بِقُدْرَتِهِ.

فَلَمّا صِرْتُ تَحْتَ العَرْشِ نَظَرْتُ إِذا أَنا بِعَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ عليه السلام واقِفٌ تَحْتَ عَرْشِ رَبّي، فَقُلْتُ: يا عَلِيُّ سَبَقْتَني؟

فَقالَ لي جَبْرَئيلُ: يا مُحَمَّدُ! مَنِ الَّذي تُكَلِّمُهُ؟

قُلْتُ: هٰذا أَخي عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِبٍ.

فَقالَ لي: يا مُحَمَّدُ! لَيْسَ هٰذا عَلِيّاً بِنَفْسِهِ، وَ لٰكِنَّهُ مَلَكٌ مِنَ المَلائِكَةِ خَلَقَهُ اللهُ تَعالىٰ عَلىٰ صُورَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ عليه السلام، فَنَحْنُ

الْمَلائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ كُلَّمَا اشْتَقْنَا إِلىٰ وَجْهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ زُرْنَا هٰذَا الْمَلَكَ لِكَرَامَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَى اللهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالىٰ، وَ نَسْتَغْفِرُ اللهَ لِشِيعَتِهِ».[1]

فضیلت سیزدهم

ابن عباس می‌گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

در شب معراج که مرا به آسمان بردند، با هیچ گروهی از فرشتگان ملاقات نکردم مگر اینکه در مورد علیّ بن ابی طالب علیه السلام سؤال می‌کردند، که من گمان کردم اسم علی علیه السلام در آسمان‌ها مشهورتر از اسم من است!

به آسمان چهارم که رسیدم، ملک الموت علیه السلام را دیدم؛ از من سؤال کرد: ای محمّد! علی علیه السلام چه می‌کند؟

گفتم: ای حبیب من! تو از کجا علی علیه السلام را می‌شناسی؟

عرض کرد: ای محمّد! خداوند تعالی خلقی را نیافریده مگر اینکه من با دست خود او را قبض روح می‌کنم، مگر شما و علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام؛ همانا خداوند تعالی شما را به قدرت خود، قبض روح می‌فرماید.

به زیر عرش الهی که رسیدم، علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام را دیدم که زیر عرش پروردگارم ایستاده است. گفتم: یا علی! آیا شما از من (در عروج به آسمان ها و عرش) سبقت گرفته‌ای؟

۱: مدینة المعاجز: ص ۱۴۳، ح ۴۰۴ - کنز الفوائد: ۲۵۹ - بحارالأنوار به نقل از کنز: ج ۱۸، ص ۳۰۰، ح ۳.





جبرئیل علیه السلام عرضه داشت: ای محمّد! با چه کسی سخن می‌گویی؟

گفتم: علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام.

جبرئیل علیه السلام عرض کرد: ای محمّد! این، شخصِ علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام نیست! بلکه ملکی از ملائکه خداوند متعال است که او را به صورت علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام خلق نموده و هرگاه ما ملائکه‌ی مقرّب، مشتاق زیارت صورت علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام می‌شویم، این ملک را زیارت می‌کنیم، و این به خاطر کرامتی است که علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام نزد خداوند سبحان دارد، و آنگاه برای شیعیان آن حضرت، از خداوند طلب مغفرت می‌نمائیم.

اَلْمَنْقَبَةُ الرّابِعَةَ عَشَرَةَ

حدثني أبوالحسن علي بن أحمد بن متويه القمي رحمه الله قال: حدثني أحمد بن محمد، قال: حدثني محمد بن علي، قال: حدثني علي بن عثمان، قال: حدثني محمد بن فرات، عن محمد بن علي الباقر، عن أبيه، عن جده الحسين بن علي عن أبيه عليهم السلام، قال:

قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: « عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِبٍ خَليفَةُ اللهِ وَ خَليفَتي، وَ حُجَّةُ اللهِ وَ حُجَّتي، وَ بابُ اللهِ وَ بابي، وَ صَفِيُّ اللهِ وَ صَفِيّي، وَ حَبيبُ اللهِ وَ حَبيبي، وَ خَليلُ اللهِ وَ خَليلي، وَ سَيْفُ اللهِ وَ سَيْفي.

وَ هُوَ أخي وَ صاحِبي وَ وَزيري وَ وَصِيّي، مُحِبُّهُ مُحِبّي وَ مُبْغِضُهُ مُبْغِضي وَ وَلِيُّهُ وَلِيّي وَ عَدُوُّهُ عَدُوّي، وَ زَوْجُ ابْنَتي، وَ وُلْدُهُ وُلْدي، وَ حَرْبُهُ حَرْبي وَ قَوْلُهُ قَوْلي، وَ أمْرُهُ أمْري، وَ هُوَ سَيِّدُ الْوَصِيّينَ، وَ خَيْرُ أُمَّتي، وَ سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ بَعْدي »[1].

۱: غاية المرام: ۶۹، ح ۱۶ - کنزالفوائد«کراجکی»: ۱۸۵، بحارالأنوار به نقل از کنز: ۲۶، ۲۶۳ ح ۴۷ و اثبات الهداة: ۳، ۶۳۲ ح ۸۶۰.





فضیلت چهاردهم

حضرت امام محمّدباقر(ع) از پدران بزرگوارشان(ع)، از امیرالمؤمنین(ع) نقل می‌کنند که رسول خدا(ص) فرمودند:

علیّ بن ابی‌طالب(ع) جانشین خدا و جانشین من است، و حجّت خدا و حجّت من است، و باب من است، و برگزیده‌ی خدا و برگزیده‌ی من است، و حبیب خدا و حبیب من است، و دوست خدا و دوست من است، و شمشیر خدا و شمشیر من است.

او برادر من، دوست من، وزیر و وصیّ من است، دوستدار او دوستدار من است؛ دشمنی با او دشمنی با من است و دوست او دوست من، و دشمن او دشمن من است؛ اوست شوهر دختر من، و فرزندان او فرزندان من، و جنگ با او جنگ با من است، سخن او سخن من، و امر او امر من است؛ اوست سرور جانشینان (پیامبران گذشته) و اوست بهترینِ امّت من، و سرور فرزندان آدم است بعد از من.

اَلْمَنْقَبَةُ الْخامِسَةَ عَشَرَةَ

حدثني القاضي المعافي بن زكريا، قال: حدثني الحسن بن علي العاصمي، قال: حدثني صهيب عن أبيه، عن جعفر بن محمد الصادق عليه السلام، قال:

«حَدَّثَني أبي، قالَ: حَدَّثَني عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنُ، عَنْ أبيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ عليهم السلام، قالَ: بَيْنا رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله في بَيْتِ أُمِّ سَلَمَةَ إِذْ هَبَطَ عَلَيْهِ مَلَكٌ لَهُ عِشْرُونَ رَأْساً، في كُلِّ رَأْسٍ أَلْفُ لِسانٍ، يُسَبِّحُ اللهَ وَ يُقَدِّسُهُ، كُلُّ لِسانٍ بِلُغَةٍ لا تَشْبَهُ الْأُخْرىٰ وَ راحَتُهُ أَوْسَعُ مِنْ سَبْعِ سَماواتٍ وَ سَبْعِ أَرَضِينَ. فَحَسِبَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله أَنَّهُ جَبْرَئيلُ، فَقالَ: يا جَبْرَئيلُ! لَمْ تَأْتِني في مِثْلِ هٰذِهِ الصُّورَةِ قَطُّ؟

فَقالَ الْمَلَكُ: ما أَنَا جَبْرَئيلُ، أَنَا صَرْصائيلُ، بَعَثَنِيَ اللهُ إِلَيْكَ لِتُزَوِّجَ النُّورَ مِنَ النُّورِ.

فَقالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: مَنْ بِمَنْ؟

قالَ: اِبْنَتَكَ فاطِمَةَ مِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ عليهما السلام.

قالَ: فَزَوَّجَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله فاطِمَةَ عليها السلام مِنْ عَلِيٍّ عليه السلام بِشَهادَةِ جَبْرَئيلَ وَ ميكائيلَ وَ إِسْرافيلَ وَ صَرْصائيلَ عليهم السلام.

قالَ: فَنَظَرَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله فَإِذا بَيْنَ كِتْفَيْ صَرْصائيلَ مَكْتُوبٌ: لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ نَبِيُّ الرَّحْمَةِ، عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِبٍ مُقيمُ الْحُجَّةِ.

فَقالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: يا صَرْصائيلُ! مُنْذُ كَمْ كُتِبَ هٰذا بَيْنَ كِتْفَيْكَ؟

قالَ: مِنْ قَبْلِ أَنْ يَخْلُقَ اللهُ آدَمَ بِاثْنَيْ عَشَرَ أَلْفَ سَنَةٍ»[1].

۱: مدينة المعاجز: ص ۱۵۸، ح ۴۳۶ - المناقب«خوارزمی»: ۲۴۵ - كشف الغمة به نقل از خوارزمی: ج ۱، ص ۳۵۲ - بحارالأنوار: ج ۴۳، ص ۱۲۳، ح ۳۱ - العوالم: ج ۱۱، ص ۱۸۴، ح ۲۶ به نقل از كشف الغمة - المحتضر: ص ۱۳۳ عن الحسن عليه السلام.

فضیلت پانزدهم

حضرت امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیهم السلام نقل می‌کنند که حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام فرمودند:

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در خانه‌ی امّ سلمه بودند؛ فرشته‌ای خدمت آن حضرت رسید که بیست سر، و در هر سر هزار زبان داشت، و با هر زبان تسبیح و تقدیس الهی می‌کرد، امّا لغت هیچ یک از آن زبان‌ها به دیگری شبیه نبود؛ کف دست آن ملک (بال او) از هفت آسمان و هفت زمین وسیع‌تر بود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گمان کردند، جبرئیل علیه السلام است و فرمودند: ای جبرئیل! هرگز به این صورت نزد من نیامده بودی! آن ملک عرضه داشت: من جبرئیل نیستم، نام من صرصائیل است، خداوند مرا خدمت شما فرستاده، تا نور را به ازدواج نور درآورید!

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: چه کسی را به چه کسی؟

صرصائیل عرض کرد: دخترتان فاطمه علیها السلام را برای علیّ بن ابی طالب علیه السلام.

در آن هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها السلام را برای علی علیه السلام با گواهی جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و صرصائیل علیهم السلام تزویج نمودند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله میان دو کتف صرصائیل را دیدند که بر آن نوشته شده بود: نیست خدائی جز خدای یگانه، محمّد رسول خدا صلی الله علیه و آله، پیامبر رحمت است، علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام اقامه کننده‌ی حجّت است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای صرصائیل! چه مدّت است که این جملات میان دو کتف تو نوشته شده؟

عرض کرد: دوازده هزار سال قبل از خلقت آدم.

المَنقَبَةُ السّادِسَةُ عَشرَةَ

حدثنا أبوعبدالله محمد بن وهبان الصادق رحمه الله قال: حدثني أحمد بن إبراهيم، قال: حدثني الحسين بن عبدالله الزعفراني، قال: حدثني إبراهيم بن محمد الثقفي، قال: حدثني يحيى بن عبدالقدوس، قال: حدثني علي بن محمد الليالي، قال: حدثني محمد بن وكيع الجراح، قال: حدثني فضيل بن مرزوق، عن عطيّة العوفي عن أبي سعيد الخدري، قال:

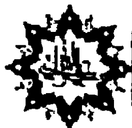
سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ: «إذا كانَ يَومَ القِيامَةِ أمَرَ اللهُ تَعالىٰ مَلَكَيْنِ يَقْعُدانِ عَلَى الصِّراطِ. فَلا يَجُوزُ بِهِما أحَدٌ إلّا بِبَراءَةِ عَلِيِّ بْنِ أبي طالِبٍ، وَ مَنْ لَمْ تَكُنْ لَهُ بَراءَةٌ، أمَرَ اللهُ تَعالىٰ المَلَكَيْنِ المُوَكَّلَيْنِ عَلَى الجَوازِ أنْ يُوقِفاهُ وَ يَسْألاهُ. فَلَمّا عَجَزَ عَنْ جَوابِهِما، فَيَكِبّاهُ عَلىٰ مِنْخَرَيْهِ في النّارِ وَ ذٰلِكَ قَوْلُهُ تَعالىٰ: ﴿وَقِفُوهُمْ إنَّهُمْ مَسْؤُولُونَ﴾[1]».

قُلْتُ: فِداكَ أبي وَ أُمّي يا رَسُولَ اللهِ! وَ ما مَعْنَى البَراءَةِ الَّتي أعْطاها عَلِيٌّ؟

فَقالَ: «مَكْتُوبٌ بِالنُّورِ السّاطِعِ: لا إلٰهَ إلّا اللهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ، عَلِيٌّ وَلِيُّ اللهِ»[2].

۱: سوره صافات: آیه ۲۴.

۲: اليقين في امرة أمير المؤمنين عليه السلام: ۵۷ – البرهان: ج ۴، ص ۱۷، ح ۳ – غاية المرام: ۱۷، ح ۱۰ – بحار الأنوار: ج ۳۹، ص ۲۰۱، ح ۲۲ به نقل از اليقين.




فضیلت شانزدهم

ابوسعید خدری می‌گوید: از رسول خداﷺ شنیدم که فرمودند:

هنگامی که قیامت فرا رسد، خداوند متعال به دو فرشته امر می‌فرماید تا بر پل صراط بایستند؛ اجازه‌ی عبور به احدی نمی‌دهند مگر با جوازی از علیّ بن ابی‌طالبؑ، و هر کس آن جواز را نداشته باشد، خداوند به آن دو فرشته امر می‌فرماید تا او را متوقّف کرده، از او سؤال کنند، و چون نتواند جوابِ آن دو فرشته را بدهد، او را با صورت به آتش جهنّم می‌افکنند! این است فرمایش خداوند متعال در قرآن که می‌فرماید: ﴿آنها را متوقّف کنید! که سخت مسؤول می‌باشند﴾.

ابوسعید می‌گوید، عرضه داشتم: پدر و مادرم فدای شما ای رسول خدا! منظور از جوازی که علیؑ می‌دهد چیست؟

پیامبرﷺ فرمودند: در آن جواز با نوری درخشان نوشته شده:

«لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ، عَلِيٌّ وَلِيُّ اللهِ».

اَلْمَنْقَبَةُ السّابِعَةَ عَشْرَةَ

حدثنا أحمد بن محمد بن عبيدالله الحافظ رحمه الله قال: حدثني علي بن سنان الموصلي، قال: حدثنا أحمد بن محمد الخليلي الآملي، قال: حدثنا محمد بن صالح، قال: حدثني سليمان بن أحمد، قال: حدثني زياد بن مسلم، قال: حدثني عبدالرحمان ابن يزيد بن جابر، قال: حدثني سلام عن أبي سلمى راعي رسول الله صلى الله عليه وآله قال:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ: «لَيْلَةَ أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّماءِ قالَ لِيَ الْجَليلُ جَلَّ جَلالُهُ: ﴿آمَنَ الرَّسُولُ بِما أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ - قُلْتُ: - وَ الْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللهِ وَ مَلائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ﴾[1] قالَ: صَدَقْتَ يا مُحَمَّدُ؛ مَنْ خَلَّفْتَ في أُمَّتِكَ؟ قُلْتُ: خَيْرَها. قالَ: عَلِيَّ بْنَ أَبي طالِبٍ عليه السلام؟

قُلْتُ: نَعَمْ، يا رَبِّ.

قالَ: يا مُحَمَّدُ! إِنّي اطَّلَعْتُ إِلَى الْأَرْضِ، فَاخْتَرْتُكَ مِنْها، فَشَقَقْتُ لَكَ اسْماً مِنْ أَسْمائي، فَلا أُذْكَرُ في مَوْضِعٍ إِلّا ذُكِرْتَ مَعي، فَأَنَا الْمَحْمُودُ وَ أَنْتَ مُحَمَّدٌ، ثُمَّ اطَّلَعْتُ الثّانِيَةَ فَاخْتَرْتُ مِنْها عَلِيّاً، فَشَقَقْتُ لَهُ اسْماً مِنْ أَسْمائي، فَأَنَا الْأَعْلى وَ هُوَ عَلِيٌّ.

يا مُحَمَّدُ! إِنّي خَلَقْتُكَ وَ عَلِيّاً وَ فاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ مِنْ سِنْخِ نُوري، وَ عَرَضْتُ وِلايَتَكُمْ عَلى أَهْلِ

۱: سوره بقره: آیه ۲۸۵.

السَّماواتِ وَ أَهْلِ الْأَرَضينَ ، فَمَنْ قَبِلَها كانَ عِنْدي مِنَ الْمُؤْمِنينَ ، وَ مَنْ جَحَدَها كانَ عِنْدي مِنَ الْكافِرينَ .

يا مُحَمَّدُ ! لَوْ أَنَّ عَبْداً مِنْ عَبيدي عَبَدَني حَتّیٰ يَنْقَطِعَ وَ يَصيرَ كَالشِّنِّ الْبالي ، ثُمَّ أَتاني جاحِداً لِوِلايَتِكُمْ ما غَفَرْتُ لَهُ حَتّیٰ يُقِرَّ بِوِلايَتِكُمْ .

يا مُحَمَّدُ ! أَ تُحِبُّ أَنْ تَراهُمْ ؟

قُلْتُ : نَعَمْ ، يا رَبِّ .

فَقالَ لي : اِلْتَفِتْ عَنْ يَمينِ الْعَرْشِ ، فَالْتَفَتُّ ، فَإِذا أَنا بِعَلِيٍّ وَ فاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَیٰ بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسیٰ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ الْمَهْدِيِّ ، في ضَحْضاحٍ مِنْ نُورٍ ، قِيامٌ يُصَلُّونَ وَ في وَسَطِهِمُ الْمَهْدِيُّ يُضيءُ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ .

فَقالَ : يا مُحَمَّدُ ! هٰؤُلاءِ الْحُجَجُ وَ هُوَ الثّائِرُ مِنْ عِتْرَتِكَ ، فَوَعِزَّتي وَ جَلالي إِنَّهُ النّاصِرُ لِأَوْلِيائي ، وَ الْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدائي ، وَ هُمُ الْحُجَّةُ الْواجِبَةُ ، وَ بِهِمْ يُمْسِكُ اللهُ السَّماواتِ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلّا بِإِذْنِهِ »[1].

۱: بحارالأنوار: ج ۲۷، ص ۱۹۹، ح ۶۷ - مدينة المعاجز: ص ۱۴۳، ح ۴۰۵ - مقتل الحسين عليه السلام «خوارزمی»: ج ۱، ص ۹۵ - الطرائف به نقل از خوارزمی: ص ۱۷۲، ح ۲۷۰ حلية الأبرار: ج ۲، ص ۷۲۰، ح ۱۲۹ - ينابيع المودة: ۴۸۶ - الصراط المستقيم: ج ۲، ص ۱۱۷ غاية المرام: ص ۳۵، ح ۲۱ - الزام الناصب: ج ۱، ص ۱۸۶ - فرائد السمطين: ج ۲، ص ۳۱۹ ح ۵۷۱ به اسناد خوارزمی - غاية المرام: ص ۶۹۵ ح ۲۷.

فضیلت هفدهم

ابوسلمی که شتربان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود، نقل می‌کند: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند:

شبی که مرا در آسمان‌ها سیر دادند (معراج)، خداوند جلیل جلّ جلاله به من فرمود: رسول به آنچه خدا بر او نازل فرمود، ایمان آورده - من عرض کردم - و مؤمنین نیز همگی به خدا و فرشتگان خدا و کتب و پیامبران الهی ایمان آوردند.

خداوند فرمود: درست گفتی ای محمّد! چه کسی را در میان امّت خود جانشین قرار دادی؟

عرض کردم: بهترین و خیرخواه ترین آنها را.

خداوند فرمود: علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام را؟

عرض کردم: آری، ای پروردگار من!

خداوند فرمود: ای محمّد! من بر (اهل) زمین نظر کردم و در بین آنها تو را برگزیدم، و آنگاه برای تو اسمی از اسامی خود انتخاب نمودم، پس جایی یاد نمی‌شوم و ذکر من برده نمی‌شود مگر اینکه از تو نیز یاد می‌شود، پس من محمودم و تویی محمّد.

سپس برای مرتبه دوّم بر زمین نظر افکندم و علی علیه السلام را انتخاب و اختیار نمودم، و برای او نیز اسمی از اسامی خود برگزیدم، پس منم علیّ اعلی و اوست علی.

ای محمّد! همانا من و تو و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان (از فرزندان حسین) را از اصل نور خودم خلق نمودم! و ولایت شما را بر

اهل آسمان‌ها و اهل زمین‌ها عرضه داشتم، پس هر که ولایت شما را قبول کرد، او نزد من از مؤمنین به شمار می‌آید و هر کس انکار کرد ولایت شما را، نزد من از کافرین است.

ای محمّد! اگر بنده‌ای از بندگان من آنقدر مرا عبادت کند که مانند مشک خشکیده شود، سپس (در روز قیامت) نزد من آید در حالی که منکر ولایت شما باشد، او را نمی‌بخشم مگر اینکه اقرار کند به ولایت شما.

ای محمّد! آیا دوست داری آنها (اهل بیت) را ببینی؟

عرض کردم: آری.

خداوند فرمود: به سمت راست عرش بنگر.

چون نگاه کردم دیدم علی و فاطمه و حسن و حسین و علیّ بن الحسین و محمّد بن علی و جعفر بن محمّد و موسی بن جعفر و علیّ بن موسی و محمّد بن علی و علیّ بن محمّد و حسن بن علی و مهدی علیهم السلام در حبابی از نور، مشغول نمازند! مهدی در وسط ایشان ایستاده و مانند ستاره‌ای درخشان پرتو افکنی می‌کند!

در آن هنگام خداوند فرمود: ای محمّد! اینان حجّت‌های من می‌باشند و او (یعنی مهدی) منتقم خون فرزندان تو است، قسم به عزّت و جلالم که او اولیای مرا یاری می‌کند و انتقام می‌گیرد از دشمنان من، او حجّت من است بر آنان، اطاعتش بر اولیای من واجب است و به واسطه‌ی آنهاست که خداوند آسمان‌ها را نگاه داشته تا بر زمین نیفتد، مگر به اذن او(پروردگار).

اَلمَنقَبَةُ الثّامِنَةُ عَشَرَةَ

حدثني محمد بن سعيد أبوالفرج، قال: حدثني أحمد بن محمد بن سعيد، قال: حدثني سعد بن طريف الخفاف، قال: حدثني سعيد بن جبير، عن ابن عباس، قال:

قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله لِعَلِيٍّ : يا عَلِيُّ ! أنَا مَدينَةُ الْحِكْمَةِ وَ أنْتَ بابُها ، وَ لَنْ تُؤْتَى الْمَدينَةُ إلّا مِنْ قِبَلِ الْبابِ ، وَ كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أنَّهُ يُحِبُّني وَ يُبْغِضُكَ ، لِأنَّكَ مِنّي وَ أنَا مِنْكَ ، لَحْمُكَ مِنْ لَحْمي وَ دَمُكَ مِنْ دَمي ، وَ رُوحُكَ مِنْ رُوحي ، وَ سَريرَتُكَ مِنْ سَريرَتي ، وَ عَلانِيَتُكَ مِنْ عَلانِيَتي ، وَ أنْتَ إمامُ اُمَّتي وَ خَليفَتي عَلَيْها بَعْدي ، سَعِدَ مَنْ أطاعَكَ ، وَ شَقِيَ مَنْ عَصاكَ ، وَ رَبِحَ مَنْ تَوَلّاكَ ، وَ خَسِرَ مَنْ عاداكَ ، وَ فازَ مَنْ لَزِمَكَ ، وَ خَسِرَ مَنْ فارَقَكَ .

فَمَثَلُكَ وَ مَثَلُ الْأئِمَّةِ مِنْ وُلْدِكَ بَعْدي مَثَلُ سَفينَةِ نُوحٍ عليه السلام مَنْ رَكِبَها نَجىٰ ، وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْها غَرِقَ ، وَ مَثَلُكُمْ مَثَلُ النُّجُومِ كُلَّما غابَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ إلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ »[1].

---

۱ : غاية المرام: ۵۴۳، ح ۷ - امالی صدوق: ۲۲۲، ح ۱۸ و كمال‌الدين: ۱ ۲۴۱ ح۶۵ بحارالأنوار: ۲۳/ ۱۲۵، ح ۵۳ - غاية المرام: ۵۰، ح ۱۶ - بشارة المصطفى«طبرى»: ۳۹ - فرائد السمطين: ۲/ ۲۴۳، ح ۵۱۷ و جامع الأخبار: ۱۶ - اثبات الهداة: ۳/ ۸۸، ح ۷۹۲ به نقل از جامع الأخبار - غاية المرام: ۳۷، ح ۳۱ - ينابيع المودة: ۳۸ - احقاق الحق: ۴/ ۱۴۹.

فضیلت هجدهم

سعید بن جبیر از ابن عبّاس نقل می‌کند: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به علی علیه‌السلام فرمودند:

ای علی! من شهر حکمت و شما درِ آن می‌باشی، و کسی وارد شهری نمی‌شود مگر از درِ آن؛ دروغ می‌گوید آن که گمان می‌کند مرا دوست دارد و با شما دشمن است، زیرا شما از من و من از شمایم، گوشت شما، گوشت من و خون شما، خونِ من، روح شما، روحِ من، و باطن شما، باطنِ من، و ظاهر شما، ظاهرِ من است. شما امام امّت من و جانشین من هستید، سعادتمند کسی است که از شما اطاعت کند و بدبخت کسی است که با شما مخالفت کند؛ کسی که شما را دوست داشته باشد، سود و منفعت برده است و دشمنی با شما ضرر و زیان به دنبال دارد، رستگار کسی است که ملازم شما باشد و زیانکار کسی است که تو را ترک نماید.

مثَل شما و امامان از فرزندان شما بعد از من، مانند کشتی نوح علیه‌السلام است که هر کس بر آن سوار شد، نجات یافت و هر کس آن را ترک کرد غرق شد، و مثَل شما مانند ستارگان است که با غروب یکی از آن‌ها، ستاره‌ای دیگر طلوع می‌نماید تا روز قیامت (یعنی تا روز قیامت عالم از وجود امامان خالی نمی‌ماند).

اَلْمَنْقَبَةُ التّاسِعَةَ عَشَرَةَ

حدثني محمد بن حميد الجزار، قال: حدثني الحسن بن عبدالصمد، قال: حدثني يحيى بن محمد القاسم القزويني، قال: حدثني محمد بن الحسن الحافظ، قال: حدثني أحمد بن محمد، قال: حدثني هدبة بن خالد، قال: حدثني حماد بن سلمة، قال: حدثني ثابت عن أنس بن مالك، قال:

قالَ رَسولُ اللهِ ﷺ: «خَلَقَ اللهُ مِنْ نُورِ وَجْهِ عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ عليه السلام سَبْعينَ أَلْفَ مَلَكٍ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ وَلِشيعَتِهِ وَمُحِبّيهِ إِلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ».[1]

فضیلت نوزدهم

انس بن مالک نقل می‌کند: پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

خداوند از نور جمال علیّ بن ابی‌طالب عليه السلام هفتاد هزار ملک خلق نموده که تا روز قیامت برای او و شیعیان و محبّینش استغفار می‌کنند.

۱: غـاية المـرام: ۵۸۵، ح ۷۵ - مـدينة المـعاجز: ۱۷۳، ح ۴۸۷ - المـناقب «خوارزمی»: ۳۱ و مقتل الحسين عليه السلام ۱: ۳۹ - ارشاد القلوب: ۲۳۴ - مصباح الأنوار: ۶۴ (خطی) - غاية المرام: ۸، ح ۱۸ - المـناقب المـرتضوية «كشفی حنفی»: ۲۲۰ - أرجح المطالب «الامرتسری»: ص ۴۶۳ كشف الغمة: ۱، ۱۰۳ به نقل از خوارزمی - بحارالأنوار: ۳۹، ۲۷۵، ح ۵۲ به نقل از كشف الغمة مختصر: ۹۵ مرسلا.

اَلْمَنْقَبَةُ الْعِشْرُونَ

حدثنا سهل بن أحمد بن عبدالله، قال: حدثنا محمد بن جرير، قال: حدثني الحسن بن إبراهيم البغدادي، قال: حدثني محمد بن يعقوب الإمام، قال: حدثني أحمد بن يحيى، قال: حدثني عبدالرحمن بن مهدي، عن ابن عباس، قال:

جاءَ رَجُلٌ إلىٰ النَّبِيِّصلى‌الله‌عليه‌وآله فَقالَ لَهُ: أيَنْفَعُني حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أبي طالِبٍعليه‌السلام؟

فَقالَ لَهُ: «لا أعْلَمُ حَتّىٰ أسْألَ جَبْرَئيلَعليه‌السلام».

فَأتاهُ جَبْرَئيلُ فِي الْحالِ، فَسَألَهُ النَّبِيُّصلى‌الله‌عليه‌وآله عَنْ ذٰلِكَ، فَقالَ: لا أعْلَمُ حَتّىٰ أسْألَ إسْرافيلَ، فَارْتَفَعَ جَبْرَئيلُ، فَقالَ لِإسْرافيلَ: أيَنْفَعُ حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أبي طالِبٍ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِ؟

فَقالَ: لا أعْلَمُ حَتّىٰ أُناجِيَ رَبَّ الْعِزَّةِ جَلَّ جَلالُهُ.

فَأوْحىٰ اللهُ تَعالىٰ إلَيْهِ: «قُلْ يا إسْرافيلُ لِأُمَنائي عَلىٰ وَحْيي أنْ أبْلِغُوا تَحِيَّتي إلىٰ حَبيبي وَ يَقُولُوا لَهُ: إنَّ اللهَ يُقْرِئُكَ السَّلامَ وَ يَقُولُ: أنْتَ مِنّي حَيْثُ شِئْتَ وَ أنا وَ عَلِيٌّ مِنْكَ حَيْثُ أنْتَ مِنّي وَ مُحِبُّو عَلِيٍّ مِنّي حَيْثُ عَلِيٌّ مِنْكَ»[1].

۱: غاية المرام: ۵۸۵، ح ۷۶ - مدينة المعاجز: ۱۶۳، ح ۴۵۰ - الجواهر السنية به نقل از جزء چهارم از كنزالفوائد كراجكى.

فضیلت بیستم

ابن عبّاس می‌گوید: مردی خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شرفیاب شد و عرضه داشت: آیا محبّت و دوستی علیّ بن ابی‌طالب علیهما السلام برای من سود و منفعتی دارد؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: سؤالت را برای جبرئیل علیه السلام مطرح می‌کنم و جوابت را خواهم گفت.

در همان موقع جبرئیل علیه السلام خدمت آن حضرت مشرّف شد و آن حضرت جواب سؤال آن مرد را جویا شدند؛ جبرئیل علیه السلام عرض کرد: این سؤال را برای اسرافیل علیه السلام مطرح می‌کنم. جبرئیل علیه السلام به آسمان رفت و به اسرافیل علیه السلام گفت: آیا محبّت علیّ بن ابی‌طالب علیهما السلام منفعت دارد؟ او گفت: باید با حضرت ربّ العزّة جلّ جلاله مناجات کنم، آنگاه خداوند تعالی به اسرافیل علیه السلام وحی نمود و فرمود: ای اسرافیل! به امینان وحی من بگو به حبیب من سلام برسانند و بگویند: خداوند می‌فرماید: تو از من هستی، آن‌گونه که اراده‌ی من است، و من و علی نسبت به تو همان‌گونه‌ایم که تو نسبت به من می‌باشی، و مقام و منزلت محبّین علی نزد من، همان‌گونه است که علی نسبت به شما می‌باشد.

اَلْمَنْقَبَةُ الْحادِيَةُ وَالْعِشْرُونَ

حدثني الحسن بن حمزة بن عبدالله رحمه الله قال: حدثني أحمد بن الحسن الخشاب، قال: حدثني أيوب بن نوح، قال: حدثني العباس، قال: حدثني عمرو بن أبان، قال: حدثني أبان بن تغلب، قال: حدثني عكرمة، عن ابن عباس، قال:

قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله بَعْدَ مُنْصَرَفِهِ مِنْ حَجَّةِ الْوِداعِ :

« أَيُّهَا النّاسُ ! إِنَّ جَبْرَئِيلَ الرُّوحَ الْأَمِينَ نَزَلَ عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَبِّي جَلَّ جَلالُهُ ، فَقالَ: يا مُحَمَّدُ ! إِنَّ اللهَ تَعالىٰ يَقُولُ : (إِنِّي اشْتَقْتُ إِلىٰ لِقائِكَ فَأَوْصِ بِخَيْرٍ وَ تَقَدَّمْ فِي أَمْرِكَ) .

أَيُّهَا النّاسُ ! إِنِّي قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلِي ، وَ كَأَنِّي بِكُمْ وَ قَدْ فارَقْتُمُونِي وَ فارَقْتُكُمْ ، فَإِذا فارَقْتُمُونِي بِأَبْدانِكُمْ فَلا تُفارِقُونِي بِقُلُوبِكُمْ .

أَيُّهَا النّاسُ ! إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ للهِ نَبِيٌّ قَبْلِي خُلِّدَ فِي الدُّنْيا فَأُخَلَّدَ ، فَإِنَّ اللهَ تَعالىٰ قالَ : ﴿ وَ ما جَعَلْنا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ ، أَفَإِنْ مِتَّ فَهُمُ الْخالِدُونَ ، كُلُّ نَفْسٍ ذائِقَةُ الْمَوْتِ ﴾[1].

أَلا وَ إِنَّ رَبِّي أَمَرَنِي بِوَصِيَّتِكُمْ ؛ أَلا وَ إِنَّ رَبِّي أَمَرَنِي أَنْ أَدُلَّكُمْ عَلىٰ سَفِينَةِ نَجاتِكُمْ وَ بابِ حِطَّتِكُمْ ، فَمَنْ أَرادَ مِنْكُمُ النَّجاةَ بَعْدِي

۱: سوره انبياء: آيه ۳۴ و ۳۵.

وَ السَّلامَةَ مِنَ الْفِتَنِ الْمُرْدِيَةِ، فَلْيَتَمَسَّكْ بِوِلايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طالِبٍ عليه السلام فَإِنَّهُ الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ وَ الْفارُوقُ الْأَعْظَمُ وَ هُوَ إِمامُ كُلِّ مُسْلِمٍ بَعْدي، مَنْ أَحَبَّهُ وَ اقْتَدىٰ بِهِ فِي الدُّنْيا وَرَدَ عَلَيَّ حَوْضي، وَ مَنْ خالَفَهُ لَمْ أَرَهُ وَ لَمْ يَرَني وَ اخْتُلِجَ دُوني فَأُخِذَ بِهِ ذاتَ الشِّمالِ إِلَى النّارِ.

ثُمَّ قالَ: أَيُّهَا النّاسُ! إِنّي قَدْ نَصَحْتُ لَكُمْ وَ لٰكِنْ لا تُحِبُّونَ النّاصِحِينَ؛ أَقُولُ قَوْلي هٰذا، وَ أَسْتَغْفِرُ اللهَ الْعَظِيمَ لي وَ لَكُمْ».

ثُمَّ أَخَذَ رَأْسَ عَلِيٍّ وَ قَبَّلَ ما بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ قالَ لَهُ:

«يا عَلِيُّ! فَضْلُكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصىٰ، فَوَالَّذي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ لَوِ اجْتَمَعَ الْخَلائِقُ عَلىٰ مَحَبَّتِكَ وَ عَرَفَ حُقُوقَكَ مِنْكَ ما يَليقُ بِكَ، ما خَلَقَ اللهُ النّارَ»[1].

۱: غاية المرام: ۴۵، ح ۴۸ - به اختصار در احقاق الحق: ۴، ۳۳۱ به نقل از ابو بکر بن مؤمن شیرازی متوفای ۳۸۸ در رسالة الاعتقاد بنابر آنچه در مناقب الکاشی آمده است.

فضیلت بیست و یکم

ابن عبّاس نقل می‌کند: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از حجّة الوداع بازگشتند، فرمودند:

ای مردم! همانا جبرئیل روح الامین علیه السلام از جانب پروردگارم جلّ جلاله بر من نازل شد و گفت: ای محمّد! خداوند تعالی می‌فرماید: من مشتاق لقای تو می‌باشم، پس وصیّت کن به خیر(بهترین اوصیا را به مردم معرّفی کن) و شتاب کن.

ای مردم! همانا اجل من نزدیک شده و گویا می‌بینم زمان آن رسیده که من از شما و شما از من جدا شوید، امّا زمانی که من از بدن های شما جدا می‌شوم، شما قلب‌هایتان را از من جدا نکنید.

ای مردم! خداوند پیامبری قبل از من نداشته که در دنیا جاوید و ابدی نگاه داشته باشد که من نیز تا ابد زنده بمانم، خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: ﴿و ما به هیچ کس قبل از تو عمر ابدی ندادیم (تا به تو دهیم) آیا با آن که تو (محبوب و مقرّب ترین بنده مایی) خواهی مرد، دیگران در دنیا زنده بمانند؟ هر موجودی طعم مرگ را می چشد﴾.

آگاه باشید! که پروردگار من امر فرموده به شما وصیّت کنم. (خلیفه و جانشین خود را معرّفی کنم).

آگاه باشید! پروردگار من امر فرموده شما را راهنمایی کنم به کشتی نجات و راه قبولی توبه، پس هر کس از شما می‌خواهد بعد از من

نجات یابد و از فتنه‌ها سالم بماند، به ولایت علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام چنگ بزند، همانا اوست راستگوی بزرگ و اوست جداکننده‌ی حق از باطل و اوست امام و پیشوای هر مسلمانی، پس از من.

هر کس او را دوست بدارد و به او در دنیا اقتدا نماید، در روز قیامت بر من بر سر حوض (کوثر) وارد می‌شود و هر کس با او مخالفت کند، مرا (در قیامت) نمی‌بیند؛ من نیز او را نخواهم دید و بین من و او جدایی می‌افتد، (و این جدایی باعث می‌شود) که او را به سوی آتش جهنّم برند.

سپس فرمودند: ای مردم! من شما را نصیحت کردم، امّا شما نصیحت کنندگان را دوست ندارید، (امّا با این وجود، پیام الهی را برای شما) می‌گویم و گفته‌ی من این است (که برای شما گفتم) و برای خودم و شما از خداوند عظیم طلب مغفرت می‌کنم.

پس از آن، رسول خدا صلی الله علیه و آله سر علی علیه السلام را گرفتند و بین دو چشمان آن حضرت را بوسیدند و فرمودند: ای علی! فضائل شما بیش از آن است که شمارش شود و به حساب آید، پس سوگند به آن خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر بندگان بر محبّت شما اجتماع می‌کردند و شما و حقوق شما را می‌شناختند، آن‌گونه شناختنی که سزاوار شما باشد، خداوند آتش جهنّم را خلق نمی‌کرد.

اَلْمَنْقَبَةُ الثّانِيَةُ وَالْعِشْرُونَ

حدثنا أبوالقاسم جعفر بن محمد قولويه رحمه الله قال: حدثني علي بن الحسين، قال: حدثني علي بن إبراهيم، عن أبيه، قال: حدثني أحمد بن محمد، قال: حدثني محمد ابن فضيل، عن ثابت بن أبي حمزة، قال: حدثني علي بن الحسين عليهما السلام، عن أبيه، قال:

« حَدَّثَني أَميرُالْمُؤمِنينَ عَلِيٌّ عليه السلام قالَ : قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله : إنَّ اللهَ قَدْ فَرَضَ عَلَيْكُمْ طاعَتي وَ نَهاكُمْ عَنْ مَعْصِيَتي وَ أَوْجَبَ عَلَيْكُم اتِّباعَ أَمْري وَ أَنْ تُطيعُوا عَلِيَّ بْنَ أَبي طالِبٍ بَعْدي ، فَإنَّهُ أَخي وَ وَزيري وَ وارِثُ عِلْمي وَ هُوَ مِنّي وَ أَنَا مِنْهُ ، حُبُّهُ إيمانٌ وَ بُغْضُهُ كُفْرٌ .

أَلا فَمَنْ كُنْتُ مَوْلاهُ فَهُوَ مَوْلاهُ ، أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوا هٰذِهِ الأُمَّةِ ، فَمَنْ عَصىٰ أَباهُ فَحُشِرَ مَعَ وُلْدِ نُوحٍ حَيْثُ قالَ لَهُ أَبُوهُ : ﴿ يا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنا وَ لا تَكُنْ مَعَ الْكافِرينَ ، قالَ سَآوي إلىٰ جَبَلٍ﴾ [1] الآيَة .

ثُمَّ قالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله : اَللّٰهُمَّ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ ، وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ ، وَ والِ وَلِيَّهُ وَ عادِ عَدُوَّهُ .

ثُمَّ بَكَى النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله وَ وَدَّعَهُ ثَلاثَ كَرّاتٍ بِمَشْهَدِ جَمْعٍ مِنَ الْمُهاجِرينَ وَ الأَنْصارَ كانُوا حَوْلَهُ جالِسينَ يَبْكُونَ » [2].

۱: سوره هود: آیه ۴۲ و ۴۳.

۲: غایة المرام: ۱۶۵، ح ۵۱ - کنزالفوائد: ۱۸۵ - بحارالأنوار: ۲۶، ۲۶۳، ح ۴۸ - اثبات الهداة: ۳، ۶۳۲، ح ۸۶۱ - روضات الجنات: ۶، ۱۸۴ امالی صدوق: ۲۲، ح ۶ به اسناد ثابت بن ابی صفیة، از حضرت زین العابدین علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیهم السلام - بشارة المصطفی «طبری»: ۱۹۶ به اسناد صدوق.

فضیلت بیست و دوّم

حضرت امام سجّاد عليه السلام از پدر بزرگوارشان عليه السلام از امیرمؤمنان علی عليه السلام نقل می‌کنند: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمودند:

همانا خداوند متعال اطاعت مرا بر شما واجب نموده و از نافرمانی من نهی فرموده است؛ تبعیّت از امر مرا بر شما واجب کرده و این که پس از من از علیّ بن ابی‌طالب عليه السلام اطاعت کنید؛ براستی که او برادر من، وزیر من و وارث علم من است، او از من و من از اویم، محبّت او ایمان و دشمنی با او کفر است.

آگاه باشید! هر کس من مولای اویم پس او (علی عليه السلام) مولای اوست، من و علی عليه السلام دو پدر این امّتیم، پس هر کس از پدرش نافرمانی کند با پسر نوح عليه السلام محشور می‌شود، آنگاه که پدرش به او گفت: ﴿ای پسرم تو هم بر این کشتی سوار شو (تا نجات یابی) و با کافران همراه مباش (که هلاک خواهی شد) در پاسخ گفت: من به زودی بر فراز کوه روم که از خطر هلاک شدن، نجات یابم﴾.

سپس رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: خداوندا! یاری فرما هر آن که یاری کند او را، و ذلیل فرما هر آن کس که ذلّت او را خواهد؛ دوست بدار دوستانش را، و دشمن بدار دشمنانش را. پس پیامبر خدا صلى الله عليه وآله گریستند و با امیرالمؤمنین عليه السلام سه مرتبه وداع نمودند. این واقعه در جمع مهاجرین و انصار بود و همه‌ی کسانی که شاهد این صحبت‌ها و اطراف آن حضرت بودند نیز با رسول خدا صلى الله عليه وآله گریستند.

اَلْمَنْقَبَةُ الثّالِثَةُ وَ الْعِشْرُونَ

حدثنا أحمد بن محمد رحمه الله من كتابه، قال: حدثني عبدالله بن جعفر، قال: حدثني إبراهيم بن هاشم، قال: حدثني جعفر بن محمد بن مروان، عن أبيه، قال: حدثني عبيدالله بن يحيى، قال: حدثني محمد بن علي الباقر، عن أبيه، عن الحسين بن علي، عن أمير المؤمنين عليهم السلام قال:

قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: وَ سُئِلَ عَنْ قَوْلِ اللهِ تَعالىٰ: ﴿أَلْقِيا في جَهَنَّمَ كُلَّ كَفّارٍ عَنيدٍ﴾[1] قالَ صلى الله عليه وآله: «يا عَلِيُّ! إنَّ اللهَ إذا جَمَعَ الْخَلائِقَ يَوْمَ الْقِيامَةِ في صَعيدٍ واحِدٍ، كُنْتُ أَنَا وَ أَنْتَ يَوْمَئِذٍ عَنْ يَمينِ الْعَرْشِ، فَيَقُولُ اللهُ تَعالىٰ: يا مُحَمَّدُ! يا عَلِيُّ! قُوما وَ أَلْقِيا مَنْ أَبْغَضَكُما وَ كَذَّبَكُما وَ خالَفَكُما في النّارِ»[2].

فضیلت بیست و سوّم

حضرت امام باقر علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیهم السلام از مولا علی علیه السلام نقل می‌کنند که فرمودند: از رسول خدا صلى الله عليه وآله در مورد آیه‌ی: ﴿امروز هر کافر معاند را در دوزخ افکنید﴾ سؤال شد. رسول خدا صلى الله عليه وآله در جواب فرمودند: ای علی! هنگامی که روز قیامت شود، خداوند مخلوقات را در یک بیابان جمع می‌کند و من و شما در آن روز، سمت‌راست عرش می‌ایستیم و خداوند متعال می‌فرماید: ای محمّد! ای علی! برخیزید و کسانی که دشمنی شما را داشتند، بر شما دروغ بستند و مخالفت کردند را درون آتش جهنّم بیفکنید.

۱: سوره ق: آیه ۲۴.

۲: غایة المرام: ۳۹۰، ب ۱۰۱، ح ۲ - البرهان: ۴، ۲۲۷، ح ۱۸ - اللوامع النورانية: ۴۰۹ تفسير قمي: ۶۴۴ - بحارالأنوار: ۳۹، ۱۹۹، ح ۱۳ - البرهان: ۴، ۲۲۳، ح ۱ - غاية المرام: ۳۹۰، ب ۱۰۲، ح ۱ - تفسير فرات كوفي: ۱۶۶ - شواهد التنزيل «حسكانی»: ۲، ۱۹۱، ح ۸۹۷ ينابيع المودة: ص ۸۵.

اَلْمَنْقَبَةُ الرّابِعَةُ وَ الْعِشْرُونَ

حدثنا محمد بن عبدالله بن عبيدالله عن محمد بن القاسم عن عباد بن يعقوب، قال: حدثني عمرو بن أبي المقدام، عن أبيه، قال: حدثني سعيد بن جبير عن ابن عباس، قال:

قالَ رَسُولُ اللهِ صلّى الله عليه وآله: « وَ الَّذي بَعَثَني بِالْحَقِّ بَشيراً وَ نَذيراً مَا اسْتَقَرَّ الْكُرْسِيُّ وَ الْعَرْشُ وَ لا دارَ الْفُلْكُ وَ لا قامَتِ السَّماواتُ وَ الْأَرَضُونَ إلّا بَعْدَ أنْ كَتَبَ اللهُ عَلَيْها : (لا إلٰهَ إلّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ عَلِيٌّ وَلِيُّ اللهِ) » . ثُمَّ قالَ :

« إنَّ اللهَ تَعالىٰ لَمّا عَرَجَ بي إلَى السَّماءِ وَ اخْتَصَّني بِلَطيفِ نِدائِهِ ، قالَ : يا مُحَمَّدُ ! قُلْتُ : لَبَّيْكَ رَبّي وَ سَعْدَيْكَ ، فَقالَ : أنَا الْمَحْمُودُ وَ أنْتَ مُحَمَّدٌ ، شَقَقْتُ اِسْمَكَ مِنْ اِسْمي ، وَ فَضَّلْتُكَ عَلىٰ جَميعِ بَرِيَّتي ، فَانْصِبْ أخاكَ عَلِيّاً عَلَماً لِعِبادي يَهْديهِمْ إلىٰ ديني .

يا مُحَمَّدُ ! إنّي قَدْ جَعَلْتُ الْمُؤْمِنينَ أخَصَّ عِبادي ، وَ جَعَلْتُ عَلِيّاً الْأَميرَ عَلَيْهِمْ ، فَمَنْ تَأمَّرَ عَلَيْهِ لَعَنْتُهُ ، وَ مَنْ خالَفَهُ عَذَّبْتُهُ ، وَ مَنْ أطاعَهُ قَرَّبْتُهُ .

يا مُحَمَّدُ ! إنّي قَدْ جَعَلْتُ عَلِيّاً إمامَ الْمُسْلِمينَ ، فَمَنْ تَقَدَّمَ عَلَيْهِ أخْزَيْتُهُ ، وَ مَنْ عَصاهُ اسْتَجْفَيْتُهُ ، فَإنّي جَعَلْتُ عَلِيّاً سَيِّدَ الْوَصِيّينَ ، وَ قائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ وَ حُجَّتي عَلَى الْخَلْقِ أجْمَعينَ »[1] .

۱: اليقين في امرة أمير المؤمنين عليه السلام: ۵۷ – مدينة المعاجز: ۱۵۷، ح ۴۲۸ – غاية المرام: ۱۷، ح ۱۱ بحارالأنوار: ۲۷، ۸، ح ۱۶ به نقل از اليقين – الجواهر السنية: ۳۰۰ – تأويل الآيات: ۱۸۶، ح ۳۴.

فضیلت بیست و چهارم

ابن عبّاس می‌گوید: رسول خداﷺ فرمودند:

قسم به آن خدایی که مرا به حقّ مبعوث نمود و برای بشارت و هشدار برانگیخت، عرش و کرسی استوار نگردید و دنیا ایجاد نشد و آسمان‌ها و زمین مستقرّ نشدند، مگر بعد از آنکه خداوند بر آنها نوشت: (لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ عَلِيٌّ وَلِيُّ اللهِ) سپس فرمودند: همانا هنگامی که خداوند تعالی مرا به آسمان عروج داد و مرا مورد لطف و ندای خود قرار داد، فرمود: ای محمّد! عرض کردم: لبّیک، ای پروردگار من! فرمود: من محمود می‌باشم و تو محمّد، اسم تو را از اسم خود مشتق نمودم و تو را بر همه‌ی خلایقم برتری دادم، پس تو نیز برادرت علیؑ را نشانه‌ای برای بندگانم منصوب کن، تا آنها را به دین من هدایت کند.

ای محمّد! من مؤمنین را برگزیده ترین خلقم و علیؑ را امیر آنها قرار دادم. پس هر کس بر او حکومت کند (خود را امیر مسلمین قرار دهد) او را لعنت می‌کنم و هر کس با او مخالفت کند، عذابش می‌کنم و اطاعت کننده‌ی او را، از مقرّبین قرار می‌دهم.

ای محمّد! من علیؑ را امام مسلمین قرار دادم، پس هر کس خود را بر او مقدّم کند، ذلیلش می‌کنم و هر کس از او نافرمانی کند، بر او سخت گیرم؛ همانا من علیؑ را سرور وصیّین و پیشوای پیشانی سفیدان و حجّت خود بر همه‌ی خلقم قرار دادم.

اَلْمَنْقَبَةُ الْخامِسَةُ وَ الْعِشْرُونَ

حدثني أحمد بن محمد بن عمران، قال: حدثني الحسن بن محمد العسكري، قال: حدثني إبراهيم بن عبيدالله، قال: حدثني عبدالرزاق، قال: حدثني معمّر عن يحيي بن أبي كثير، عن أبيه، قال: حدّثني أبوهارون العبدي، قال: حدّثني جابر ابن عبدالله الأنصاري، قال:

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلّى الله عليه وآله : « عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَقْدَمُ أُمَّتِي سِلْماً، وَ أَكْثَرُهُمْ عِلْماً، وَ أَصَحُّهُمْ دِيناً، وَ أَفْضَلُهُمْ يَقِيناً، وَ أَكْمَلُهُمْ حِلْماً، وَ أَسْمَحُهُمْ كَفّاً، وَ أَشْجَعُهُمْ قَلْباً، وَ هُوَ الْإِمَامُ وَ الْخَلِيفَةُ بَعْدِي »[1].

فضیلت بیست و پنجم

جابربن عبدالله انصاری نقل می‌کند: پیامبر خدا صلّی الله علیه وآله فرمودند:

علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام اوّلین کسی‌است که اسلام آورد؛ علم او از همه‌ی امّت بیشتر، دین او صحیح‌تر و یقین او بر دیگران برتری دارد؛ حلم او از همه کامل‌تر، سخاوت او بیشتر و قلب او از همه شجاع‌تر می‌باشد. اوست امام و جانشین من پس از من.

۱: غاية المرام: ۴۵ ح ۵۱ - کنزالفوائد «کراجکی»: ۱۲۱ - اثبات الهداة: ۳، ۶۳۳، ح ۸۶۲ امالی صدوق: ۱۶، ح ۶ به اسناد یحیی بن ابی کثیر - بحارالأنوار: ۳۸، ۹۰، ح ۱ - حلية الأبرار: ۱، ۲۳۵.

اَلْمَنْقَبَةُ السّادِسَةُ وَالْعِشْرُونَ

حدثنا سهل بن أحمد بن عبدالله، قال: حدثني علي بن عبدالله، قال: حدثنا إسحاق بن إبراهيم الدبري، قال: حدثني عبدالرزاق بن همام، قال: حدثني معمر، قال: حدثني عبدالله بن طاووس، عن أبيه، عن ابن عباس، قال:

كُنّا جُلُوساً مَعَ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله إِذْ دَخَلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طالِبٍ عليه السلام فَقالَ:

«اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللهِ.

فَقالَ: وَ عَلَيْكَ السَّلامُ يا أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكاتُهُ.

فَقالَ عَلِيٌّ: تَدْعُونِي بِأَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ وَ أَنْتَ حَيٌّ يا رَسُولَ اللهِ؟

فَقالَ: نَعَمْ وَ أَنا حَيٌّ، وَ إِنَّكَ يا عَلِيُّ قَدْ مَرَرْتَ بِنا أَمْسِ وَ أَنا وَ جَبْرَئِيلُ فِي حَدِيثٍ وَ لَمْ تُسَلِّمْ، فَقالَ جَبْرَئِيلُ عليه السلام: ما بالُ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ مَرَّ بِنا وَ لَمْ يُسَلِّمْ؟ أَما وَ اللهِ لَوْ سَلَّمَ لَسَرَرْنا وَ رَدَدْنا عَلَيْهِ.

فَقالَ عَلِيٌّ: يا رَسُولَ اللهِ، رَأَيْتُكَ وَ دَحِيَّةُ، اسْتَخْلَيْتُما فِي حَدِيثٍ، فَكَرِهْتُ أَنْ أَقْطَعَهُ عَلَيْكُما.

فَقالَ لَهُ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ دَحِيَّةُ، وَ إِنَّما كانَ جَبْرَئِيلُ عليه السلام: فَقُلْتُ: يا جَبْرَئِيلُ، كَيْفَ سَمَّيْتَهُ أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ؟ فَقالَ: كانَ اللهُ تَعالىٰ أَوْحىٰ إِلَيَّ فِي غَزْوَةِ بَدْرٍ، أَنْ اهْبِطْ إِلىٰ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله وَ أْمُرْهُ

أَنْ يَأْمُرَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام أَنْ يَجُولَ بَيْنَ الصَّفَّيْنِ ، فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ يُحِبُّونَ أَنْ يَنْظُرُوا إِلَيْهِ وَ هُوَ يَجُولُ بَيْنَ الصَّفَّيْنِ ، فَسَمَّاهُ اللهُ تَعَالَىٰ مِنَ السَّمَاءِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ذٰلِكَ الْيَوْمَ .

فَأَنْتَ يَا عَلِيُّ ! أَمِيرُ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَ أَمِيرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ وَ أَمِيرُ مَنْ مَضَىٰ وَ أَمِيرُ مَنْ بَقِيَ ، فَلَا أَمِيرَ قَبْلَكَ وَ لَا أَمِيرَ بَعْدَكَ ، لِأَنَّهُ لَا يَجُوزُ أَنْ يُسَمَّىٰ بِهٰذَا الْإِسْمِ مَنْ لَمْ يُسَمِّهِ اللهُ تَعَالَىٰ بِهِ»[1].

۱: الیقین: ۵۸ باب ۷۹ - غایة المرام: ۱۸، ح ۱۲ - مدینة المعاجز: ۸ - الصراط المستقیم: ۲، ۵۴ به نقل از محمد بن جعفر المشهدی - بحارالأنوار: ۳۷، ۳۰۷، ح ۳۹ به نقل از الیقین - مناقب ابن شهرآشوب: ۲، ۲۵۳.

فضیلت بیست و ششم

ابن عبّاس می‌گوید: در خدمت رسول خدا (ص) نشسته بودیم که علیّ بن ابی‌طالب (ع) داخل شده، عرضه داشتند:

سلام بر شما ای رسول خدا!

پیامبر (ص) فرمودند: و بر شما سلام ای امیرمؤمنان! و رحمت و برکات خداوند بر شما باد.

مولا علی (ع) فرمودند: ای رسول خدا! مرا امیرمؤمنان خطاب می‌کنید، درحالی که شما زنده هستید؟

فرمودند: آری، در حالی که زنده می‌باشم، ای علی! امروز من و جبرئیل (ع) مشغول صحبت بودیم و شما بر ما گذشتی و سلام نکردید؛ آنگاه جبرئیل (ع) عرض کرد: چرا امیرمؤمنان (ع) بر ما گذشتند و سلام نفرمودند؟ به خدا قسم اگر سلام می‌فرمود ما شاد می‌شدیم و جواب ایشان را می‌دادیم.

حضرت علی (ع) عرض کردند: ای رسول خدا! دیدم شما و دحیّه[1] خلوت کرده‌اید و مشغول صحبت هستید، نخواستم سخن شما را قطع کنم.

رسول خدا (ص) فرمودند: او دحیّه نبود، بلکه جبرئیل (ع) بود و من

۱: دحیّة بن خلیفة الکلبي؛ برادر رضاعی رسول خدا (ص) است، او از زیباترین مردم بود و جبرئیل (ع) غالباً به شمائل او نازل می شد؛ دحیّه همان است که نامه ی رسول خدا (ص) را برای قیصر روم برد.

به او گفتم: ای جبرئیل! چرا او را امیرمؤمنان می‌خوانی؟

جبرئیل علیه السلام عرض کرد: خداوند متعال در جنگ بدر به من دستور داد: نزد محمّد صلی الله علیه و آله برو و از جانب من به او امر کن تا به امیرمؤمنان علیه السلام بفرماید بین صف مسلمین و کفّار جولان دهد، همانا ملائکه دوست دارند به جولان دادن او میان صفوف نگاه کنند.

پس خداوند متعال، آن زمان ایشان را در آسمان امیرمؤمنان نامید.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: پس ای علی! شما امیری بر هر کس که در آسمان‌ها و زمین است و امیری بر گذشتگان و آیندگان و امیری قبل از شما نبوده و بعد از شما هم نمی‌باشد، زیرا جایز نیست کسی که خداوند او را به این اسم نخوانده است، به این نام خوانده شود.

اَلْمَنْقَبَةُ السَّابِعَةُ وَالْعِشْرُونَ

حدثنا محمد بن عبدالله بن أبي‌عبدالله الشيباني رحمه الله قال: أخبرنا محمد بن لحي التميمي، قال: حدثني أبوقتادة الحراني عن أبيه، قال: حدثني الحارث بن الخزرج صاحب راية الأنصار، قال:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام:

«لَا يَتَقَدَّمُكَ بَعْدِي إِلَّا كَافِرٌ، وَ لَا يَتَخَلَّفُ عَنْكَ بَعْدِي إِلَّا كَافِرٌ، وَ إِنَّ أَهْلَ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ يُسَمُّونَكَ أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ بِأَمْرِ اللهِ تَعَالَى»[1].

فضیلت بیست و هفتم

حارث بن خزرج که علمدار انصار بود، می‌گوید: از رسول خدا صلى الله عليه وآله شنیدم که خطاب به علی بن ابی‌طالب علیه السلام می‌فرماید:

پس از من کسی از شما پیشی نمی‌گیرد، مگر اینکه کافر باشد و از شما کسی روی برنگرداند، مگر اینکه کافر باشد؛ و همانا اهل آسمان‌های هفت‌گانه، شما را به امر پروردگار متعال، امیرمؤمنان می‌نامند.

۱: غایة المرام: ۶۹، ح ۱۷ - الیقین: ۷۸ - مصباح الأنوار: ۱۶۴ (خطی) - عباد ابن یعقوب رواجنی هم درکتاب المعرفة به اسناد ابی قتادة الحرانی نقل نموده است.

اَلْمَنْقَبَةُ الثّامِنَةُ وَ الْعِشْرُونَ

حدثني أبي رحمه الله، قال: حدثني محمد بن الحسين، قال: حدثني محمد بن الحسن الصفار، قال: حدثني أحمد بن محمد، قال: حدثني أبي، قال: حدثني عبدالله بن المغيرة و محمد بن يحيى الخثعمي، قالا: حدثنا محمد بن بهلول العبدي، عن جعفر بن محمد، عن أبيه محمد بن علي، عن أبيه، قال: حدثني أبي الحسين بن علي بن أبي طالب عليهم السلام:

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: « لَمّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّماءِ وَ انْتُهِيَ بِي إِلَىٰ حُجُبِ النُّورِ، كَلَّمَني رَبِّي جَلَّ جَلالُهُ فَقالَ لي: يا مُحَمَّدُ! بَلِّغْ عَلِيَّ ابْنَ أَبي طالِبٍ عليه السلام مِنّي السَّلامَ وَ أَعْلِمْهُ أَنَّهُ حُجَّتي بَعْدَكَ عَلىٰ خَلْقي، بِهِ أَسْقي عِبادي الْغَيْثَ، وَ بِهِ أَدْفَعُ عَنْهُمُ السُّوءَ، وَ بِهِ أَحْتَجُّ عَلَيْهِمْ يَوْمَ يَلْقَوْني. فَإِيّاهُ فَلْيُطيعُوا، وَ لِأَمْرِهِ فَلْيَأْتَمِرُوا، وَ عَنْ نَهْيِهِ فَلْيَنْتَهُوا، أَجْعَلُهُمْ عِنْدي في مَقْعَدِ صِدْقٍ وَ أُبيحُ لَهُمْ جَنَّتي؛ وَ إِنْ لَمْ يَفْعَلُوا، أَسْكَنْتُهُمْ ناري مَعَ الْأَشْقِياءِ مِنْ أَعْدائي ثُمَّ لا أُبالي »[1].

فضیلت بیست و هشتم

حضرت امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارشان، از اباعبدالله الحسین علیه السلام نقل می‌کنند که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند:

هنگامی که در شب معراج به آسمان سیر داده شدم و در انتهای سیر خود به حجاب‌های نور رسیدم، پروردگارم جلّ جلاله با من سخن گفت و فرمود: ای محمّد! سلام مرا به علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام ابلاغ کن و او را آگاه کن که پس از تو، او حجّت من است بر خلق من، بندگانم را به واسطه‌ی او از باران سیراب می‌کنم و به واسطه‌ی او بدی را از آنها دور می‌سازم و به واسطه‌ی او بر بندگانم در روز قیامت احتجاج می‌کنم.

۱: مدینة‌المعاجز: ۱۵۷، ح ۴۳۰ - بشارة المصطفی«طبری»: ۷۹ - عنه البحار: ۳۸، ۱۳۸، ح ۹۹.

اَلْمَنْقَبَةُ التَّاسِعَةُ وَالْعِشْرُونَ

أخبرنا سهل بن أحمد الطرائفي و محمد بن عبدالله الكوفي رضي الله عنهما، قالا: حدّثنا محمد بن جرير الطبري، قال: حدّثني خلف بن خليفة، قال: حدّثني يزيد بن هارون، قال: حدثني محمد بن إبراهيم بن إبراهيم بن مبشر، عن جابر بن عبدالله الأنصاري، قال:

كُنْتُ عِنْدَ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله جالِساً إذْ أقْبَلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طالِبٍ عليه السلام فَأدْناهُ وَ مَسَحَ وَجْهَهُ بِبُرْدَتِهِ ، وَ قالَ :

« يا أبَا الْحَسَنِ ! ألا أُبَشِّرُكَ بِما بَشَّرَني بِهِ جَبْرَئيلُ عليه السلام ؟

قالَ : بَلىٰ يا رَسُولَ اللهِ .

قالَ : إنَّ فِي الْجَنَّةِ عَيْناً يُقالُ لَها : (تَسْنيمٌ) يَخْرُجُ مِنْها نَهْرانِ ، لَوْ أنَّ بِهِما سُفُنَ الدُّنْيا بَحَرَتْ ، وَ عَلىٰ شاطِئِ (تَسْنيمٍ) أشْجارٌ قِضْبانُها مِنَ اللُّؤْلُؤِ وَ الْمَرْجانِ الرَّطْبِ وَ حَشيشُها مِنَ الزَّعْفَرانِ ، عَلىٰ حافَتَيْهِما كَراسِيُّ مِنْ نُورٍ ، عَلَيْها أناسٌ جُلُوسٌ ، مَكْتُوبٌ عَلىٰ جِباهِهِمْ بِالنُّورِ : (هٰؤُلاءِ الْمُؤْمِنُونَ ، هٰؤُلاءِ مُحِبُّو عَلِيِّ بْنِ أبي طالِبٍ عليه السلام) »[1].

---

۱ : البرهان: ۴، ۲۲۰، ح ۱۰ – غاية المرام: ۵۸۶، ح ۷۸.

فضیلت بیست و نهم

جابربن عبدالله انصاری نقل می‌کند: نزد رسول خدا ﷺ نشسته بودم که علیّ بن ابی‌طالب ﷺ وارد شدند و پیامبر ﷺ ایشان را نزدیک خود نشاندند و با جامه‌ی خود به صورت آن حضرت کشیدند و فرمودند:

ای اباالحسن! خواهی که بشارت دهم شما را به آنچه جبرئیل ﷺ به من بشارت داده؟

ایشان عرض کردند: آری، ای رسول خدا!

پیامبر ﷺ فرمودند: همانا در بهشت چشمه‌ای است به نام تسنیم و از آن دو نهر خارج می‌شود؛ به قدری آن چشمه وسیع است که اگر تمام کشتی‌های دنیا در آن قرار گیرند، می‌توانند حرکت کنند.

بر ساحل تسنیم درختانی است که شاخه‌های آن از مروارید و مرجان تازه می‌باشد و علف‌های آن از زعفران است و اطراف آن (نهر) تخت هایی از نور است که مردمانی بر آن نشسته‌اند و بر پیشانی آنها با نور نوشته شده: اینان مؤمنان هستند، اینان محبّین علیّ بن ابی طالب ﷺ می‌باشند.

اَلْمَنْقَبَةُ الثَّلاثُونَ

حدثني أحمد بن محمد بن عبدالله بن عيّاش الحافظ، قال: حدثني القاضي عبدالباقي بن قانع، قال: حدثني الحسين بن محمد، قال: حدثني سليمان بن قرم، قال: حدثني محمد بن شيبة، قال: حدثني داود بن علي، عن أبيه، عن جدّه عبدالله بن العباس، قال:

قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ:

« يا عَلِيُّ ! إنَّ جَبْرَئِيلَ ﷺ أخْبَرَنِي فيكَ بِأمْرٍ قَرَّتْ بِهِ عَيْنِي، وَ فَرِحَ لَهُ قَلْبِي، قالَ لي: يا مُحَمَّدُ ! إنَّ اللهَ تَعالىٰ قالَ لي: اِقْرَأْ مُحَمَّداً مِنِّي السَّلامَ وَ أعْلِمْهُ أنَّ عَلِيّاً ﷺ إمامُ الهُدىٰ وَ مِصْباحُ الدُّجىٰ، وَ الحُجَّةُ عَلىٰ أهْلِ الدُّنْيا، وَ أنَّهُ الصِّدِّيقُ الأكْبَرُ وَ الْفارُوقُ الأعْظَمُ، وَ أنِّي آلَيْتُ بِعِزَّتِي وَ بِجَلالي أنْ لا أُدْخِلَ النّارَ أحَداً تَوَلّاهُ وَ سَلَّمَ لَهُ وَ لِلْأوْصِياءِ مِنْ بَعْدِهِ، وَ أنْ لا أُدْخِلَ الْجَنَّةَ مَنْ تَرَكَ وِلايَتَهُ وَ التَّسْليمَ لَهُ وَ لِلْأوْصِياءِ مِنْ بَعْدِهِ.

وَ لٰكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأمْلَأنَّ جَهَنَّمَ وَ أطْباقَها مِنَ الْجِنَّةِ وَ النّاسِ أجْمَعِينَ مَنْ يَكُونُ مِنْ أعْدائِهِ، وَ لَأمْلَأنَّ الْجَنَّةَ مِنْ خَلائِقِي مَنْ يَكُونُ مِنْ أوْلِيائِهِ وَ شيعَتِهِ »[1].

۱: بحارالأنوار: ۳۷، ۱۱۳، ح ۸۸ - غاية المرام: ۴۵، ح ۵۲.

فضیلت سی‌ام

عبدالله بن عبّاس می‌گوید: رسول خدا ﷺ به علیّ بن ابی طالب علیه السلام فرمودند:

ای علی! جبرئیل علیه السلام در مورد شما مطلبی به من گفت که چشمم به آن روشن و قلبم شاد شد.

جبرئیل علیه السلام عرض کرد: ای محمّد! همانا خداوند متعال به من فرمود: سلام مرا به محمّد ﷺ برسان و او را آگاه کن که علی علیه السلام پیشوای هدایت، چراغ فروزان و حجّت الهی است بر اهل دنیا؛ همانا او راستگوی برتر و بزرگترین جداکننده‌ی حق از باطل است.

من به عزّت و جلالم قسم یاد کرده ام، احدی از دوستان او و کسانی که تسلیم او و امامان پس از او هستند را داخل آتش جهنّم نکنم، و هر کس ولایت او را رها کند و در مقابل دستورات او و امامان پس از او تسلیم نباشد، را وارد بهشت نسازم.

این قول حتمی و ثابت من است که جهنّم و طبقات آن را از دشمنان جنّ و انس او پُر می‌کنم و بهشت را از بندگانم که دوستان و شیعیان او باشند، پُر می‌کنم.




اَلْمَنْقَبَةُ الْحادِيَةُ وَ الثَّلاثُونَ

حدثنا محمد بن حماد بن بشير، قال: حدثني محمد بن الحسن بن عبدالكريم، قال: حدثني إبراهيم بن ميمون و عثمان بن سعيد، قالا: حدثنا عبدالكريم بن يعقوب عن ضياء الجعفي عن أبي‌الطفيل، عن أنس بن مالك، قال:

كُنْتُ خادِماً لِرَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله، فَبَيْنَا أَنَا أُوَضِّيهِ، إِذْ قالَ: «يَدْخُلُ داخِلٌ هُوَ أَميرُالْمُؤْمِنينَ وَ سَيِّدُ الْمُسْلِمينَ وَ خَيْرُ الْوَصِيِّينَ وَ أَوْلَى النّاسِ بِالْمُؤْمِنينَ وَ قائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ».

فَقُلْتُ: اَللّهُمَّ اجْعَلْهُ رَجُلاً مِنَ الْأَنْصارِ، حَتّى قَرَعَ قارِعُ الْبابَ، فَإِذا أَنَا بِعَلِيِّ بْنِ أَبي‌طالِبٍ علیه السلام.

فَلَمّا دَخَلَ عَرِقَ وَجْهُ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله عَرَقاً شَديداً، فَمَسَحَ الْعَرَقَ مِنْ وَجْهِهِ بِوَجْهِ عَلِيٍّ علیه السلام، فَقالَ عَلِيٌّ علیه السلام:

يا رَسُولَ اللهِ! أَنَزَلَ فِيَّ شَيْءٌ؟

فَقالَ صلى الله عليه وآله: «أَنْتَ مِنّي، تُؤَدّي عَنّي دَيْني، وَ تُبْرِئُ ذِمَّتي، وَ تُبَلِّغُ رِسالَتي».

فَقالَ عَلِيٌّ: يا رَسُولَ اللهِ أَوَ لَمْ تُبَلِّغِ الرِّسالَةَ؟

قالَ: «بَلى، وَ لكِنْ تُعَلِّمُ النّاسَ مِنْ بَعْدي مِنْ تَأْويلِ الْقُرْآنِ ما لَمْ يَعْلَمُوا، وَ تُخْبِرُهُمْ بِما لَمْ يَفْهَمُوا»[1].

۱: اليقين: ۵۹ - غاية المرام: ۱۸، ح ۳ - بحارالأنوار به نقل از اليقين: ۳۷، ۲۹۶، ح ۱۳ المستدرک: ۳، ۱۹۲، ح ۳۲.

فضیلت سی و یکم

انس بن مالک می‌گوید: من خادم رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم، روزی در حال نظافت بودم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

هر کس اکنون داخل شود، امیرمؤمنان و آقای مسلمین و بهترین وصیّ پیامبران است؛ او بر مؤمنین اولویّت دارد و پیشوای پیشانی سفیدان (در روز قیامت) است.

من گفتم: خداوندا! او را مردی از انصار قرار بده.

لحظاتی بعد، در به صدا درآمد، به پشت در رفتم که ناگاه دیدم علیّ ابن ابی‌طالب علیه السلام است.

هنگامی که علی علیه السلام وارد شد، عرق شدیدی بر صورت رسول خدا صلی الله علیه و آله نقش بست و در همین حال آن حضرت صورت (به عرق آغشته‌ی خود را) به صورت علی علیه السلام مالیدند.

علی علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا! آیا در مورد من چیزی نازل شده؟

آن حضرت فرمودند: شما از من می‌باشی، شمایی که دین مرا ادا می‌کنی و برطرف کننده‌ی ذمّه‌ی من و ابلاغ کننده‌ی رسالت من هستی.

علی علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا! مگر شما رسالت را ابلاغ نکرده‌اید؟

فرمودند: آری، لکن شما مردم را پس از من به تأویل قرآن آگاه می‌کنی، آنچه نمی‌دانند و آنها را به آنچه نفهمیده‌اند آگاه می‌کنی.

اَلْمَنْقَبَةُ الثّانِيَةُ وَالثَّلاثُونَ

حدّثني أبوعبدالله محمد بن علي بن زنجويه رحمه الله قال: حدّثنا محمد بن جعفر، قال: حدّثني جعفر بن سلمة، قال: حدّثني إبراهيم بن محمد، قال: أخبرنا أبوغسّان، قال: حدّثني يحيى بن سلمة، عن أبيه، عن أبي إدريس، عن المسيّب:

عَنْ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ عليه السلام قالَ :

« وَ اللهِ لَقَدْ خَلَّفَني رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله في أُمَّتِهِ ، فَأَنَا حُجَّةُ اللهِ عَلَيْهِمْ بَعْدَ نَبِيِّهِ وَ إِنَّ وِلايَتي لَتَلْزَمُ أَهْلَ السَّماءِ كَما تَلْزَمُ أَهْلَ الْأَرْضِ ، وَ إِنَّ الْمَلائِكَةَ لَتَتَذاكَرُ فَضْلي وَ ذٰلِكَ تَسْبيحُها عِنْدَ اللهِ .

أَيُّهَا النّاسُ ! اتَّبِعُوني أَهْدِكُمْ سَبيلَ الرَّشادِ لا تَأْخُذُوا يَميناً وَ شِمالاً فَتَضِلّوا ، أَنَا وَصِيُّ نَبِيِّكُمْ وَ خَليفَتُهُ وَ إِمامُ الْمُتَّقينَ وَ الْمُؤْمِنينَ وَ أَميرُهُمْ وَ مَوْلاهُمْ وَ أَنَا قائِدُ شيعَتي إِلَى الْجَنَّةِ وَ سائِقُ أَعْدائي إِلَى النّارِ .

أَنَا سَيْفُ اللهِ عَلىٰ أَعْدائِهِ وَ رَحْمَتُهُ عَلىٰ أَوْلِيائِهِ .

أَنَا صاحِبُ حَوْضِ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وآله وَ لِوائِهِ ، وَ صاحِبُ مَقامِهِ وَ شَفاعَتِهِ .

أَنَا وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عليهم السلام خُلَفاءُ اللهِ في أَرْضِهِ وَ أُمَناؤُهُ عَلىٰ وَحْيِهِ وَ أَئِمَّةُ الْمُسْلِمينَ بَعْدَ نَبِيِّهِ وَ حُجَجُ اللهِ عَلىٰ بَرِيَّتِهِ »[1].

۱: غاية المرام: ۱۸، ح ۱۴.

فضیلت سی و دوّم

مسیّب می‌گوید: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

به خدا قسم، رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا در میان امّتش خلیفه و جانشین خود قرار داد؛ منم حجّت خدا بر این امّت بعد از پیامبرشان و همانا قبول ولایت من بر اهل آسمان‌ها واجب و لازم است، همان‌گونه که بر اهل زمین واجب و لازم است.

همانا ملائکه فضائل مرا برای یکدیگر نقل می‌کنند و این عمل، نزد خداوند تسبیح ملائکه است.

ای مردم! از من پیروی کنید تا شما را به راهی هدایت کنم که در آن رشد و کمال شماست، به راست و چپ نروید که گمراه می‌شوید؛

منم وصیّ پیامبر شما و جانشین او و پیشوای پارسایان و مؤمنان.

منم امیر و مولای آنها، من جلودار شیعیانم به سوی بهشت می‌باشم و دشمنانم را به سوی آتش جهنّم روانه می‌کنم.

منم شمشیر خدا بر دشمنانش و رحمت خدا بر دوستانش.

منم صاحب حوض رسول خدا صلی الله علیه و آله، پرچم او و صاحب مقام و شفاعت او.

من و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و نه نفر از فرزندان حسین علیهم السلام جانشینان خدائیم در زمین و امین وحی او و پیشوایان مسلمانانیم بعد از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و حجّت‌های خداییم بر بندگانش.

اَلْمَنْقَبَةُ الثّالِثَةُ وَ الثَّلاثُونَ

حدّثني محمد بن سعيد الدهقان رحمه الله، قال: حدّثني محمد بن مسعود، قال: حدّثني أحمد بن عيسى العلوي، قال: حدّثني الحسين، عن أبي خالد و عن زيد بن علي، عن أبيه، عن جدّه الحسين بن علي عليهما السلام

عَنْ أَميرِالْمُؤْمِنينَ عليه السلام قالَ : « أَتَيْتُ النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله وَ هُوَ في بَعْضِ حُجُراتِهِ ، فَاسْتَأْذَنْتُ عَلَيْهِ فَأَذِنَ لي .

فَلَمّا دَخَلْتُ قالَ : يا عَلِيُّ ! أَما عَلِمْتَ أَنَّ بَيْتي بَيْتُكَ ، فَما لَكَ تَسْتَأْذِنُ عَلَيَّ ؟

قالَ : فَقُلْتُ : يا رَسُولَ اللهِ أَحْبَبْتُ أَنْ أَفْعَلَ ذٰلِكَ .

قالَ : يا عَلِيُّ ! أَحْبَبْتَ ما أَحَبَّ اللهُ وَ أَخَذْتَ بِآدابِ اللهِ .

يا عَلِيُّ ! أَما عَلِمْتَ أَنَّكَ أَخي ، وَ أَنَّ خالِقي وَ رَزّاقي أَبىٰ أَنْ يَكُونَ لي أَخٌ دُونَكَ .

يا عَلِيُّ ! أَنْتَ وَصِيّي مِنْ بَعْدي ، وَ أَنْتَ الْمَظْلُومُ الْمُضْطَهَدُ بَعْدي .

يا عَلِيُّ ! اَلثّابِتُ عَلَيْكَ كَالْمُقيمِ مَعي ، وَ مُفارِقُكَ مُفارِقي .

يا عَلِيُّ ! كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّني وَ يُبْغِضُكَ ، لأَنَّ اللهَ تَعالىٰ خَلَقَني وَ إِيّاكَ مِنْ نُورٍ واحِدٍ »[1].

---

۱ : غاية المرام: ۷، ح ۱۲ – المستدرک: ۲، ۷۱، ح ۱ – كنزالفوائد: ۲۰۸ – بحارالأنوار: ۲۷، ۲۳۰، ح ۳۸ – روضات الجنات: ۶، ۱۸۴.

فضیلت سی و سوّم

زید بن علی، از پدر بزرگوارش حضرت امام سجّاد علیه السلام از حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام نقل می‌کنند که حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمودند:

نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله در یکی از اطاق‌های (همسرانشان) آمدم و برای ورود اجازه خواستم، آن حضرت اجازه دادند و فرمودند: ای علی! آیا نمی‌دانی خانه‌ی من خانه‌ی شماست؟ چرا برای داخل شدن اجازه می‌گیرید؟

عرض کردم: ای رسول خدا! دوست داشتم این‌گونه عمل کنم، (بدون اجازه داخل نشوم).

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی! شما آنچه را خدا دوست دارد دوست می‌داری و به آداب الهی عمل می‌کنی.

ای علی! آیا می‌دانی شما برادر من هستی و همانا خالق و رازق من نمی‌خواهد من برادری غیر از شما داشته باشم؟

ای علی! شما بعد از من وصیّ من هستی و پس از من مظلوم واقع می‌شوی و حقّت پایمال می‌گردد.

ای علی! هر کس در کنار شما ثابت قدم بماند، مانند آن است که در کنار من باقی مانده و هر کس از شما جدا شود، از من جدا شده.

ای علی! دروغ می‌گوید کسی که گمان می‌کند مرا دوست دارد، در حالی که با شما دشمنی می‌کند، زیرا خداوند تعالی من و شما را از یک نور خلق نموده.

اَلْمَنْقَبَةُ الرّابِعَةُ وَ الثَّلاثُونَ

حدثني أحمد بن محمد رضی الله عنه قال: حدثني محمد بن جعفر، قال: حدثني محمد بن الحسين، عن محمد بن سنان، قال: حدثني زياد بن منذر، قال: حدثني سعيد بن جبير عن ابن عباس، قال:

قالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله: «ما أَظَلَّتِ الْخَضْراءُ وَ لا أَقَلَّتِ الْغَبْراءُ بَعْدي عَلىٰ أَحَدٍ أَفْضَلَ مِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ علیه السلام، وَ إِنَّهُ إِمامُ أُمَّتي وَ أَميرُها، وَ هُوَ وَصِيّي وَ خَليفَتي عَلَيْها، مَنِ اقْتَدىٰ بِهِ بَعْدي فَقَدِ اهْتَدىٰ، وَ مَنِ اقْتَدىٰ بِغَيْرِهِ ضَلَّ وَ غَوىٰ.

وَ إِنّي أَنَا النَّبِيُّ الْمُصْطَفىٰ، ما أَنْطِقُ بِفَضْلِ عَلِيٍّ عَنِ الْهَوىٰ، إِنْ هُوَ إِلّا وَحْيٌ يُوحىٰ إِلَيَّ، نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْمُجْتَبىٰ عَنِ الَّذي لَهُ ما فِي السَّماواتِ وَ ما فِي الْأَرْضِ وَ ما بَيْنَهُما وَ ما تَحْتَ الثَّرىٰ»[1].

۱: غاية المرام: ۴۵، ح ۵۴ - كنز الفوائد «كراجكى»: ۲۰۸ - بحار الأنوار: ۲۵، ۳۶۱، ح ۳۱
اثبات الهداة: ۳، ۶۳۳، ح ۸۶۴ - روضات الجنات: ۶، ۱۸۵.

فضیلت سی و چهارم

سعید بن جبیر از ابن عبّاس نقل می‌کند: رسول خداصلی الله علیه و آله فرمودند:

آسمان بر کسی سایه نیفکند و روی زمین کسی بعد از من نیامده، که از علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام برتر باشد.

همانا او امام و امیر امّت من است، اوست وصیّ و جانشین من بر امّتم، هر کس پس از من به او اقتدا کند هر آینه هدایت شود، و هر کس به غیر او اقتدا کند گمراه شود و زیان بیند.

به راستی که منم پیامبر برگزیده و سخنی در برتری علی علیه السلام از روی هویٰ و هوس نمی‌گویم، بلکه هرچه می‌گویم وحی الهی است که آن را روح الامین علیه السلام از طرف مالک آسمان‌ها و زمین و آنچه در آن‌ها و ما بین آنها و زیر زمین است، بر من نازل کرده.

اَلْمَنْقَبَةُ الْخامِسَةُ وَ الثَّلاثُونَ

حدثنا أبوالطيب محمد بن الحسين التيملي رحمه الله، قال: حدثني مطير بن محمد بن عبدالله، قال: حدثني يحيى الجمال، قال: حدثني هشام، قال: حدثني أبوهارون العبدي، عن أبي‌سعيد الخدري، قال:

قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: «ما مَرَرْتُ في لَيْلَةِ أُسْرِيَ بي بِشَيْءٍ مِنْ مَلَكُوتِ السَّماواتِ وَ لا عَلىٰ شَيْءٍ مِنَ الْحُجُبِ مِنْ فَوْقِها إلّا وَجَدْتُها كُلَّها مَشْحُونَةً بِكِرامِ مَلائِكَةِ اللهِ تَعالىٰ، يُنادُونَ: هَنيئاً لَكَ يا مُحَمَّدُ! فَقَدْ أُعْطيتَ ما لَمْ يُعْطَ أحَدٌ قَبْلَكَ وَ لا يُعْطاهُ أحَدٌ بَعْدَكَ، أُعطيتَ عَلِيَّ بْنَ أَبي‌طالِبٍ علیه السلام أخاً، وَ فاطِمَةَ علیها السلام زَوْجَتَهُ بِنْتاً، وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ علیهما السلام أوْلاداً، وَ مُحِبّيهِمْ شيعَةً.

يا مُحَمَّدُ! إنَّكَ أفْضَلُ النَّبِيّينَ، وَ عَلِيٌّ علیه السلام أفْضَلُ الْوَصِيّينَ، وَ فاطِمَةُ علیها السلام سَيِّدَةُ نِساءِ الْعالَمينَ، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ علیهما السلام أكْرَمُ مَنْ دَخَلَ الْجِنانَ مِنْ أوْلادِ الْمُرْسَلينَ، وَ شيعَتُهُمْ أفْضَلُ مَنْ تَضَمَّنَتْهُ عَرَصاتُ الْقِيامَةِ، يَشْتَمِلُونَ عَلىٰ غُرَفِ الْجِنانِ وَ قُصُورِها وَ مُتَنَزَّهِها، فَلَمْ يَزالُوا يَقُولُونَ ذٰلِكَ في مَصْدَري وَ مَرْجَعي، فَلَوْلا أنَّ اللهَ تَعالىٰ حَجَبَ عَنْها آذانَ الثَّقَلَيْنِ لَما بَقِيَ أحَدٌ إلّا سَمِعَها»[1].

۱: غاية المرام: ۱۶۶، ح ۵۶ و ص ۵۸۶، ح ۸۰.

فضیلت سی و پنجم

ابوسعید خدری می‌گوید: پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

در شب معراج عبور نکردم بر چیزی از ملکوت آسمان‌ها و حجاب‌های نور و بالاتر از آن، مگر آنکه گرامی‌ترین ملائکه‌ی پروردگار متعال اطراف مرا می‌گرفتند و ندا می‌دادند:

گوارا باد بر تو ای محمّد! (زیرا) خداوند به شما چیزی عطا فرموده که آن را به احدی قبل و بعد شما عطا نفرموده است!

خداوند به شما برادری همچون علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام و دختری چون فاطمه علیها السلام، همسر علی علیه السلام و فرزندانی مانند حسن و حسین علیهما السلام؛ و دوستان آنها را شیعیان شما قرار داده است.

ای محمّد! به راستی که شما بهترین پیامبران می‌باشی و علی علیه السلام برترین اوصیا و فاطمه علیها السلام سرور زنان دو جهان و حسن و حسین علیهما السلام گرامی‌ترین فرزندانِ فرستادگان الهی هستند که داخل بهشت می‌شوند؛ و شیعیان آنها برترین کسانی هستند که در عرصه قیامت حاضر می‌شوند، و غرفه‌ها و قصرها و بهترین مکان‌های بهشت از آنان است.

ملائکه بی وقفه این سخنان را در موقع بالا رفتن و برگشتن من از معراج، تکرار می‌کردند.

اگر نبود اینکه خداوند پوشیده داشته است از آن مطالب، گوش ثقلین (جنّ و انس) را، باقی نمی‌ماند احدی مگر اینکه این سخنان ملائکه را می‌شنید.

اَلْمَنْقَبَةُ السّادِسَةُ وَ الثَّلاثُونَ

حدثنا محمد بن محمد بن مرة رحمه الله قال: حدثني الحسن بن علي العاصمي، قال: حدثني محمد بن عبدالملك بن أبي الشوارب، قال: حدثني جعفر بن سليمان الضبعي، قال: حدثنا سعد بن ظريف، عن الأصبغ، قال:

سُئِلَ سَلْمانُ الْفارْسي رحمة الله عليه ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ وَ فاطِمَةَ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِما ، فَقالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله يَقُولُ :

« عَلَيْكُمْ بِعَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ ، فَإِنَّهُ مَوْلاكُمْ فَأَحِبُّوهُ ، وَ كَبيرُكُمْ فَاتَّبِعُوهُ ، وَ عالِمُكُمْ فَأَكْرِمُوهُ ، وَ قائِدُكُمْ إِلىٰ الْجَنَّةِ فَعَزِّرُوهُ ، وَ إِذا دَعاكُمْ فَأَجيبُوهُ ، وَ إِذا أَمَرَكُمْ فَأَطيعُوهُ ، وَ أَحِبُّوهُ بِحُبّي ، وَ أَكْرِمُوهُ بِكَرامَتي ، ما قُلْتُ لَكُمْ في عَلِيٍّ إِلّا ما أَمَرَني بِهِ رَبّي جَلَّتْ عَظَمَتُهُ »[۱].

---

۱ : غاية المرام: ۵۸۶، ح ۸۱ - كنز الفوائد«كراجكى»: ۲۰۸ - بحارالأنوار به نقل از كنز: ۲۷، ۱۱۲، ح ۸۶ - روضات الجنات: ۶، ۱۸۵ - المناقب«خوارزمى»: ۲۲۶ و مقتل: ۱، ۴۱ - فرائد السمطين: ۱، ۷۸، ح ۴۵.

فضیلت سی و ششم

سعد بن ظریف از اصبغ نقل می‌کند که او گفت: از سلمان فارسی در مورد علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام و فاطمه علیها السلام سؤال شد و او در جواب گفت:

شنیدم پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمود: شما را به علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام سفارش می‌کنم، همانا او مولای شماست، پس او را دوست بدارید و بزرگ شماست، پس از او تبعیّت کنید و عالم شماست، پس او را گرامی بدارید، و پیشوای شماست به سوی بهشت، پس به او احترام کنید و زمانی که شما را خواند، اجابتش کنید و زمانی که امرتان کرد، از او اطاعت کنید؛ او را دوست بدارید، به دوستی من و او را گرامی دارید، همچنان که مرا گرامی می‌دارید.

من در مورد علی علیه السلام چیزی نمی‌گویم مگر اینکه پروردگارم جلّت عظمته امر نموده باشد.

اَلْمَنْقَبَةُ السّابِعَةُ وَ الثَّلاثُونَ

حدثنا أبوبكر محمد بن أحمد بن النطريف الجرجاني، قال: حدثني أبوخليفة الفضل بن صال الجحي، قال: حدثني علي بن عبدالله بن جعفر، قال: حدثني محمد ابن عبيد، قال: حدثني عبدالله، عن نافع، عن عبدالله بن عمر، عن عمر بن الخطاب، قال:

سَأَلْنا رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ عليه السلام فَغَضِبَ وَ قالَ: «ما بالُ أَقْوامٍ يَذْكُرُونَ مَنْ لَهُ مَنْزِلَةٌ عِنْدَ اللهِ كَمَنْزِلَتي وَ مَقامٌ كَمَقامي إلّا النُّبُوَّةَ؟!

أَلا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيّاً عليه السلام فَقَدْ أَحَبَّني وَ مَنْ أَحَبَّني رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، وَ مَنْ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ كافأَهُ بِالْجَنَّةِ.

أَلا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيّاً عليه السلام إسْتَغْفَرَتْ لَهُ الْمَلائِكَةُ، وَ فُتِحَتْ لَهُ أَبْوابُ الْجَنَّةِ؛ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّ بابٍ شاءَ بِغَيْرِ حِسابٍ.

أَلا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيّاً عليه السلام أَعْطاهُ اللهُ كِتابَهُ بِيَمينِهِ، وَ حاسَبَهُ حِساباً يَسيراً؛ حِسابَ الْأَنْبِياءِ.

أَلا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيّاً عليه السلام لا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيا حَتّى يَشْرَبَ مِنْ حَوْضِ الْكَوْثَرِ، وَ يَأْكُلَ مِنْ شَجَرَةِ طُوبىٰ، وَ يَرىٰ مَكانَهُ مِنَ الْجَنَّةِ.

أَلا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيّاً عليه السلام هَوَّنَ اللهُ عَلَيْهِ سَكَراتِ الْمَوْتِ، وَ جَعَلَ قَبْرَهُ رَوْضَةً مِنْ رِياضِ الْجَنَّةِ.

أَلا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيّاً عليه السلام أَعْطاهُ اللهُ فِي الْجَنَّةِ بِكُلِّ عِرْقٍ فِي بَدَنِهِ حَوْراءَ، وَ شَفَّعَهُ فِي ثَمانِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ عَلىٰ بَدَنِهِ مَدِينَةٌ فِي الْجَنَّةِ.

أَلا وَ مَنْ عَرَفَ عَلِيّاً عليه السلام وَ أَحَبَّهُ بَعَثَ اللهُ إِلَيْهِ مَلَكَ الْمَوْتِ كَما يَبْعَثُ إِلىٰ الْأَنْبِياءِ، وَ رَفَعَ عَنْهُ أَهْوالَ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ، وَ نَوَّرَ قَبْرَهُ، وَ فَسَّحَهُ مَسِيرَةَ سَبْعِينَ عاماً، وَ بَيَّضَ وَجْهَهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ.

أَلا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيّاً عليه السلام أَظَلَّهُ اللهُ فِي ظِلِّ عَرْشِهِ مَعَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَداءَ وَ الصّالِحِينَ، وَ آمَنَهُ مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ وَ أَهْوالَ يَوْمَ الصّاخَّةِ.

أَلا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيّاً عليه السلام تَقَبَّلَ اللهُ مِنْهُ حَسَناتِهِ، وَ تَجاوَزَ عَنْ سَيِّئاتِهِ، وَ كانَ فِي الْجَنَّةِ رَفِيقَ حَمْزَةَ سَيِّدِ الشُّهَداءِ.

أَلا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيّاً عليه السلام أَثْبَتَ اللهُ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ، وَ أَجْرىٰ عَلىٰ لِسانِهِ الصَّوابَ، وَ فَتَحَ اللهُ لَهُ أَبْوابَ الرَّحْمَةِ.

أَلا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيّاً عليه السلام سُمِّيَ أَسِيرَ اللهِ فِي الْأَرْضِ، وَ باهىٰ اللهُ بِهِ مَلائِكَتَهُ وَ حَمَلَةَ عَرْشِهِ.

أَلا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيّاً عليه السلام ناداهُ مَلَكٌ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ: يا عَبْدَاللهِ اِسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ فَقَدْ غَفَرَ اللهُ لَكَ الذُّنُوبَ كُلَّها.

أَلا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيّاً عليه السلام جاءَ يَوْمَ الْقِيامَةِ وَجْهُهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةِ الْبَدْرِ.

أَلٰا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيّاً عليه السلام وَضَعَ اللهُ عَلىٰ رَأْسِهِ تٰاجَ الْكَرامَةِ ، وَ أَلْبَسَهُ حُلَّةَ الْعِزِّ .

أَلٰا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيّاً عليه السلام مَرَّ عَلَى الصِّراطِ كَالْبَرْقِ الْخاطِفِ ، وَ لَمْ يَرَ صُعُوبَةَ الْمُرُورِ .

أَلٰا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيّاً عليه السلام كَتَبَ اللهُ لَهُ بَراءَةً مِنَ النّارِ ، وَ بَراءَةً مِنَ النِّفٰاقِ ، وَ جَوازاً عَلَى الصِّراطِ ، وَ أَماناً مِنَ الْعَذٰابِ .

أَلٰا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيّاً عليه السلام لٰا يُنْشَرُ لَهُ ديوانٌ ، وَ لٰا يُنْصَبُ لَهُ ميزانٌ ، وَ قيلَ لَهُ : أُدْخُلِ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسابٍ .

أَلٰا وَ مَنْ أَحَبَّ آلَ مُحَمَّدٍ عليهم السلام أَمِنَ مِنَ الْحِسابِ وَ الْميزانِ وَ الصِّراطِ .

أَلٰا وَ مَنْ ماتَ عَلىٰ حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام صافَحَتْهُ الْمَلٰائِكَةُ ، وَ زارَتْهُ أَرْواحُ الْأَنْبِياءِ ، وَ قَضَى اللهُ لَهُ كُلَّ حاجَةٍ كانَتْ لَهُ عِنْدَ اللهِ تَعالىٰ .

أَلٰا وَ مَنْ ماتَ عَلىٰ بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام ماتَ كافِراً .

أَلٰا وَ مَنْ ماتَ عَلىٰ حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام ماتَ عَلَى الْإيمانِ ، وَ كُنْتُ أَنَا كَفيلَهُ بِالْجَنَّةِ .

أَلٰا وَ مَنْ ماتَ عَلىٰ بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام جاءَ يَوْمَ الْقِيامَةِ مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ : (هٰذا آيِسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللهِ) .

أَلٰا وَ مَنْ ماتَ عَلىٰ بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام لَمْ يَشُمَّ رائِحَةَ الْجَنَّةِ .

أَلا وَ مَنْ ماتَ عَلىٰ بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله يَخْرُجُ مِنْ قَبْرِهِ أَسْوَدَ الْوَجْهِ »[1].

۱: بحارالأنوار: ۲۷، ۱۱۴، ح ۸۶ - غاية المرام: ۲۰۷، ح ۱۰ - فضائل الشيعة«صدوق»: ۲، ح ۱ تأويل الآيات: ۸۶۳ ح ۱ - بشارة المصطفى«طبرى»: ۳۶ - الخزاعى در الأربعين: ح ۱ ثعلبى در تفسيرش «الكشف و البيان» ذيل آيه: «لا أسألكم عليه من أجر إلّا المودّة في القربى» الشورى: ۲۳.

الطرائف به نقل از ثعلبى: ۲۹ - ارجح المطالب«الامرتسرى»: ۳۲۰ - الحوادث الجامعة«ابن الفوطى»: ۱۵۳ - ينابيع المودة: ۲۷ و ص ۲۶۳ و ص ۳۶۹ - مرآة المؤمنين«ولى الله اللكهنوى»: ۵ - فرائد السمطين: ۲، ۲۵۵، ح ۵۲۴ به اسناد ثعلبى - تفسير الكشاف: ۴، ۱۷۳ - سعد السعود: ۱۴۱ و فضائل الخمسة: ۲، ۷۸ - الكاف الشاف«ابن حجر»: ۱۴۵ - الشرف المؤبد«نبهانى»: ۷۴ - رشفة الصادى«حضرمى»: ۴۵ - تفسير قرطبى: ۱۶، ۲۳ به نقل از ثعلبى و زمخشرى.

ضوء الشمس«سيد محمد ابوالهدى الرفاعى»: ۱۰۰ - نزهة المجالس«الصفورى»: ۲، ۲۲۲ به نقل از قرطبى - تجهيز الجيش«دهلوى»: ۱۳ به نقل از زمخشرى و رازى.

نورالأبصار«شبلنجى»: ۱۰۴ و الصواعق«ابن حجر»: ۲۳۰ - الفصول المهمة«مالكى»: ۱۱۰ رفع اللبس و الشبهات«علامه احمد سودة الادريسى»: ۵۳ - مودة القربى«سيدعلى همدانى»: ۱۱۷ لسان الميزان«عسقلانى»: ۴، ۴۵۰ و وسيلة المآل«حضرمى»: ۱۹۹ - احقاق الحق: ۹، ۴۸۶.

فضیلت سی و هفتم

عبدالله بن عمر از پدرش نقل می‌کند:

روزی از رسول خداﷺ در مورد علیّ بن ابی‌طالبﷺ سؤال نمودیم، آن حضرت خشمگین شده، فرمودند:

چه می‌شود گروهی را، یاد می‌کنند از شخصیّتی که منزلت او نزد خداوند مانند منزلت من و مقام او مانند مقام من است، به جز نبوّت.

آگاه باشید! هر کس علیﷺ را دوست بدارد مرا دوست داشته، و هر کس مرا دوست بدارد، خداوند از او راضی است، و هر کس خدا از او راضی شود، بهشت را پاداش او قرار می‌دهد.

آگاه باشید! هر کس علیﷺ را دوست بدارد، فرشتگان برای او استغفار کنند، و درهای بهشت برای او باز شود و بدون حساب، از هر دری که بخواهد وارد شود.

آگاه باشید! هر کس علیﷺ را دوست بدارد، خداوند نامه‌ی عملش را به دست راست او عطا فرماید، و حساب رسی برایش آسان شود، مانند حساب رسی پیامبران.

آگاه باشید! هر کس علیﷺ را دوست بدارد، از دنیا خارج نمی‌شود تا از آب کوثر بیاشامد و از (میوه های) درخت طوبی بخورد، و (قبل از مرگ) مکان خویش را در بهشت ببیند.

آگاه باشید! هر کس علیﷺ را دوست بدارد، خداوند جان دادن را بر او آسان گرداند و قبر او را باغی از باغهای بهشت قرار می‌دهد.

آگاه باشید! هر کس علی علیه السلام را دوست بدارد، خداوند به تعداد رگهای بدنش حوریه‌ای در بهشت به او عطا فرماید، و شفاعت او را در مورد هشتاد نفر از بستگانش بپذیرد، و به تعداد هر مویی که در بدن او باشد، شهری در بهشت به او عنایت فرماید.

آگاه باشید! هر کس علی علیه السلام را بشناسد و او را دوست بدارد، خداوند عزرائیل علیه السلام را آن‌گونه که به سوی پیامبران علیهم السلام می‌فرستد، به سوی او می‌فرستد (قبض روح او آسان می شود) و برطرف می‌کند از او اضطراب و هول از نکیر و منکر را، و نورانی می‌کند قبر او را، و قبر او به اندازه‌ی راه هفتاد ساله وسعت پیدا می‌کند و صورت او در قیامت سفید و نورانی می‌شود.

آگاه باشید! هر کس علی علیه السلام را دوست بدارد، خداونداو را (در قیامت) در سایه‌ی عرش خود، همراه با صدّیقین و شهدا و صالحین قرار دهد، واو را از هول و وحشت بزرگی که در قیامت، بندگان با آن مواجه می‌شوند، ایمن می‌دارد.

آگاه باشید! هر کس علی علیه السلام را دوست بدارد، خداوند کارهای نیک او را قبول و از گناهانش صرف نظر می‌فرماید، و در بهشت، رفیق (همنشین) حمزه‌ی سیّدالشهدا علیه السلام، خواهد بود.

آگاه باشید! هر کس علی علیه السلام را دوست بدارد، خداوند حکمت را در قلب او استوار، و بر زبان او صواب (گفتار نیک) جاری سازد، و درهای رحمت را به روی او باز می‌کند.

آگاه باشید! هر کس علی علیه السلام را دوست بدارد، در زمین، اسیر خدا خوانده می‌شود (تمام امور او تحت اختیار و اراده ی الهی قرار می گیرد) و خداوند به وجود او بر فرشتگان و حاملین عرش فخر و مباهات می‌کند.

آگاه باشید! هر کس علی علیه السلام را دوست بدارد، ملکی از زیر عرش به او ندا دهد: ای بنده‌ی خدا! اعمالت را از سر بگیر، زیرا خداوند همه‌ی گناهانت را بخشید.

آگاه باشید! هر کس علی علیه السلام را دوست بدارد، روز قیامت در حالی وارد محشر می‌شود که صورتش مانند ماه تمام می‌درخشد.

آگاه باشید! هر کس علی علیه السلام را دوست بدارد، خداوند بر سر او تاجی از کرامت می‌گذارد و لباس عزّت بر او بپوشاند.

آگاه باشید! هر کس علی علیه السلام را دوست بدارد، مانند برق جهنده از روی پل صراط عبور کند و مشکلات عبور از صراط را لمس نمی‌کند.

آگاه باشید! هر کس علی علیه السلام را دوست بدارد، خداوند دوری از آتش جهنّم و رهایی از نفاق برای او بنویسد و جوازی برای عبور از پل صراط و امانی از عذاب الهی به دست او داده شود.

آگاه باشید! هر کس علی علیه السلام را دوست بدارد، پرونده‌ای (در قیامت) برای او باز نمی‌شود و او را برای حساب رسی نزد میزان اعمال نمی‌برند، و به او گفته می‌شود: بی حساب وارد بهشت شو.

آگاه باشید! هر کس آل محمّد صلی الله علیه و آله را دوست داشته باشد، از حساب و میزان و پل صراط، ایمن می‌شود.

آگاه باشید! هر کس با محبّت آل محمّد بمیرد، فرشتگان با او مصافحه کنند و ارواح انبیای الهی به زیارت او بیایند و خداوند تعالی همه‌ی حوائج او را برآورده می‌کند.

آگاه باشید! هر کس با دشمنی آل محمّد بمیرد، کافر از دنیا رفته است.

آگاه باشید! هر کس با محبّت آل محمّد بمیرد، با ایمان از دنیا رفته، و من بهشت را برای او ضمانت می‌کنم.

آگاه باشید! هر کس با دشمنی آل محمّد بمیرد، در حالی وارد محشر می‌شود که بین دو چشم او (روی پیشانی) نوشته شده: این شخص نا امید از رحمت خداست.

آگاه باشید! هر کس با دشمنی آل محمّد بمیرد، بوی بهشت را استشمام نمی‌کند.

آگاه باشید! هر کس با دشمنی آل محمّد بمیرد، (در قیامت) در حالی که صورتش سیاه است، از قبرش خارج می‌شود.

اَلْمَنقَبَةُ الثّامِنَةُ وَالثَّلاثُونَ

حدثنا أحمد بن الحسن بن محمد النيشابوري من كتابه، قال: حدثني محمد بن الحسين الآجري، قال: حدثني جعفر بن محمد بن المزي، قال حدثني قتيبة بن سعيد، قال: حدثني جرير عن مغيرة، قال: حدثني محمد بن عمرو بن أبي سلمة، عن ابن عباس، قال:

قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: « عَلِيٌّ عليه السلام مِنّي بِمَنْزِلَةِ دَمي مِنْ بَدَني ، مَنْ تَوَلّاهُ رَشَدَ ، وَ مَنْ أحَبَّهُ نَهَجَ ، وَ مَنْ تَبِعَهُ نَجا .

ألا وَ إنَّ عَلِيّاً رابِعُ الْأَرْبَعَةِ فِي الْفِرْدَوْسِ : أنَا وَ هُوَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ »[1].

فضیلت سی و هشتم

ابن عبّاس می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند:

علی علیه السلام نسبت به من، به منزله‌ی خون من در بدنم است؛ هر کس ولایت او را داشته باشد، رشد می‌کند (به کمال می رسد) و هر کس او را دوست داشته باشد، راهش روشن است (در صراط مستقیم است) و هر کس از او تبعیّت کند نجات یابد.

آگاه باشید! علی علیه السلام چهارمین نفر از چهار نفر (ممتاز) اهل بهشت می‌باشد، (آن چهار نفر عبارتند از:) من و علی علیه السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام.

۱: غاية المرام: ۲۰۷، ح ۱۱.

اَلْمَنْقَبَةُ التّاسِعَةُ وَ الثَّلاثُونَ

حدثني الشريف الحسن بن حمزة العلويّ، قال: حدثني عبيدالله بن موسى، عن الزهري عن عروة عن ابن عباس، قال:

قالَ رَسُولُ اللهِ صلّی الله علیه و آله: «مَنْ صافَحَ عَلِيّاً علیه السلام فَكَأَنَّما صافَحَني، وَ مَنْ صافَحَني فَكَأَنَّما صافَحَ أَرْكانَ الْعَرْشِ، وَ مَنْ عانَقَهُ فَكَأَنَّما عانَقَني، وَ مَنْ عانَقَني فَكَأَنَّما عانَقَ الأَنْبِياءَ كُلَّهُمْ، وَ مَنْ صافَحَ مُحِبّاً لِعَلِيٍّ غَفَرَ اللهُ لَهُ الذُّنُوبَ وَ أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسابٍ».[1]

فضیلت سی و نهم

ابن عبّاس می‌گوید: رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرمودند:

هر کس با علی علیه السلام مصافحه کند، مانند آن است که با من مصافحه نموده، و هر کس با من مصافحه نماید، مانند آن است که با ارکان عرش مصافحه کرده، و هر کس با علی علیه السلام معانقه کند، مانند آن است که با من معانقه کرده و هر کس با من معانقه کند، مانند آن است که با همه‌ی انبیا علیهم السلام، معانقه کرده باشد، و هر کس با محبّ علی علیه السلام مصافحه نماید، خداوند گناهان او را ببخشد و او را بدون حساب، داخل بهشت کند.

۱: بحارالأنوار: ۲۷، ۱۱۵، ح ۹۰ - المناقب «خوارزمی»: ۲۲۶ - مصباح الأنوار: ۱۲۲ و غاية المرام: ۵۸۳، ح ۴۷.

اَلْمَنْقَبَةُ الْأَرْبَعُونَ

حدثني الشيخ الصالح أبوعبدالله الحسين بن عبدالله القطيعي رحمه الله، قال: حدثني أبوالحسن محمد بن أحمد المالكي المنصوري، قال: حدثني أبوموسى عيسى بن أحمد، قال: حدثني علي بن محمد، عن أبيه عن علي بن موسى الرضا، عن أبيه، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن علي بن الحسين، عن أبيه عليهم السلام، قال:

حَدَّثَني قَنْبَرٌ مَوْلىٰ عَلِيِّ بْنِ أَبي‌طالِبٍ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِ ، قالَ : كُنْتُ مَعَ أَميرِالْمُؤْمِنينَ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِ عَلىٰ شاطِئِ الْفُراتِ ، فَنَزَعَ قَميصَهُ وَ دَخَلَ الْماءَ ، فَجاءَتْ مَوْجَةٌ فَأَخَذَتِ الْقَميصَ ، فَخَرَجَ أَميرُالْمُؤْمِنينَ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِ فَلَمْ يَجِدِ الْقَميصَ ، فَاغْتَمَّ لِذٰلِكَ غَمّاً شَديداً ، فَإِذا بِهاتِفٍ يَهْتِفُ :

« يا أَبَاالْحَسَنِ ! أُنْظُرْ عَنْ يَمينِكَ وَ خُذْ ما تَرىٰ » فَإِذا إِزارٌ عَنْ يَمينِهِ وَ فيهِ قَميصٌ مَطْوِيٌّ ، فَأَخَذَهُ لِيَلْبِسَهُ ، فَسَقَطَتْ مِنْ جَيْبِهِ رُقْعَةٌ فيها مَكْتُوبٌ :

« بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ هَدِيَّةٌ مِنَ اللهِ الْعَزيزِ الْحَكيمِ إِلىٰ عَلِيِّ ابْنِ أَبي‌طالِبٍ ، هٰذا قَميصُ هارُونَ بْنِ عِمْرانَ عليه السلام : ﴿ كَذٰلِكَ وَ أَوْرَثْناها قَوماً آخَرينَ ﴾[1] »[2].

---

۱ : سوره دخان: آیه ۲۸.

۲ : غاية المرام: ۶۶۰، ح ۱۱۹ - الخرائج و الجرائح: ۲۸۸، ح ۶۰ - بحارالأنوار: ۳۹/ ۱۲۶، ح ۱۳ - اثبات الهداة: ۴/ ۵۵۱، ح ۲۰۱ - ابن شهرآشوب: ۲/ ۶۹ - مدينة المعاجز: ۱۶، ح ۱۴.

فضیلت چهلم

حضرت امام هادی علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیهم السلام، از حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام و ایشان از قنبر، خادم مولا علی علیه السلام نقل می‌فرمایند که قنبر گفت: من با امیرالمؤمنین علیه السلام بر ساحل فرات بودم، آن حضرت پیراهن خود را درآورده و داخل آب شدند، ناگهان موجی آمد و پیراهن را برد، امیرالمؤمنین علیه السلام از آب خارج شدند و پیراهن را نیافتند، غم و اندوه شدیدی به آن حضرت دست داد، ناگهان هاتفی ندا داد:

ای اباالحسن! به طرف راست نگاه کنید و آنچه می‌بینید، بگیرید.

آن حضرت نظر کردند و ازاری در سمت راست خود دیدند که در آن پیراهنی پیچیده شده بود، امیرالمؤمنین علیه السلام پیراهن را برداشتند که بپوشند، ناگهان از جیب آن، ورقه‌ای بر زمین افتاد که بر آن نوشته شده بود:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، هدیه‌ای از خداوند عزیز و حکیم به علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام؛ این پیراهن هارون بن عمران است، ﴿ما آن را از قوم گذشته، به قوم دیگر ارث داده ایم﴾.

اَلْمَنْقَبَةُ الْحادِيَةُ وَ الْأَرْبَعُونَ

حدثنا محمد بن الحسن بن أحمد رحمه الله قال: حدثني محمد بن الحسين، قال: حدثني إبراهيم بن هاشم، قال: حدثني محمد بن سنان، قال: حدثني زياد بن منذر، قال: حدثني سعيد بن طريف عن الأصبغ بن نباتة، عن ابن عباس، قال:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ:

« مَعاشِرَ النّاسِ! اِعْلَمُوا أنَّ اللهَ تَعالىٰ جَعَلَ لَكُمْ باباً، مَنْ دَخَلَهُ أمِنَ مِنَ النّارِ وَ مِنَ الْفَزَعِ الْأكْبَرِ».

فَقامَ إلَيْهِ أبُوسَعِيدِ الْخُدْري، فَقالَ: يا رَسُولَ اللهِ، اِهْدِنا إلىٰ هذَا الْبابِ حَتّىٰ نَعْرِفَهُ.

قالَ صلى الله عليه وآله: « هُوَ عَلِيُّ بْنُ أبي طالِبٍ، سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ، وَ أميرُ الْمُؤْمِنِينَ، وَ أخُو رَسُولِ رَبِّ الْعالَمِينَ، وَ خَليفَةُ اللهِ عَلىَ النّاسِ أجْمَعِينَ.

مَعاشِرَ النّاسِ! مَنْ أحَبَّ أنْ يَتَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقىَ الَّتي لا انْفِصامَ لَها فَلْيَتَمَسَّكْ بِوِلايَةِ عَلِيِّ بْنِ أبي طالِبٍ عليه السلام فَإنَّ وِلايَتَهُ وِلايَتي وَ طاعَتَهُ طاعَتي.

مَعاشِرَ النّاسِ! مَنْ أحَبَّ أنْ يَعْرِفَ الْحُجَّةَ بَعْدي فَلْيَعْرِفْ عَلِيَّ ابْنَ أبي طالِبٍ عليه السلام.

مَعاشِرَ النّاسِ! مَنْ أرادَ أنْ يَتَوَلَّ اللهَ وَ رَسُولَهُ، فَلْيَقْتَدِ بِعَلِيِّ بْنِ

أَبِي طَالِبٍ بَعْدِي وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِي ، فَإِنَّهُمْ خُزَّانُ عِلْمِي » .

فَقَامَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللهِ الْأَنْصَارِي، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ وَ مَا عِدَّةُ الْأَئِمَّةِ؟

فَقَالَ : « يَا جَابِرُ ! سَأَلْتَنِي رَحِمَكَ اللهُ عَنِ الْإِسْلَامِ بِأَجْمَعِهِ ، عِدَّتُهُمْ عِدَّةُ الشُّهُورِ ، وَ هِيَ عِنْدَ اللهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْراً فِي كِتَابِ اللهِ يَوْمَ خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ .

وَ عِدَّتُهُمْ عِدَّةُ الْعُيُونِ الَّتِي انْفَجَرَتْ لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عليه السلام حِينَ ضَرَبَ بِعَصَاهُ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْناً .

وَ عِدَّتُهُمْ عِدَّةُ نُقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ ، قَالَ اللهُ تَعَالَىٰ : ﴿ وَ بَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيباً ﴾[1].

فَالْأَئِمَّةُ يَا جَابِرُ ! اِثْنَا عَشَرَ إِمَاماً ، أَوَّلُهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَ آخِرُهُمُ الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ »[2].

۱: سوره مائده: آيه ۱۲.

۲: اليقين : ۶۰ - غاية‌المرام: ۱۸، ح ۱۵ - الاستنصار «كراجكى»: ۲۰ و ۲۱ - بحارالأنوار: ۳۶ ،۲۶۳، ح ۸۴.

فضیلت چهل و یکم

ابن عبّاس می‌گوید: از رسول خداﷺ شنیدم که فرمود:

ای مردم! آگاه باشید که خداوند تعالی برای شما خانه‌ای قرار داده که هر کس داخل آن شد از آتش و هول و وحشت قیامت در امان است.

ابوسعید خدری از جای برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! هدایت کن ما را به این خانه تا آن را بشناسیم.

فرمود: او علیّ بن ابی‌طالبؑ سرور اوصیا و امیرمؤمنان، و برادر فرستاده‌ی پروردگار عالمیان، و خلیفه‌ی خداوند بر تمامی مردم است.

ای مردم! هر کس دوست دارد چنگ بزند به ریسمان الهی که هرگز گسسته نمی‌شود، پس چنگ بزند به ولایت علیّ بن ابی‌طالبؑ، به راستی که ولایت او ولایت من، و طاعت او طاعت من است.

ای مردم! هر کس دوست دارد حجّت پس از مرا بشناسد، پس بشناسد علیّ بن ابی‌طالب را.

ای مردم! هر کس می‌خواهد ولایت خدا و رسولش را بپذیرد، بعد از من به علیّ بن ابی‌طالبؑ و امامانی که از ذریّه‌ی او می‌باشند اقتدا کند، همانا که آنان گنجینه داران علم من می‌باشند.

جابر بن عبدالله انصاری از جای برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! تعداد امامانی که فرمودید، چند نفر می‌باشند؟

پیامبرﷺ فرمودند: ای جابر! خداوند تو را رحمت کند، از من

در مورد همه‌ی اسلام (اصل اسلام) سؤال کردی، تعداد آنها به تعداد ماههای سال می‌باشد، که نزد خداوند دوازده ماه است، و این مطلبی است که خداوند در کتاب شریفش از آن یادکرده، و از آغاز خلقت آسمان‌ها و زمین، تعداد ماهها همین بوده است.

و همچنین تعداد آنها به تعداد چشمه هایی است که برای موسی بن عمران عليه السلام از زمین جوشید، آنگاه که با عصای خود به سنگی زد، پس دوازده چشمه از آن جوشید.

و همچنین تعداد آنها به تعداد نقبای بنی‌اسرائیل می‌باشد، چنانچه خداوند تعالی در قرآن می‌فرماید: ﴿و برانگیختم میان آنها (بنی اسرائیل) دوازده نقیب (بزرگ) را﴾.

پس ای جابر! امامان (بعد از من نیز) دوازده امام می‌باشند، که اوّلین آنها علیّ بن ابی‌طالب، و آخرین آنها قائم مهدی «که درود خداوند بر جمیع آنان باد» است.

اَلْمَنْقَبَةُ الثّانِيَةُ وَ الْأَرْبَعُونَ

حدثني محمد بن علي بن الحسين بن موسى رضي الله عنه قال: حدثني الحسن بن محمد بن سعيد، قال: حدثني فرات بن إبراهيم، قال: حدثني أحمد بن موسى، قال: حدثني أبوحامد أحمد بن داود، قال: حدثنا علي بن يحيى، قال: حدثني سويد، قال: حدثني يزيد بن ربيع، عن عمرو بن دينار، عن طاووس، عن ابن عباس، قال:

صَلّىٰ بِنا رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله صَلاةَ الْعَصْرِ ، ثُمَّ قامَ عَلىٰ قَدَمَيْهِ ، فَقالَ : « مَنْ يُحِبُّني وَ يُحِبُّ أَهْلَ بَيْتي فَلْيَتَّبِعْني » .

فَاتَّبَعْناهُ بِأَجْمَعِنا حَتّىٰ أَتىٰ مَنْزِلَ فاطِمَةَ عليها السلام فَقَرَعَ الْبابَ قَرْعاً خَفيفاً .

فَخَرَجَ إِلَيْهِ عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِبٍ عليه السلام وَ عَلَيْهِ شَمْلَةٌ ، وَ يَدُهُ مُلَطَّخَةٌ بِالطّينِ ، فَقالَ لَهُ : « يا أَبَاالْحَسَنِ ! حَدِّثِ النّاسَ بِما رَأَيْتَ أَمْسِ » .

فَقالَ عَلِيٌّ عليه السلام : « نَعَمْ فِداكَ أَبي وَ أُمّي يا رَسُولَ اللهِ ! بَيْنَما أَنَا في وَقْتِ صَلاةِ الظُّهْرِ أَرَدْتُ الطُّهُورَ ، فَلَمْ يَكُنْ عِنْدي الْماءُ ، فَوَجَّهْتُ وَلَدَيَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ في طَلَبِ الْماءِ ، فَأَبْطَيا عَلَيَّ ، فَإِذا أَنَا بِهاتِفٍ يَهْتِفُ : يا أَبَاالْحَسَنِ ! أَقْبِلْ عَلىٰ يَمينِكَ ، فَالْتَفَتُّ ، فَإِذا أَنَا بِقَدَسٍ مِنْ ذَهَبٍ مُعَلَّقٍ ، فيهِ ماءٌ أَشَدُّ بَياضاً مِنَ الثَّلْجِ وَ أَحْلىٰ مِنَ الْعَسَلِ ، فَوَجَدْتُ فيهِ رائِحَةَ الْوَرْدِ ، فَتَوَضَّأْتُ مِنْهُ ، وَ شَرِبْتُ جُرُعاتٍ ، ثُمَّ قَطَرَتْ عَلىٰ رَأْسي قَطْرَةٌ وَجَدْتُ بَرْدَها عَلىٰ فُؤادي » .

فَقٰالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ : « هَلْ تَدْري مِنْ أَيْنَ ذٰلِكَ الْقَدَسَ ؟ »

قٰالَ : « اللهُ تَعٰالىٰ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ » .

قٰالَ : « اَلْقَدَسُ مِنْ أَقْدٰاسِ الْجَنَّةِ ، وَ الْمٰاءُ مِنْ تَحْتِ شَجَرَةِ طُوبىٰ - أَوْ قٰالَ : مِنْ نَهرِ الْكَوْثَرِ - وَ أَمّٰا الْقَطْرَةُ فَمِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ » .

ثُمَّ ضَمَّهُ رَسُولُ اللهِ ﷺ إِلىٰ صَدْرِهِ وَ قَبَّلَ مٰا بَيْنَ عَيْنَيْهِ ، ثُمَّ قٰالَ : « حَبيبي مَنْ كٰانَ خٰادِمُهُ بِالْأَمْسِ جَبْرَئيلُ عليه السلام فَمَحَلُّهُ وَ قَدْرُهُ عِنْدَ اللهِ عَظيمٌ » [1].

فضیلت چهل و دوّم

ابن عبّاس می‌گوید : نماز عصر را پشت سر رسول خدا ﷺ خواندیم ، آنگاه پس از نماز ، روی پای مبارک ایستادند و فرمودند :

هر کس من و اهل بیت مرا دوست می‌دارد ، با من بیاید .

ما همگی پشت سر رسول خدا ﷺ به راه افتادیم تا به منزل فاطمه علیها السلام رسیدیم ، آنگاه پیامبر ﷺ آهسته در زدند ، پس علیّ بن ابی طالب علیه السلام آمدند ، در حالی که عبایی به دور خود پیچیده و دست ایشان گل آلود بود ، پیامبر خدا ﷺ فرمودند : ای اباالحسن ! آنچه را روز گذشته دیده‌ای برای مردم تعریف کن .

---

۱ : غاية المرام : ۶۳۸، ح ۴ - مدينة المعاجز: ۹۶، ح ۲۴۵.

علی عليه السلام عرض کرد: آری، پدر و مادرم فدای شما باد ای رسول خدا! دیروز هنگام نماز ظهر، خواستم وضو بگیرم، امّا آب در خانه نبود، پس فرزندانم حسن و حسین عليهما السلام را به دنبال آب فرستادم، امّا آنها دست خالی بازگشتند.

ناگهان هاتفی ندا داد: ای ابالحسن! به طرف راست برو! پس به سمت راست نگاه کردم، سطل آبی میان زمین و آسمان معلّق بود، در آن آبی‌ازبرف سفیدتر واز عسل شیرین‌تر بود که بویی‌همچون عطر گل داشت. با آن آب وضو ساختم و چند جرعه نیز از آن آب آشامیدم، پس قطره آبی هم بر سرم ریختم، که خنکی آن را در قلبم احساس نمودم.

پس پیامبر صلى الله عليه وآله فرمودند: آیا می‌دانی این سطل آب از کجا آمده بود؟

علی عليه السلام عرض کرد: خدا و رسولش صلى الله عليه وآله داناتر است.

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: این سطل از سطل‌های بهشت و آب داخل آن از زیر درخت طوبی بود، (راوی گوید: یا فرمودند: آن آب از حوض کوثر بود) و امّا آن قطره (که بر سرت ریخته شد) از زیر عرش الهی بود.

پس رسول خدا او را در آغوش گرفتند و سینه‌ی خود را به سینه‌ی او چسبانیدند و بین دو چشم (پیشانی) او را بوسیدند و فرمودند:

حبیب من کسی است که جبرئیل امین عليه السلام دیروز خادمش بوده، پس قدر و منزلت او نزد خداوند بسیار عظیم است.

اَلْمَنْقَبَةُ الثّالِثَةُ وَالأَرْبَعُونَ

حدثني الشريف أبوجعفر محمد بن أحمد بن محمد بن عيسى العلوي رضي الله عنه قال: حدثني محمد بن أحمد الكاتب، قال: حدثني حماد بن مهران، قال: حدثني عبدالعظيم بن عبدالله الحسني، قال: حدثنا محمد بن علي، قال: حدثنا محمد بن كثير، قال: حدثني إسماعيل بن زياد البزاز، عن أبي إدريس، عن رافع مولى عائشة، قال:

كُنْتُ غُلاماً أَخْدِمُ عائِشَةَ ، فَكُنْتُ إذا كانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله عِنْدَها قَرِيباً أُعاطِيهِمْ . قالَ : فَبَيْنَما النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله عِنْدَها ذاتَ يَوْمٍ وَ إذا داقٌّ يَدُقُّ الْبابَ ، فَخَرَجْتُ إلَيْهِ ، فَإذا جارِيَةٌ مَعَها طَبَقٌ مُغَطّىٰ ، قالَ : فَرَجَعْتُ إلىٰ عائِشَةَ فَأَخْبَرْتُها ، فَقالَتْ : أَدْخِلْها ، فَدَخَلَتْ ، فَوَضَعَتْهُ بَيْنَ يَدَيْ عائِشَةَ ، فَوَضَعَتْهُ عائِشَةُ بَيْنَ يَدَي النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله ، فَجَعَلَ يَتَناوَلُ مِنْهُ وَ يَأْكُلُ ، وَ خَرَجَتِ الْجارِيَةُ ، فَقالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله : « لَيْتَ أَميرَالْمُؤْمِنينَ وَ سَيِّدَالْمُسْلِمينَ وَ إمامَ الْمُتَّقينَ ، يَأْكُلُ مَعي » .

فَقالَتْ عائِشَةُ : وَ مَنْ هُوَ يا رَسُولَ اللهِ ، الْمُجْتَمَعُ فيهِ هٰذَا الْخِصالُ ؟ فَسَكَتَ ، ثُمَّ أَعادَ الْكَلامَ مَرَّةً أُخْرىٰ ، فَقالَتْ عائِشَةُ مِثْلَ ذٰلِكَ ، فَسَكَتَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله فَجاءَ أَحَدٌ وَ دَقَّ عَلَيْنَا الْبابَ ، فَخَرَجْتُ إلَيْهِ ، فَإذا هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِبٍ عليه السلام .

قالَ : فَرَجَعْتُ وَ قُلْتُ لِلنَّبِيِّ صلى الله عليه وآله : عَلِيٌّ عليه السلام عَلَى الْبابِ .

فَقالَ صلی الله علیه و آله : أدخِلْهُ ؛ ثُمَّ قالَ : « يا أبَاالحَسَنِ ! مَرْحَباً وَ أَهْلاً بِكَ ، لَقَدْ تَمَنَّيْتُكَ مَرَّتَيْنِ حَتّىٰ لَمّا أَبْطَأْتَ عَلَيَّ ، سَأَلْتُ اللهَ عَزَّوَجَلَّ أنْ يَأْتِيَنِي بِكَ ، اِجْلِسْ وَ كُلْ » فَجَلَسَ علیه السلام وَ أَكَلَ مَعَهُ صلی الله علیه و آله .

ثُمَّ قالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله : « يا عَلِيُّ ! قاتَلَ اللهُ مَنْ قاتَلَكَ ، وَ عادىٰ مَنْ عاداكَ » .

فَقالَتْ عائِشَةُ : وَ مَنْ يُقاتِلُهُ وَ مَنْ يُعادِيهِ ؟

قالَ : « أَنْتِ وَ مَنْ مَعَكِ - مَرَّتَيْنِ - أَيْدِيهِمْ أَيْدِيهِمْ مَعَكِ - مَرَّتَيْنِ - تَرْضِينَ بِذٰلِكَ وَ لا تُنْكِرِينَهُ »[1].

۱: اليقين: ۶۱ - غاية المرام: ۱۸، ح ۱۶ - المناقب«ابن مردويه» به اسناد اسماعيل ابن زياد البزاز، كشف الغمة: ۳۴۳،۱ - غاية المرام: ۲۰، ح ۳۱ - بشارة المصطفى«طبرى»:۱۶۵ بحارالأنوار: ۳۸، ۳۵۱، ح ۳ - مصباح الأنوار: ۱۵۶ (خطى) به نقل از ابن ادريس، همچنين آورده: «أنت يا حميراء و من معك، حتى قالها ثلاثاً».

فضیلت چهل و سوّم

رافع می‌گوید: من غلام و خادم عایشه بودم، هرگاه پیامبر ﷺ نزد او می‌آمدند، برای خدمت حاضر بودم. یکی از روزهایی که پیامبر ﷺ نزد عایشه بودند، شخصی در زد، هنگامی که باز کردم، کنیزی بود با طبقی که روی آن پوشیده شده بود، نزد عایشه رفتم و خبرش دادم، گفت: او را داخل کن؛ هنگامی که کنیز آمد، طبق را مقابل عایشه قرار داد، او هم نزد پیامبر ﷺ برد، آن حضرت از غذایی که کنیز آورده بود میل می‌فرمودند و کنیز خارج شد.

رسول خدا ﷺ فرمودند: ای کاش امیرمؤمنان، و آقای مسلمانان، و پیشوای متّقین اینجا بود و با من تناول می‌نمود.

عایشه گفت: ای رسول خدا!، او کیست که تمام این صفت‌ها در او جمع است؟

رسول خدا ﷺ سکوت فرمودند، و برای مرتبه دوّم همان کلمات را تکرار فرمودند.

عایشه هم سؤالش را تکرار کرد ولی پیامبر خدا ﷺ باز هم سکوت فرمودند.

ناگهان صدای در خانه آمد، در را باز نمودم و دیدم علیّ بن ابی طالب ؑ است.

برگشتم و به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردم: علی علیه السلام پشت در است.

فرمودند: ایشان را داخل کن.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ای اباالحسن! خوش آمدی؛ خانه‌ی شماست، (من قبل از آمدن شما) دو مرتبه آمدن شما را آرزو نمودم و چون تأخیر نمودید، از خداوند عزّوجلّ درخواست کردم شما را به من برساند، بنشین و تناول فرما، پس علی علیه السلام نشستند و میل فرمودند.

سپس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای علی! خداوند بکُشد هر کس با شما بجنگد، و دشمن بدارد شما را.

عایشه گفت: چه کسی با او می‌جنگد؟ چه کسی با او دشمنی می‌کند؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: تو و همراهان تو؛ و این سخن را دو مرتبه تکرار فرمودند.

سپس فرمودند: ای عایشه! آنان دست در دست تو می‌گذارند (برای جنگیدن با علی علیه السلام) و تو به این عمل راضی می‌باشی و آن را انکار نمی‌کنی.

اَلْمَنْقَبَةُ الرّابِعَةُ وَالأَرْبَعُونَ

حدثنا الحسن بن حمزة، قال: حدثني علي بن محمد بن قتيبة، قال: حدثني الفضل بن شاذان، قال: حدثني محمد بن زياد، قال: حدثني جميل بن صالح عن جعفر بن محمد، قال: حدثني أبي، عن أبيه، عن الحسين بن علي، قال:

قَالَ رَسُولُ اللهِ: « فَاطِمَةُ مُهْجَةُ قَلْبِي ، وَ ابْنَاهَا ثَمَرَةُ فُؤَادِي ، وَ بَعْلُهَا نُورُ بَصَرِي ، وَ الْأَئِمَّةُ مِنْ وُلْدِهَا أُمَنَاءُ رَبِّي وَ حَبْلُهُ الْمَمْدُودُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ خَلْقِهِ ، مَنِ اعْتَصَمَ بِهِ نَجَا ، وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَوىٰ »[1].

فضیلت چهل و چهارم

حضرت امام صادق از اجداد بزرگوارشان، از حضرت امام زین العابدین نقل می‌کنند: پدرم حضرت حسین بن علی فرمودند:

پیامبر خدا می‌فرمایند: فاطمه (باعث) شادی دل من، و پسرانش (حسن و حسین) میوه‌ی قلب من، و شوهرش نور چشم من، و امامان از فرزندان او، امین‌های پروردگار من می‌باشند؛ آنها ریسمان (واسطه) بین خدا و خلق او هستند که هر کس به این ریسمان چنگ بزند، نجات یابد و هر کس از آن روی برگرداند، سقوط می‌کند.

۱: غایة المرام: ۴۶، ح ۵۷ - مقتل الحسین «خوارزمی»: ۱، ۵۹ - المناقب «زمخشری»: ۲۱۳ (خطی) - فرائد السمطین: ۲، ۶۶، ح ۳۹۰ به اسناد خوارزمی - ینابیع المودة: ۸۲. الطرائف: ۱۱۷، ح ۱۸۰ - الصراط المستقیم: ۲، ۴۲ - بحارالأنوار: ۲۳، ۱۰۰، ح ۱۶. الفضائل «شاذان بن جبرئیل»: ۱۴۶ - الروضة في الفضائل: ۱۴۴ به نقل از جابر بن عبدالله انصاری. درر بحر المناقب «ابن حسنویه»: ۱۰۶ (خطی) - الأربعین «محمد بن أبی الفوارس»: ۱۴ (خطی) احقاق الحق: ۱۳، ۷۹.

اَلْمَنْقَبَةُ الْخامِسَةُ وَ الْأَرْبَعُونَ

حدثنا أبوعبدالله محمد بن وهبان الشالي رحمه الله قال: حدثني أحمد بن أمان العامري، قال: حدثني عبدالله بن عبدالله بن عتبة بن عبدالله بن مسعود عن أبيه، عن جدّه عبدالله بن مسعود، قال:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله یَقُولُ: «إِنَّ لِلشَّمْسِ وَجْهَیْنِ: فَوَجْهٌ یُضیءُ لِأَهْلِ السَّماءِ وَ وَجْهٌ یُضیءُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ، وَ عَلَی الْوَجْهَیْنِ مِنْهُما کِتابَةٌ». ثُمَّ قالَ: «أَتَدْرُونَ ما تِلْکَ الْکِتابَةُ؟».

قُلْنا: اَللهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ.

فَقالَ: «اَلْکِتابَةُ الَّتي تَلي أَهْلَ السَّماءِ ﴿اللهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ﴾[1] وَ أَمَّا الْکِتابَةُ الَّتي تَلي أَهْلَ الْأَرْضَ: عَلِيٌّ علیه السلام نُورُ الْأَرَضینَ»[2].

فضیلت چهل و پنجم

عبدالله بن مسعود می‌گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند:

همانا خورشید دو چهره دارد، یک روی آن برای اهل آسمان نورافشانی می‌کند و روی دیگر برای اهل زمین؛ که بر هر دو روی آن نوشته‌ای وجود دارد. سپس فرمودند: آیا می‌دانید این نوشته چیست؟ عرض کردیم: خدا و رسول او صلی الله علیه و آله داناترند.

فرمودند: بر آن جهتی که برای اهل آسمان نور می‌دهد (این آیه) نوشته شده: خداوند نور آسمان‌ها و زمین است.

و بر جهت دیگر که برای اهل زمین نورافشانی می‌کند، نوشته شده: علی علیه السلام است نور زمین ها.

۱: سوره نور: آیه ۳۵.
۲: بحارالأنوار: ۲۷، ۹، ح ۲۱ - مدینة المعاجز: ۱۵۸، ح ۴۳۲.

اَلْمَنْقَبَةُ السّادِسَةُ وَ الْأَرْبَعُونَ

حدثنا أحمد بن محمد بن أيوب الحافظ رضي الله عنه قال: حدثني أحمد بن زياد، قال: حدثني علي بن إبراهيم، عن أبيه، قال: حدثني الريّان بن الصلت، قال: سمعت علي بن موسى الرضا عليه السلام يقول: «سمعت أبي موسى عليه السلام يقول: سمعت أبي جعفراً عليه السلام يقول: سمعت أبي محمداً عليه السلام يقول: سمعت أبي علياً عليه السلام يقول: سمعت أبي الحسين عليه السلام يقول: سمعت أبي علياً أمير المؤمنين عليه السلام يقول: سمعت رسول الله صلى الله عليه و آله يقول: سمعت جبرئيل عليه السلام يقول:

« سَمِعْتُ اللهَ جَلَّ جَلالُهُ يَقُولُ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طالِبٍ حُجَّتي عَلىٰ خَلْقي، وَ نُوري في بِلادي، وَ أَميني عَلىٰ عِلْمي، لا أُدْخِلُ النّارَ مَنْ عَرَفَهُ وَ إنْ عَصاني، وَ لا أُدْخِلُ الْجَنَّةَ مَنْ أَنْكَرَهُ وَ إنْ أَطاعَني »[1].

فضیلت چهل و ششم

اباصلت می‌گوید: حضرت امام رضا عليه السلام از پدران بزرگوارشان عليهم السلام نقل فرمودند که امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمودند:

از رسول خدا صلى الله عليه و آله شنیدم، می‌فرمودند: من از جبرئیل عليه السلام شنیدم که می‌گفت: من از خداوند جلّ جلاله شنیدم که فرمود:

علیّ بن ابی‌طالب عليه السلام حجّت من بر خلق من است، و نور من در سرزمین هاست و امین من بر علم و دانش من است. (محرم اسرار من است.)

هر کس او را شناخته باشد، داخل آتش جهنّم نمی‌کنم، حتّی اگر معصیت مرا کرده باشد، و داخل بهشت نمی‌کنم کسی که علی عليه السلام را انکار کرده باشد، حتّی اگر اطاعت مرا کرده باشد.

۱: بحارالأنوار: ۲۷، ۱۱۶، ح ۹۱ – غاية المرام: ۵۱۲، ح ۱۹.

اَلْمَنْقَبَةُ السّابِعَةُ وَ الْأَرْبَعُونَ

حدثنا أبو محمد إبراهيم بن محمد المذاري الخياطؒ قال: حدثني محمد بن جعفر قال: حدثني أيوب بن نوح، قال: حدثني ابن محبوب، قال: حدثني علي بن الريّان قال: حدثني ملاك بن عطيّة، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن علي بن الحسينؑ عن أبيهؑ، قال:

قالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ لِعَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍؑ: « يا أَبَا الْحَسَنَ! لَوْ وُضِعَ إيمانُ الْخَلائِقِ وَ أَعْمالُهُمْ في كَفَّةِ ميزانٍ، وَ وُضِعَ عَمَلُكَ لِيَوْمٍ واحِدٍ فِي الْكَفَّةِ الْأُخْرىٰ، لَرَجَحَ عَمَلُكَ لِيَوْمٍ واحِدٍ عَلىٰ جَميعِ ما عَمِلَ الْخَلائِقُ، وَ إِنَّ اللهَ باهىٰ بِكَ يَوْمَ أُحُدٍ مَلائِكَتَهُ الْمُقَرَّبينَ، وَ رَفَعَ الْحُجُبَ مِنَ السَّماواتِ السَّبْعِ، وَ أَشْرَقَتْ إِلَيْكَ الْجَنَّةَ وَ ما فيها، وَ ابْتَهَجَ بِفِعْلِكَ رَبُّ الْعالَمينَ، وَ إِنَّ اللهَ تَعالىٰ لَيُعَوِّضُكَ بِذٰلِكَ الْيَوْمِ ما يَغْبِطُكَ بِهِ كُلُّ نَبِيٍّ وَ رَسُولٍ وَ صِدّيقٍ وَ شَهيدٍ »[1].

۱: غاية المرام: ۵۰۸، ح ۸ - ينابيع المودة: ۶۴ و ۱۲۷.

فضیلت چهل و هفتم

حضرت امام صادق علیه‌السلام از پدران بزرگوارشان علیهم‌السلام، از حضرت سیّدالشّهدا علیه‌السلام نقل می‌فرمایند که: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به مولا علی علیه‌السلام فرمودند:

ای اباالحسن! اگر ایمان و اعمال همه‌ی بندگان در یک کفّه‌ی ترازو و فقط عمل یک روز شما در کفّه‌ی دیگر قرار گیرد، آن عمل یک روزه‌ی شما، بر تمامی اعمال (یک عمر) بندگان، برتری خواهد داشت.

همانا خداوند در روز جنگ اُحُد نزد ملائکه‌ی مقرّب خود به شما مباهات نمود، (در آن روز) خداوند حجاب‌ها را از آسمان‌های هفتگانه برداشت، و نور بهشت و آنچه در آن است را بر شما تابانید و پروردگار دو جهان، به عمل شما خشنود شد.

همانا خداوند متعال در عوض این روز (روز جنگ اُحُد) مقامی به شما عنایت فرموده که همه‌ی انبیا و رسولان و صدّیقین و شهدا به شما غبطه می‌خورند.

اَلْمَنْقَبَةُ الثّامِنَةُ وَ الْأَرْبَعُونَ

حدثني أحمد بن محمد بن سليمان رحمه الله قال: حدثني جعفر بن محمد، قال: حدثني يعقوب بن يزيد، قال: حدثني صفوان بن يحيى، قال: حدثني داود بن الحسين، قال: حدثني عمر بن أذينة، عن جعفر بن محمد عن أبيه، عن علي بن الحسين، عن أبيه عليهم السلام قال:

قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: «يا عَلِيُّ! مَثَلُكَ في أُمَّتي مَثَلُ الْمَسيحِ عيسَى بْنِ مَرْيَمَ اِفْتَرَقَ قَوْمُهُ ثَلاثَ فِرَقٍ: فِرْقَةٌ مُؤْمِنُونَ وَ هُمُ الْحَوارِيُّونَ، وَ فِرْقَةٌ عادُوهُ وَ هُمُ الْيَهُودُ، وَ فِرْقَةٌ غَلَوْا فيهِ فَخَرَجُوا عَنِ الْإيمانِ، وَ إنَّ أُمَّتي سَتَفْتَرِقُ فيكَ ثَلاثَ فِرَقٍ: فِرْقَةٌ شيعَتُكَ وَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ، وَ فِرْقَةٌ أعْداؤُكَ وَ هُمُ الشّاكُّونَ، وَ فِرْقَةٌ غُلاةٌ فيكَ فَهُمُ الْجاحِدُونَ.

وَ أَنْتَ يا عَلِيُّ! وَ شيعَتُكَ وَ مُحِبُّو شيعَتِكَ فِي الْجَنَّةِ، وَ أعْداؤُكَ وَ الْغُلاةُ في مَحَبَّتِكَ فِي النّارِ»[1].

۱: بحارالأنوار: ۲۵، ۲۶۴، ح ۴ - المناقب «خوارزمی»: ۲۲۶ - مصباح الأنوار: ۲۳ (خطی) ینابیع المودة: ۱۰۹.

فضیلت چهل و هشتم

حضرت امام صادق علیه‌السلام از پدران بزرگوارشان علیهم‌السلام نقل می‌فرمایند که:
رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند:

ای علی! مَثَل شما در بین امّت من مَثَل مسیح، عیسی بن مریم علیهماالسلام است، (زیرا) قوم او سه فرقه شدند: گروهی مؤمنین بودند که همان حواریّون هستند، و گروهی با مسیح دشمنی نمودند، که یهود می‌باشند، و گروهی در مورد ایشان غلوّ کردند که از اهل ایمان خارج شدند.

همانا امّت من نیز در مورد شما، سه فرقه می‌شوند: گروهی شیعه‌ی شما، که مؤمنین هستند، و گروهی شک کنندگان راجع به شما که دشمنان هستند، و گروهی اهل غلوّ، یعنی انکار کنندگان می‌باشند.

ای علی! شما و شیعیان و دوستان شیعیان شما در بهشت هستید و دشمن شما و غلوّ کنندگان در مورد شما، در آتش جهنّم می‌باشند.





اَلْمَنْقَبَةُ التّاسِعَةُ وَ الْأَرْبَعُونَ

حدثنا هارون بن موسى رضي الله عنه قال: حدثني جعفر بن علي الدقاق، قال: حدثني الحارث بن محمد، قال: حدثني سعيد بن كثير، قال: حدثني محمد بن الحسن المعروف بشلقان، من جعفر بن محمد، من أبيه عليهما السلام من جابر بن عبدالله الأنصاري، قال:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ: «أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مِنَ النَّبِيّينَ وَ الصِّدّيقِينَ، عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِب عليه السلام».

فَقامَ أَبُودُجانَةَ وَ قالَ: يا رَسُولَ اللهِ أَلَمْ تُخْبِرْنا عَنِ اللهِ تَعالىٰ أَنَّهُ أَخْبَرَكَ أَنَّ الْجَنَّةَ مُحَرَّمَةٌ عَلَى الْأَنْبِياءِ حَتّىٰ تَدْخُلَها أَنْتَ وَ عَلَى الْأُمَمِ، حَتّىٰ تَدْخُلَها أُمَّتُكَ؟

قالَ: «بَلىٰ، وَ لٰكِنْ أَما عَلِمْتَ أَنَّ حامِلَ لِواءِ الْقَوْمِ إِمامُهُمْ؟ وَ عَلِيٌّ حامِلُ لِواءِ الْحَمْدِ يَوْمَ الْقِيامَةِ بَيْنَ يَدَيَّ، وَ هُوَ صاحِبُ رايَتي، فَيَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَبْلي، فَإِنَّ الْعَلَمَ مَعَهُ وَ أَنا عَلىٰ أَثَرِهِ».

فَقامَ عَلِيٌّ عليه السلام وَ قَدْ أَشْرَقَ وَجْهُهُ سُرُوراً وَ هُوَ يَقُولُ: «اَلْحَمْدُ للهِ الَّذي شَرَّفَنا بِكَ يا رَسُولَ اللهِ»[1].

۱: المناقب «خوارزمی»: ۲۲۷ - المحتضر: ۹۷ - مصباح الأنوار: ۱۱۱ (خطی) - غاية المرام: ۶۷۹، ح ۹ - تفسیر فرات کوفی: ۱۷۵ به اسناد جابر - بحارالأنوار: ۷، ۲۰۹، ح ۱۰۰.
تفضيل الأئمة على الأنبياء «حسن بن سليمان» به نقل از کتاب القائم «فضل بن شاذان» بحارالأنوار: ۲۶، ۳۱۸، ح ۸۷ - الفضائل: ۱۲۳ و الروضة في الفضائل «شاذان بن جبرئيل»: ۳۱ (خطی) به نقل از فخرالدین طبری.

فضیلت چهل و نهم

حضرت امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارشان علیه السلام، از جابربن عبدالله انصاری نقل می‌فرمایند که:

شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: اوّلین کسی که از بین پیامبران و صدّیقین داخل بهشت می‌شود، علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام است.

در این هنگام ابودجانه برخواست و عرض کرد: ای رسول خدا! آیا شما (درگذشته) از قول خداوند متعال به ما خبر نداده بودید که: بهشت بر انبیا حرام است تا شما داخل شوی؟ و بر امّت‌های گذشته نیز حرام است تا امّت شما داخل شوند؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: آری، امّا آیا نمی‌دانی حامل پرچم هر قومی، پیشاپیش آن قوم حرکت می‌کند؟

و علی علیه السلام در روز قیامت حامل پرچم «حمد» می‌باشد که پیشاپیش من حرکت می‌کند و اوست صاحب پرچم من، پس او قبل از من وارد بهشت می‌شود در حالی که عَلَم با اوست و من به دنبال او می‌روم.

در این هنگام علی علیه السلام از جای برخاست و در حالی که صورت مبارکش از شادی برافروخته شده بود، عرض کرد: ای رسول خدا! خدا را حمد و سپاس می‌گویم که ما را به واسطه شما شرافت عنایت فرمود.

اَلْمَنْقَبَةُ الْخَمْسُونَ

حدثنا أبومحمد هارون بن موسى التلعكبري رحمه الله قال حدثنا عبدالعزيز بن عبدالله، قال: حدثني جعفر بن محمد، قال: حدثني عبدالكريم، قال: حدثني قماز العطار أبوقمر، قال: حدثني أحمد بن محمد بن الوليد، قال: حدثني ربيع بن الجراح، قال: حدثني الأعمش، عن أبي‌وائل، عن عبدالله بن مسعود، قال:

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله : « لَمّا خَلَقَ اللهُ آدَمَ وَ نَفَخَ فيهِ مِنْ رُوحِهِ ، عَطَسَ آدَمُ وَ قالَ : اَلْحَمْدُ للهِ .

فَأَوْحَى اللهُ تَعالىٰ إِلَيْهِ : حَمِدْتَني عَبْدي ، وَ عِزَّتي وَ جَلالي لَوْلا عَبْدانِ أُريدُ أَنْ أَخْلُقَهُما فِي دارِ الدُّنْيا ما خَلَقْتُكَ .

قالَ : إِلٰهي فَيَكُونانِ مِنّي ؟

قالَ : نَعَمْ ؛ يا آدَمَ اِرْفَعْ رَأْسَكَ وَ انْظُرْ ، فَرَفَعَ رَأْسَهُ ، فَإِذا مَكْتُوبٌ عَلَى الْعَرْشِ :

لا إِلٰهَ إِلّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ نَبِيُّ الرَّحْمَةِ وَ عَلِيٌّ مُقيمُ الْحُجَّةِ ، مَنْ عَرَفَ حَقَّ عَلِيٍّ عليه السلام زَكا وَ طَهُرَ ، وَ مَنْ أَنْكَرَ حَقَّهُ لُعِنَ وَ خابَ ، أَقْسَمْتُ بِعِزَّتي أَنْ أُدْخِلَ الْجَنَّةَ مَنْ أَطاعَهُ وَ إِنْ عَصاني ، وَ أُقْسِمُ بِعِزَّتي أَنْ أُدْخِلَ النّارَ مَنْ عَصاهُ وَ إِنْ أَطاعَني »[1].

---

۱ : المناقب«خوارزمی»: ۲۲۷ – غاية المرام: ۷، ح ۱۶ – ينابيع المودة: ۱۱ – مصباح الأنوار: ۹۴ (خطی) – بشارة المصطفی«طبری»: ۶۸ به اسناداعمش – بحارالأنوار: ۶۸، ۱۳۰، ح ۶۱ تأويل الآيات: ۴۷، ح ۲۲ به نقل از شيخ طوسی – الفضائل: ۱۵۲، ح ۷۹ و الروضة في الفضائل«شاذان بن جبرئيل»: ۱۲۸، ح ۱۴۵ – احقاق الحق: ۴، ۱۴۴ به نقل از الأربعين «حافظ بن أبي الفوارس»: ۲۷.

فضیلت پنجاهم

عبدالله بن مسعود می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

هنگامی که خداوند آدم علیه السلام را خلق کرد و از روح خود در او دمید، آدم علیه السلام عطسه کرد و گفت: «الحمد لله»، خداوند فرمود: ای بنده‌ی من! حمد مرا کردی؛ قسم به عزّت و جلالم که اگر نبودند آن دو نفر (که اراده نموده ام آنها را در دنیا خلق کنم) هرگز تو را خلق نمی‌کردم.

آدم علیه السلام عرض کرد: خداوندا! آنان از (صلب) من می‌باشند؟

حق تعالی فرمود: آری، ای آدم! سرت را بلند کن و ببین، پس چون آدم علیه السلام سرش را بلند کرد، دید بر عرش نوشته شده: لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، محمّد صلی الله علیه و آله رسول خدا، پیامبر رحمت است و علی علیه السلام اقامه کننده‌ی حجّت است، هر کس بشناسد حقّ علی علیه السلام را، پاکیزه و طاهر است و هر کس انکار کند حقّ او را، ملعون و زیان کار است.

به عزّتم قسم، هر کس از او اطاعت کند، داخل بهشت می‌کنم، اگرچه معصیت مرا نموده باشد، و قسم به عزّتم داخل آتش جهنّم می‌کنم هر کس که معصیت او را کرده باشد، اگرچه از من اطاعت کرده باشد.

اَلْمَنْقَبَةُ الْحادِيَةُ وَ الْخَمْسُونَ

حدثنا أبوعبدالله الحسين بن أحمد بن محمد بن الأحول بالمحدية، قال: حدثني الحسين بن جعفر، قال: حدثني محمد بن يعقوب، عن محمد بن عيسى، عن نصر بن حماد، عن شعبة بن الحجاج، قال: حدثني أيوب السختياني عن نافع عن ابن عمر، قال:

قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: «مَنْ أرادَ التَّوَكُّلَ عَلىَ اللهِ تَعالىٰ فَلْيُحِبَّ أَهْلَ بَيْتي، وَ مَنْ أرادَ أنْ يَنْجُوَ مِنَ النّارِ فَلْيُحِبَّ أَهْلَ بَيْتي، وَ مَنْ أرادَ الْحِكْمَةَ فَلْيُحِبَّ أَهْلَ بَيْتي، وَ مَنْ أرادَ أنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسابٍ فَلْيُحِبَّ أَهْلَ بَيْتي، فَوَ اللهِ ما أحَبَّهُمْ أحَدٌ إلّا رَبِحَ فِي الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ»[1].

فضیلت پنجاه و یکم

ابن عمر می‌گوید: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند:

هر کس می‌خواهد به خداوند تعالی توکّل کند، اهل بیت مرا دوست بدارد و هر کس می‌خواهد از آتش (جهنم) نجات یابد، اهل بیت مرا دوست بدارد. هر کس می‌خواهد حکمت به او عطا شود، اهل بیت مرا دوست بدارد. هر کس می‌خواهد بی‌حساب وارد بهشت شود، اهل بیت مرا دوست بدارد؛ به خدا قسم، کسی آنها را دوست نمی‌دارد مگر اینکه در دنیا و آخرت منفعت می‌برد.

۱: بحارالأنوار: ۲۷، ۱۱۶، ح ۹۲ - غاية المرام: ۵۸۶، ح ۸۳ - مقتل الحسين عليه السلام «خوارزمی»: ۱، ۵۹ به اسناد ابن شاذان - فرائد السمطين: ۲، ۲۹۴، ح ۵۵۱ - الاعتقاد «حافظ ابوبکر شیرازی»: ۲۹۶ - ینابیع المودة: ۲۶۳.

اَلْمَنْقَبَةُ الثّانِيَةُ وَالْخَمْسُونَ

حدثنا محمد بن عماد التستري، قال: حدثني محمد بن أحمد بن إدريس، قال: حدثني محمد بن عبدالله الإصفهاني، عن أبيه، حدثني هشيم عن يونس بن عبيد عن الحسن البصري، عن عبدالله، قال:

قالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله: « إذا كانَ يَوْمَ الْقِيامَةِ ، يَقْعُدُ عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِبٍ علیه السلام عَلَى الْفِرْدَوْسِ وَ هُوَ جَبَلٌ قَدْ عَلا عَلَى الْجَنَّةِ وَ فَوْقَهُ عَرْشُ رَبِّ الْعالَمِينَ وَ مِنْ سَفْحِهِ تَنْفَجِرُ أَنْهارُ الْجَنَّةِ وَ تَتَفَرَّقُ فِي الْجِنانِ ، وَ هُوَ جالِسٌ عَلى كُرْسِيٍّ مِنْ نُورٍ ، يَجْري بَيْنَ يَدَيْهِ نَهْرٌ مِنْ تَسْنيمٍ ، لا يَجُوزُ أَحَدٌ عَلَى الصِّراطِ إلّا وَ مَعَهُ بَراءَةٌ بِوِلايَتِهِ وَ وِلايَةِ أَهْلِ بَيْتِهِ ، وَ هُوَ مُشْرِفٌ عَلَى الْجَنَّةِ ، فَيُدْخِلُها مُحِبّيهِ ، وَ مُشْرِفٌ عَلَى النّارِ ، فَيُدْخِلُها مُبْغِضيهِ »[1].

۱: بحارالأنوار: ۲۷، ۱۱۶،ح ۹۳ - غاية المرام: ۲۰۷،ح ۱۲ - المناقب«خوارزمی»: ۳۱ المقتل: ۱، ۳۹ - كشف الغمة : ۱، ۱۰۳ - ارشاد القلوب: ۲۳۵ - ارجح المطالب «الامرتسری»: ۵۵۰ فرائدالسمطين: ۱، ۲۹۲،ح ۲۳۰ - المناقب المرتضوية«حنفی ترمذی»: ۱۰۵ - ينابيع المودة: ۸۶، و ص ۱۱۳ - مصباح الأنوار: ۶۰ - المناقب«ابن شهرآشوب»: ۲، ۷، بحارالأنوار: ۳۹، ۲۰۲.

فضیلت پنجاه و دوّم

عبد الله بن مسعود می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

هنگامی که روز قیامت شود، علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام بر روی فردوس می‌نشیند و فردوس کوهی بر بالای بهشت می‌باشد و بالای آن عرش پروردگار عالمیان است، از دامنه این کوه، نهرهای بهشت می‌جوشد و در سراسر بهشت تقسیم می‌شود و علی علیه السلام (بر روی این کوه) بر روی تختی از نور نشسته و در مقابل او نهری از چشمه‌ی تسنیم جاری است و احدی از پل صراط نمی‌گذرد مگر اینکه با او جوازی از ولایت علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام و اهل بیت او باشد.

او احاطه دارد بر بهشت پس دوستان خود را داخل بهشت می‌کند و بر جهنّم احاطه دارد و دشمنان خود را داخل آتش می‌کند.

اَلْمَنْقَبَةُ الثّالِثَةُ وَ الْخَمْسُونَ

حدثنا أبومحمد هارون بن موسى، قال: حدثنا محمد بن الحسين الخثعمي، قال: حدثنا عليّ بن كعب إملاء، قال: حدثني الحسين بن ثابت الجمال، عن أبيه عن الأعمش، قال: حدثني شقيق بن سلمة، قال: حدثني حذيفة بن اليمان، قال:

قامَ النَّبِيُّ صلّى الله عليه وآله وسلّم وَ قَبَّلَ ما بَيْنَ عَيْنَيْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طالِبٍ عليه السلام وَ قالَ: «يا أَبَاالْحَسَنَ! أَنْتَ عُضْوٌ مِنْ أَعْضائي، تَنْزِلُ حَيْثُ نَزَلْتُ، وَ إِنَّ لَكَ فِي الْجَنَّةِ دَرَجَةٌ وَ هِيَ دَرَجَةُ الْوَسيلَةِ، فَطُوبىٰ لَكَ وَ لِشيعَتِكَ مِنْ بَعْدِكَ»[1].

فضیلت پنجاه و سوّم

حذیفة بن یمان می‌گوید: روزی پیامبر خدا صلّی الله علیه وآله وسلّم ایستادند و میان دو چشم (پیشانی) علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام را بوسیدند و فرمودند:

ای اباالحسن! شما عضوی از اعضای (بدن) من می‌باشی، فرود می‌آیی (در بهشت)، آنجا که من فرود می‌آیم، و همانا برای شما در بهشت مقام و درجه‌ای است که به آن درجه، «وسیله» گویند، پس خوشا به حال شما و شیعیانت، پس از شما.

۱: غایة المرام: ۵۸۶، ح ۸۴.

اَلْمَنْقَبَةُ الرّابِعَةُ وَالْخَمْسُونَ

حدثنا سهل بن أحمد الديباجي رحمه الله، قال: حدثنا محمد بن محمد بن الأشعث بمصر، قال: حدثنا موسى بن إسماعيل، قال: حدثنا أبي إسماعيل بن موسى عن أبيه موسى بن جعفر، عن أبيه جعفر بن محمد، عن أبيه محمد بن علي، عن أبيه علي بن الحسين، عن أبيه الحسين بن علي عليهما السلام قال:

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: «دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَرَأَيْتُ عَلىٰ بابِها مَكْتُوباً بِالنُّورِ: لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ، عَلِيٌّ وَلِيُّ اللهِ، فاطِمَةُ أَمَةُ اللهِ، اَلْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ صَفْوَةُ اللهِ، عَلىٰ مُحِبِّيهِمْ رَحْمَةُ اللهِ، وَ عَلىٰ مُبْغِضِيهِمْ لَعْنَةُ اللهِ»[1].

۱: غاية المرام: ۵۸۶، ح ۸۲ - مدينة المعاجز: ۱۴۹، ح ۴۱۵ - كنزالفوائد: ۶۳ به اسناد ابن شاذان - بحارالأنوار: ۲۷، ۲۲۸، ح ۳۱ - روضات الجنات: ۶، ۱۸۱.

خصال صدوق: ۱، ۳۲۳، ح ۱۰ - امالی طوسی: ۱، ۳۶۵، ح ۷۷ - المناقب«خوارزمی»: ۲۱۴ فرائد السمطين: ۲، ۷۳، ح ۳۹۶ - لسان الميزان«عسقلانی»: ۵، ۷۰ - غاية الطالب«كنجی»: ۴۲۳ و «مهما ذكر الله» را در آخر آن اضافه نموده است.

الصراط المستقيم: ۲، ۷۵، ح ۴ - كشف الغمة: ۱، ۹۴ - الطرائف: ۶۴، ح ۶۵ - ميزان الاعتدال«ذهبی»: ۲، ۲۱۷.

مفتاح النجاة«بدخشی»: ۱۵ (خطی) به نقل ازخطيب و حافظ ابومحمد عزالدين عبدالرزاق بن رزق الله الجزری شافعی از ابن عباس - درر بحرالمناقب«ابن حسنويه»: ۳۱ (خطی) به نقل از الفردوس - مقتل الحسين علیه السلام «خوارزمی»: ۱، ۱۸.

فضیلت پنجاه و چهارم

حضرت امام موسی‌بن‌جعفر علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیهم السلام نقل می‌فرمایند:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

(در شب معراج) وارد بهشت شدم و دیدم با نور بر درب آن چنین نوشته بود: « نیست معبودی به جز پروردگار، محمّد صلی الله علیه و آله فرستاده‌ی خداست، علی علیه السلام ولیّ خداست، فاطمه علیها السلام بانوی الهی است، حسن وحسین علیهما السلام برگزیدگان خداوند می‌باشند، رحمت خداوند بر دوستان و محبّین آنان باد و لعنت خداوند بر دشمنانشان باد.





اَلْمَنْقَبَةُ الْخامِسَةُ وَ الْخَمْسُونَ

حدثنا محمد بن عبدالله بن عبدالله الحافظ، قال: حدثني جعفر بن علي الدقاق، قال: حدثني عبدالله بن محمد الكاتب، قال: حدثني سليمان بن الربيع، قال: حدثني نصر بن مزاحم، قال: حدثني علي بن عبدالله، قال: حدثني الأشعث من ضمرة، عن أبي ذر، قال:

نَظَرَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله إلىٰ عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ عليه السلام فَقالَ: «هٰذا خَيْرُ الْأَوَّلِينَ وَ خَيْرُ الْآخِرينَ مِنْ أَهْلِ السَّماواتِ وَ أَهْلِ الْأَرَضِينَ، هٰذا سَيِّدُ الصِّدِّيقينَ وَ زَيْنُ الْوَصِيّينَ وَ إمامُ الْمُتَّقينَ وَ قائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ.

إذا كانَ يَوْمَ الْقِيامَةِ جاءَ عَلىٰ ناقَةٍ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ قَدْ أَضاءَتِ الْقِيامَةَ مِنْ ضَوْئِها، عَلىٰ رَأْسِهِ تاجٌ مُرَصَّعٌ بِالزَّبَرْجَدِ وَ الْياقُوتِ، فَتَقُولُ الْمَلائِكَةُ: هٰذا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، وَ يَقُولُ النَّبِيّينَ: هٰذا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، فَيُنادي مُنادٍ مِنْ بَطْنانِ الْعَرْشِ: هٰذَا الصِّدّيقُ الْأَكْبَرُ، هٰذا وَصِيُّ حَبيبِ اللهِ، هٰذا عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِبٍ عليه السلام.

فَيَقِفُ عَلىٰ ظَهْرِ جَهَنَّمَ، فَيُنْجي مِنْها مَنْ يُحِبُّ وَ يُدْخِلُ فيها مَنْ لا يُحِبُّ، وَ يَأْتي أَبْوابَ الْجَنَّةِ، فَيُدْخِلُ فيها أَوْلِياءَهُ وَ شيعَتَهُ مِنْ أَيِّ بابٍ أَرادُوا بِغَيْرِ حِسابٍ»[1].

۱: غاية المرام: ۴۶، ح ۵۶ – به اختصار در بحارالأنوار: ۲۶، ۳۱۶، ح ۸۱ به نقل از کتاب: تفضيل الأئمة على الأنبياء «حسن بن سليمان» به نقل از کتاب حسن بن کبش.

فضیلت پنجاه و پنجم

اباذر نقل می‌کند: پیامبر به علیّ بن ابی‌طالب نظر کرده، فرمودند: این (مرد) بهترین شخص از اوّلین و آخرین، از اهل آسمان‌ها و زمین می‌باشد، این است سرور راستگویان، و زینت اوصیا و پیشوای تقوا پیشگان و رهبر روسفیدان.

هنگامی که روز قیامت فرارسد، در حالی وارد محشر می‌شود که سوار بر شتری از شترهای بهشتی است، که تمام محشر از نور آن روشن و منوّر شود، بر سر او تاجی است که به زبرجد و یاقوت مزیّن شده، (چون با این عظمت وارد محشر می شود) فرشتگان می‌گویند: این یکی از فرشتگان مقرّب است؛ پیامبران می‌گویند: این پیامبری مرسل است؛ ناگهان ندا دهنده‌ای از زیر عرش ندا می‌دهد: این است بزرگترین راستگو و تصدیق کننده، این است وصیّ حبیب خدا، این است علیّ بن ابی‌طالب.

در این هنگام می‌آید، پشت جهنّم می‌ایستد و هر کسی را که دوست بدارد از آن نجات می‌دهد و آن که را نخواهد، وارد جهنّم می‌کند.

نزد درهای بهشت می‌آید و دوستان و شیعیانش را از هر دری که آنها اراده کنند، بدون حساب داخل بهشت می‌فرماید.

اَلْمَنْقَبَةُ السّادِسَةُ وَ الْخَمْسُونَ

حدثنا أبوالحسن محمد بن جعفر النحوي رحمه الله قال: حدثني أبي، قال: حدثني محمد ابن الحسن بن علي القزويني، قال: حدثني أحمد بن داود، قال: حدثني محمد بن صالح، قال: حدثني العباس بن الربيع، قال: حدثني عصمة بن إسماعيل، قال: حدثني أبومعشر، قال: حدثني أبوهريرة، قال:

قالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: «لَيْلَةَ أُسْرِيَ بي إلَى السَّماءِ السّابِعَةِ سَمِعْتُ نِداءً مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ: إنَّ عَلِيّاً آيَةُ الْهُدىٰ وَ وَصِيُّ حَبيبي، فَبَلِّغْ.

فَلَمّا نَزَلْتُ مِنَ السَّماءِ نَسيتُ ذٰلِكَ، فَأَنْزَلَ اللهُ تَعالىٰ: ﴿يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ﴾[1] الآية»[2].

فضیلت پنجاه و ششم

ابوهریره می‌گوید: رسول خدا ﷺ فرمودند:

شبی که مرا در آسمان هفتم سیر دادند (شب معراج)، ندایی از زیر عرش شنیدم که می‌فرمود: همانا علی ﷺ نشانه‌ی هدایت، و وصیّ حبیب من است، (ای رسول خدا، این مطلب را) ابلاغ کن.

پس هنگامی که از آسمان به پایین آمدم، ابلاغ این مطلب را به تأخیر انداختم، و خداوند متعال این آیه را نازل فرمود: ﴿ای پیامبر! آنچه از خدا بر تو نازل شده، به خلق برسان، که اگر نرسانی، تبلیغ رسالت و ادای وظیفه نکرده ای ...﴾ تا آخر آیه.

۱: سوره مائده: آیه ۶۷.

۲: غایة المرام: ۲۰۷، ح ۱۳ - مدینة المعاجز: ۱۶۰، ح ۴۴۵. مصباح الأنوار: ۴۹ (خطی) به اسناد ابن شاذان - شواهد التنزیل «حسکانی»: ۱، ۱۸۷، ح ۲۴۲ - فرائد السمطین «حموینی»: ۱، ۱۵۸.

اَلْمَنْقَبَةُ السّابِعَةُ وَالْخَمْسُونَ

حدثنا القاضي المعافي بن زكريا رحمه الله املاء من حفظه، قال: حدثني محمد بن مزيد، قال: حدثني أبوكريب محمد بن العلاء، قال: حدثني إسماعيل بن صبيح، قال: حدثني أبو يونس، قال: حدثني محمد بن المنكدر، عن جابر، قال:

قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله لِعَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ عليه السلام: « أَما تَرْضىٰ أَنْ تَكُونَ مِنّي بِمَنْزِلَةِ هارُونَ مِنْ مُوسىٰ ؟ إِلّا أَنَّهُ لا نَبِيَّ بَعْدي ، وَ لَوْ جازَ أَنْ يَكُونَ ، لَكُنْتَ يا عَلِيُّ ! »[1].

۱: غاية المرام: ۱۱۹، ح ۷۴ - كنزالفوائد«كراجكى»: ۲۸۲ - بغية الوعاة«سيوطى»: ۴۵۲ تاريخ بغداد: ۳، ۲۸۸ - ترجمة الإمام أميرالمؤمنين من تاريخ دمشق«ابن عساكر»: ۱، ۳۴۶، ح ۴۲۷ - امالى«طوسى»: ۲، ۲۱۱، ح ۱۵ - بحارالأنوار: ۳۷، ۲۵۵، ح ۵ - اثبات الهداة: ۳، ۴۵۲، ح ۴۶۴.

الأربعين«خزاعى»: ذح ۳۹ - فرائدالسمطين«حموينى»: ۱، ۱۲۳، ح ۸۶ - ذيل اللئالى«سيوطى»: ۵۹ - لسان الميزان«عسقلانى»: ۵، ۳۷۸ به نقل از خطيب بغدادى.

اين حديث به حدّ تواتر از علمای فريقين نقل شده، تا بدانجا كه قاضى ابوالقاسم على بن المحسن بن على التنوخى كتاب مستقلى در باب راويان اين حديث و طريقه های نقل آن و اختلافات در نقل و... تأليف نموده است.

اين مطلب را ابن طاووس در الطرائف: ۵۱ و علّامه مجلسى در بحارالأنوار: ۳۷، ۲۶۸ و الامرتسرى در ارجح المطالب: ۴۳۱ نقل می فرمايند.

همچنين حاكم ابونصر الحربى در كتاب: «التحقيق لما احتج به أميرالمؤمنين عليه السلام يوم الشورى» از طريق بيست و هشت راوى اين حديث را نقل می كند، كه ابن طاووس و علامه مجلسى نيز به اين مطلب اشاره می فرمايند.

فضیلت پنجاه و هفتم

جابر نقل می‌کند: رسول خدا صلی الله علیه و آله به علیّ بن ابی‌طالب عليه السلام فرمودند:

« آیا راضی نیستید که شما به منزله‌ی هارون، نسبت به موسی باشی برای من؟

با این تفاوت که پس از من پیامبری نیست، و اگر جایز بود که پس از من پیامبری باشد، یقیناً آن پیامبر، شما بودی ای علی! ».

اَلْمَنْقَبَةُ الثّامِنَةُ وَالْخَمْسُونَ

حدثنا أبومحمد الحسن بن علي عبدالله العلوي الطبري، قال: حدثني أحمد ابن محمد بن عبدالله، قال: حدثني جدّي أحمد بن محمد، عن أبيه، قال: حدثني حمّاد بن عيسى، قال: حدثني عمر بن أذينة، قال: حدثني أبان بن أبي عياش، عن سليم بن قيس الهلالي، عن سلمان المحمّدي، قال:

دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وَ إِذَا الْحُسَيْنُ عَلَى فَخِذِهِ، وَ يُقَبِّلُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ يَلْثَمُ فَاهُ، وَ هُوَ يَقُولُ: «أَنْتَ سَيِّدٌ، اِبْنُ السَّيِّدِ، أَبُوالسَّادَةِ، أَنْتَ الْإِمَامُ، اِبْنُ الْإِمَامِ، أَبُوالْأَئِمَّةِ، أَنْتَ الْحُجَّةُ، اِبْنُ الْحُجَّةِ أَبُوالْحُجَجِ التِّسْعَةِ، تَاسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ»[1].

فضیلت پنجاه و هشتم

سلیم بن قیس هلالی از سلمان محمّدی نقل می‌کند که گفت:

بر پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وارد شدم، دیدم حسین علیه السلام بر ران آن حضرت نشسته و پیامبر صلی الله علیه وآله میان دو چشم او را پیاپی می‌بوسد، گاهی نیز دهان او را می‌بوسید و می‌فرمود: تویی آقا، پسر آقا، پدر آقایان، تویی امام، پسر امام، پدر امامان، تویی حجّت (خدا)، پسر حجّت (خدا)، پدر حجّت‌های نُه گانه، که نهمین آنها، قائم آنهاست.

۱: غایة المرام: ۴۶، ح ۵۹ - مقتل الحسین علیه السلام «خوارزمی»: ۱، ۱۴۶ - حلیة الأبرار: ۲، ۷۲۰ ح ۲۸ - الطرائف: ۱۷۴، ح ۲۷۲ - الصراط المستقیم: ۲، ۱۱۹.

اَلْمَنْقَبَةُ التّاسِعَةُ وَ الْخَمْسُونَ

حدثنا أبوالقاسم عبيدالله بن الحسن بن محمد الكوفي، قال: حدثني الحسن ابن محمد الجلي، قال: حدثني أحمد بن يحيى بن الحسين بن زيد بن علي، قال: حدثني أبي، عن جدّي الحسين بن زيد، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن علي ابن الحسين، عن أبيه عليهم السلام، قال:

قالَ أَميرُالْمُؤْمِنينَ عليه السلام: «مَنْ لَمْ يَقُلْ إِنِّي رابِعُ الْخُلَفاءِ الْأَرْبَعَةِ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللهِ».

قالَ الْحُسَيْنُ بْنُ زَيْدٍ: فَقُلْتُ لِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام: قَدْ رَوَيْتُمْ غَيْرَ هٰذا، فَإِنَّكُمْ لا تَكْذِبُونَ!

قالَ: «نَعَمْ، قالَ اللهُ تَعالىٰ في مُحْكَمِ كِتابِهِ: ﴿وَ إِذْ قالَ رَبُّكَ لِلْمَلائِكَةِ إِنِّي جاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَليفَةً﴾[1] فَكانَ آدَمُ أَوَّلُ خَليفَةِ اللهِ - قَوْلُهُ تَعالىٰ: ﴿إِنِّي جاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَليفَةً﴾ - وَ قالَ: ﴿إِنّا جَعَلْناكَ خَليفَةً فِي الْأَرْضِ﴾[2] فَكانَ داوُدُ الثّاني. وَ كانَ هارُونُ خَليفَةُ مُوسىٰ، قَوْلُهُ تَعالىٰ: ﴿اخْلُفْني في قَوْمي وَ أَصْلِحْ﴾. وَ هُوَ خَليفَةُ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله».

«فَمَنْ لَمْ يَقُلْ إِنِّي رابِعُ الْخُلَفاءِ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللهِ»[3].

۱: سوره بقره: آيه ۳۰.

۲: سوره ص: آيه ۲۶.

۳: غاية المرام: ۶۹، ح ۱۹ - البرهان: ۱، ۷۵، ح ۱۳ - مدينة المعاجز: ۱۶۰، ح ۴۴۴ المناقب «ابن شهرآشوب»: ۲، ۲۶۱ - بحارالأنوار: ۳۸، ۱۵۳، ح ۱۲۷.

فضیلت پنجاه و نهم

حسین بن زید از امام صادق(ع) و آن حضرت، از پدران بزرگوارشان(ع) نقل می‌فرمایند: مولا امیرمؤمنان علی(ع) فرمودند:

هر کس نگوید که من چهارمین خلیفه از خلفای چهارگانه می‌باشم، لعنت خدا بر او باد.

حسین بن زید می‌گوید: خدمت امام صادق(ع) عرض کردم: از شما مطلب دیگری، غیر از این روایت شده! آیا تکذیب نمی‌کنید؟

حضرت فرمودند: آری، (امّا این مطلب، توضیحی دارد از این قرار:)

خداوند تعالی در کتاب خود می‌فرماید: ﴿ به یاد آر، آنگاه که پروردگارت به ملائکه فرمود: من در زمین خلیفه قرار دادم ﴾. پس آدم اوّلین خلیفه‌ی خداست، به استناد فرمایش الهی که فرمود: ﴿ من در زمین خلیفه قرار دادم ﴾.

همچنین خطاب به داود(ع) می‌فرماید: ﴿ ما تو را در روی زمین مقام خلافت دادیم ﴾، پس داود(ع) دوّمین خلیفه‌ی خداست؛ هارون(ع) نیز خلیفه‌ی موسی(ع) است (آنجاکه) خداوند می‌فرماید: ﴿ تو اکنون، پیشوای قوم و جانشین من باش و راه صلاح پیش گیر ﴾، پس هارون(ع) خلیفه‌ی سوّم و امیرمؤمنان علی(ع) نیز خلیفه‌ی محمّد(ص) (و چهارمین خلیفه) است.

(اینگونه است که امیرمؤمنان(ع) می فرمایند:) هر کس نگوید که من چهارمین خلیفه از خلفای چهارگانه می‌باشم، لعنت خدا بر او باد.





اَلْمَنْقَبَةُ السِّتُّونَ

حدثنا أبوحفص عمر بن إبراهيم بن أحمد بن كثير المقري، قال: حدثني عبدالله بن محمد بن عبدالعزيز البغوي، قال: حدثني عبدالله بن عمر، قال: حدثني عبدالملك بن عمير، قال: حدثني سالم البزاز، قال: حدثني أبوهريرة، قال:

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: « عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ خَيْرُ هٰذِهِ الْأُمَّةِ مِنْ بَعْدِي وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عليهما السلام، فَمَنْ قَالَ غَيْرَ هٰذَا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللهِ »[۱].

فضیلت شصتم

ابوهریره می‌گوید: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند:

بهترینِ امّت من، پس از من علیّ بن ابی‌طالب و فاطمه و حسن و حسین عليهما السلام می‌باشند.

پس هر کس جز این بگوید، لعنت خدا بر او باد.

۱: غاية المرام: ۴۵۰، ح ۱۶ - کنز الفوائد «کراجکی»: ۶۳ به اسناد ابن شاذان - بحارالأنوار: ۲۷، ۲۲۸، ح ۳۱ و ج ۳۸، ۹۸، ح ۶۵ - روضات الجنات: ۶، ۱۸۱.

اَلْمَنْقَبَةُ الْحادِيَةُ وَ السِّتُّونَ

حدثنا أبو الطيب محمد بن الحسين التيلي، قال: حدثني علي بن العباس، قال: حدثني بكار بن أحمد، قال: حدثني نصر بن مزاحم، قال: حدثني زياد بن المنذر، قال: حدثني المنذر، عن سلمان الفارسي، قال:

قالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: «يا سَلْمانُ! مَنْ أَحَبَّ فاطِمَةَ اِبْنَتي فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ مَعي، وَ مَنْ أَبْغَضَها فَهُوَ فِي النّارِ.

يا سَلْمانُ! حُبُّ فاطِمَةَ عليها السلام يَنْفَعُ في مِائَةٍ مِنَ الْمَواطِنِ، أَيْسَرُها الْمَوْتُ وَ الْقَبْرُ وَ الْميزانُ وَ الْمَحْشَرُ وَ الصِّراطُ وَ الْعَرْضُ وَ الْحِسابُ، فَمَنْ رَضِيَتْ اِبْنَتي عَنْهُ رَضِيتُ عَنْهُ، وَ مَنْ رَضِيتُ عَنْهُ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، وَ مَنْ غَضِبَتْ عَلَيْهِ فاطِمَةُ عليها السلام غَضِبْتُ عَلَيْهِ، وَ مَنْ غَضِبْتُ عَلَيْهِ غَضِبَ اللهُ عَلَيْهِ.

يا سَلْمانُ! وَيْلٌ لِمَنْ يَظْلِمُها وَ يَظْلِمُ بَعْلَها أَميرَالْمُؤْمِنينَ عَلِيّاً عليه السلام وَ وَيْلٌ لِمَنْ يَظْلِمُ شيعَتَها وَ ذُرِّيَّتَها»[1].

۱: بحارالأنوار: ۲۷، ۱۱۶، ح ۹۴ - غاية المرام: ۱۸، ح ۱۷ - مقتل الحسين عليه السلام «خوارزمى»: ۱، ۵۹ به اسناد ابن شاذان - ينابيع المودة: ۲۶۳ - مودة القربى «سيدعلى همدانى»: ۱۱۶، احقاق الحق: ۱۰، ۱۶۶.

فضیلت شصت و یکم

سلمان محمّدی نقل می‌کند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

ای سلمان! هر کس دخترم فاطمه علیها السلام را دوست بدارد، در بهشت با من است و هر کس با او دشمنی کند، در آتش است.

ای سلمان! محبّت فاطمه علیها السلام در صد موضع (از جایگاههای مرگ و قیامت) منفعت می‌رساند، که آسان ترین این موقفها: مرگ، قبر، میزان، محشر، پل صراط و موقع عرض اعمال و حساب رسی است.

پس دخترم از هر کسی که راضی باشد، من نیز از او راضی هستم و هر کس من از او راضی باشم، خداوند از او راضی است.

فاطمه علیها السلام بر هر کس غضب کند، من نیز بر او غضب می‌کنم و چون من از کسی خشمگین باشم، خداوند نیز بر او غضب می‌فرماید.

ای سلمان! وای بر کسی که به فاطمه علیها السلام و شوهر او علی علیه السلام، ظلم کند، وای بر کسی که به شیعیان و فرزندان او علیهم السلام ظلم کند.

اَلْمَنْقَبَةُ الثّانِيَةُ وَ السِّتُّونَ

حدثنا أبوالحسن أحمد بن الحسن الضحّاك الرازي بها، قال: حدثني حمزة بن عبدالله المالكي، قال: حدثني عبدالله بن محمد رسويه، قال: حدثني ابن هرمة عن أنس بن مالك، قال:

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله : « يا أَنَسُ ! أَسْرِجْ بَغْلَتِي » .

فَأَسْرَجْتُ بَغْلَتَهُ فَرَكِبَ ، فَتَبِعْتُهُ حَتّىٰ صِرْنا إلىٰ بابِ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ عليه السلام فَقالَ لي : « يا أَنَسُ ! أَسْرِجْ بَغْلَتَهُ » .

فَأَسْرَجْتُها ، فَرَكِبَها وَ أَنَا مَعَهُما حَتّىٰ صارا إلىٰ فَلاةٍ مِنَ الْأَرْضِ خُضْرَةٌ نُزْهَةٌ ، فَأَظَلَّتْهُما غَمامَةٌ بَيْضاءُ ، فَتَقارَبَتْ فَإِذا بِصَوْتٍ عالٍ : اَلسَّلامُ عَلَيْكُما وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكاتُهُ ، فَرَدَّا السَّلامَ ، وَ هَبَطَ الْأَمينُ جَبْرَئيلُ عليه السلام ، فَاعْتَزَلا مَلِيّاً .

فَلَمّا أَنْ عُرِجَ إلَى السَّماءِ دَعا النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله عَلِيّاً عليه السلام وَ ناوَلَهُ تُفّاحَةً عَلَيْها سَطْرٌ مَكْتُوبٌ مِنْ مُنْشِآتِ الْقُدْرَةِ : هَدِيَّةٌ مِنَ الطّالِبِ الْغالِبِ إلىٰ وَلِيِّهِ عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ عليه السلام[1] .

۱: مدينة المعاجز: ۶۱، ح ۱۳۲.

فضیلت شصت و دوّم

انس بن مالک (خادم رسول خدا صلی الله علیه و آله) می‌گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من فرمودند: ای انس! اسب مرا زین کن.

چنین کردم و آن حضرت سوار شدند، من نیز پشت سر ایشان حرکت کردم تا رسیدیم به خانه‌ی امیرمؤمنان علی علیه السلام.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ای انس اسب علی علیه السلام را زین کن.

اسب مولا علیه السلام را زین نمودم و آن حضرت نیز سوار شدند، هر دو حرکت نمودند، من هم با آنها حرکت می‌کردم تا رسیدیم به زمین‌هایی سرسبز و پاکیزه و با صفا؛ در این هنگام ابر سفیدی بر آنها سایه افکند و به آنها نزدیک شد و صدای آشکار و بلندی به گوش رسید که می‌گفت: «سلام بر شما دو نفر و رحمت و برکات خدا بر شما باد!».

آن دو بزرگوار جواب دادند و پس از آن جبرئیل امین علیه السلام هبوط کرد و آن دو در کناری خلوت نمودند.

پس هنگامی که جبرئیل علیه السلام به آسمان بازگشت، پیامبر صلی الله علیه و آله، مولا علی علیه السلام را صدا زدند و سیبی به ایشان دادند که به دست قدرت الهی بر روی آن این سطر نوشته شده بود:

« هدیه‌ای از خداوند غالب، به سوی ولیّش، علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام ».

اَلْمَنْقَبَةُ الثَّالِثَةُ وَالسِّتُّونَ

حدثنا أبوعبدالله أحمد بن محمد بن الحسن بن أيّوب الحافظ رحمه الله قال: حدثني أبوعلي أحمد بن محمد بن جعفر الصولي، قال: حدثني محمد بن الحسين، قال: حدثني حفص بن عمر، قال: حدثني أبومعاوية، قال: قال لي الأعمش: يا أبامعاوية ألا أحدّثك حديثاً لا تختار عليه؟

قلت: بلى فديتك. قال: حدّثني أبووائل ولم يسمعه أحد غيري، عن عبدالله، قال: حَدَّثَني رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله قالَ: قالَ لي جَبْرَئيلُ عليه السلام:

«يا مُحَمَّدُ! عَلِيٌّ خَيْرُ الْبَشَرِ، مَنْ أبىٰ فَقَدْ كَفَرَ»[۱].

فضیلت شصت و سوّم

ابومعاویه می‌گوید: اعمش به من گفت: ای ابامعاویه! آیا برایت حدیثی بگویم که چیزی برای تو با ارزش‌تر و نیکوتر از آن نباشد؟

گفتم: آری، فدایت شوم.

گفت: ابووائل به من گفت: و کسی غیر از من آن را نشنید، او نیز از عبدالله روایت کرد که:

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: جبرئیل عليه السلام به من عرضه داشت:

ای محمّد! علی عليه السلام بهترین بشر است، و هر کس منکر (این سخن) باشد، کافر است.

۱: بحارالأنوار: ۲۶، ۳۰۶، ح ۶۶ - غاية المرام: ۴۵۰، ح ۱۵.

اَلْمَنْقَبَةُ الرّابِعَةُ وَالسِّتّونَ

حدثنا الحسن بن أحمد بن مخلويه المجاور رحمه الله ، قال: حدثني محمد بن أحمد البغدادي، قال: حدثني عيسى بن مهران، قال: حدثني يحيى بن عبدالحميد الحماني، قال: أخبرني قيس بن الربيع، قال: حدثني الأعمش، عن أبي وائل، عن عبدالله ابن مسعود، قال:

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله : « أَوَّلُ مَنِ اتَّخَذَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام أخاً مِنْ أَهْلِ السَّماءِ إِسْرافيلُ ، ثُمَّ مِيكائيلُ ، ثُمَّ جَبْرَئِيلُ وَ أَوَّلُ مَنْ أَحَبَّهُ مِنْ أَهْلِ السَّماءِ حَمَلَةُ الْعَرْشِ ، ثُمَّ رِضْوانُ خازِنُ الْجَنَّةِ ، ثُمَّ مَلَكُ الْمَوْتِ وَ إِنَّ مَلَكَ الْمَوْتِ ، يَتَرَحَّمُ عَلَى مُحِبّي عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ عليه السلام كَما يَتَرَحَّمُ عَلَى الْأَنْبِياءِ عليهم السلام »[1].

---

۱ : المناقب: ۳۱، و مقتل الحسين عليه السلام «خوارزمی»: ۱، ۳۹ به اسناد ابن شاذان - مناقب ابن شهرآشوب: ۲، ۳۲ - ينابيع المودة: ۱۳۳ - كشف الغمة: ۱، ۱۰۳ - غاية المرام: ۵۸۰، ح ۲۶ مصباح الأنوار: ۶۱ (خطى).

بحارالأنوار: ۳۸، ۳۳۵ ضمن ح ۱۰ به نقل مناقب ابن شهرآشوب و در ج ۳۹، ۱۱۰، ح ۱۷ به نقل كشف الغمة - غاية المرام: ۶۶۲، ح ۴ به نقل از كتاب فتح المبين في كشف اليقين في شرح دوحة المعارف - احقاق الحق: ۶، ۱۱۱ به نقل از ارجح المطالب للامرتسرى: ۵۲۶.

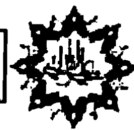
فضیلت شصت و چهارم

عبدالله بن مسعود می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

اوّلین کسی که در بین اهل آسمان‌ها علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام را به برادری خود برگزید، اسرافیل علیه السلام و پس از آن میکائیل علیه السلام و بعد از آن جبرئیل علیه السلام بود.

اوّلین کسانی که از اهل آسمان‌ها به دوستی علی علیه السلام مفتخر گردیدند، حاملان عرش، سپس رضوان خزانه دار بهشت و پس از آن ملک الموت علیه السلام بود.

ملک الموت (عزرائیل علیه السلام) بر دوستان علیّ بن ابی طالب علیه السلام (در موقع قبض روح) ترحّم می‌کند، همچنان که بر انبیا علیهم السلام رحم می‌نماید.





اَلْمَنْقَبَةُ الْخامِسَةُ وَالسِّتُّونَ

حدثنا طلحة بن أحمد بن محمد بن زكريّا النيشابوري، قال: حدثني سناه بن عبدالرحمن، قال: حدثني عليّ بن عبدالله بن عبدالحميد، عن هشيم بن بشير، قال: حدثني شعبة بن الحجّاج، قال: حدثني عليّ بن ثابت، عن أبي‌سعيد الخدري، عن ابن عبّاس، قال:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ: «لَيْلَةَ أُسْرِيَ بِي إلَى السَّماءِ أُدْخِلْتُ الْجَنَّةَ، فَرَأَيْتُ نُوراً ضَرَبَ بِهِ وَجْهِي، فَقُلْتُ لِجَبْرَئِيلَ: ما هٰذَا النُّورَ الَّذِي رَأَيْتُهُ؟

قالَ: يا مُحَمَّدُ! لَيْسَ هٰذا نُورُ الشَّمْسِ وَ لا نُورُ الْقَمَرِ، وَ لٰكِنْ جارِيَةٌ مِنْ جَوارِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي‌طالِبٍ عليه السلام اِطَّلَعَتْ مِنْ قَصْرِها فَنَظَرَتْ إلَيْكَ وَ ضَحِكَتْ، فَهٰذَا النُّورُ مِنْ ثَناياها، وَ هِيَ تَدُورُ فِي الْجَنَّةِ إلَى أَنْ يَدْخُلَها أَمِيرُالْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي‌طالِبٍ عليه السلام»[1].

۱: غاية المرام: ۱۸، ح ۱۸ - اليقين في امرة أمير المؤمنين عليه السلام: ۶۱ - المناقب«خوارزمی»: ۲۲۷ مقتل الحسين عليه السلام ۳۹ -كفاية الطالب: ۳۲۱ - اليقين: ۲۰ - اثبات الهداة: ۴، ۶۴، ح ۴۸۲ به نقل از خوارزمی.

فضیلت شصت و پنجم

ابن عبّاس می‌گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند:

شبی که مرا به آسمان بردند، (شب معراج) داخل بهشت شدم، در این هنگام نوری به صورتم برخورد کرد، به جبرئیل علیه السلام گفتم: این چه نوری است؟

عرض کرد: ای محمّد! این نور، نه نور خورشید بود و نه ماه، بلکه حوریه‌ای از حوریه‌های علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام بود که از قصر خود نمایان شد، پس چشمش به شما افتاد و (با دیدن شما) خندید، این نوری که مشاهده فرمودید، از دندان‌های او بود.

او همیشه در بهشت دور می‌زند تا آن زمان که علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام داخل بهشت شود.

اَلْمَنْقَبَةُ السَّادِسَةُ وَالسِّتُّونَ

أخبرنا أبوعبدالله الحسين بن محمد بن إسحاق بن أبي خطّاب السوطي، قال: حدثني إسماعيل بن علي الدعبلي، عن أبيه، قال: حدثني علي بن موسى الرضا عليه السلام، عن أبيه، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن علي بن الحسين، عن أبيه عليهما السلام، قال:

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام: « يَا عَلِيُّ ! أَنْتَ خَيْرُ الْبَشَرِ ، لَا يَشُكُّ فِيكَ إِلَّا مَنْ كَفَرَ »[1].

فضیلت شصت و ششم

حضرت امام رضا عليه السلام از پدران بزرگوارشان عليهم السلام نقل می‌فرمایند:

رسول خدا صلى الله عليه وآله به مولا امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمودند:

ای علی! شما بهترینِ انسان هایی، و کسی در مورد شما شک و تردید نمی‌کند، مگر اینکه کافر باشد.

۱: بحارالأنوار: ۲۶، ۳۰۶، ح ۶۷ - غایة المرام: ۴۵۰، ح ۱۷.

اَلْمَنْقَبَةُ السّابِعَةُ وَالسِّتُّونَ

حدثني الشريف النقيب أبومحمد الحسن بن محمد العلوي الحسني رحمه الله قال: حدثني محمد بن زكريا، قال: حدثني العباس بن بكار، قال: حدثني أبوبكر الهذلي، عن عكرمة، عن ابن عباس، قال:

قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله لِعَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ عُوفٍ: «يا عَبْدَالرَّحْمٰنِ! أَنْتُمْ أَصْحابي، وَ عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِبٍ مِنّي وَ أَنَا مِنْ عَلِيٍّ، فَمَنْ قاسَهُ بِغَيْرِهِ فَقَدْ جَفاني، وَ مَنْ جَفاني فَقَدْ آذاني، وَ مَنْ آذاني فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ رَبّي.

يا عَبْدَالرَّحْمٰنِ! إِنَّ اللهَ تَعالىٰ أَنْزَلَ عَلَيَّ كِتاباً مُبيناً، وَ أَمَرَني أَنْ أُبَيِّنَ لِلنّاسِ ما نَزَلَ إِلَيْهِمْ، ما خَلا عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِبٍ عليه السلام فَإِنَّهُ يَسْتَغْني عَنِ الْبَيانِ.

إِنَّ اللهَ تَعالىٰ جَعَلَ فَصاحَتَهُ كَفَصاحَتي وَ دِرايَتَهُ كَدِرايَتي.

وَ لَوْ كانَ الْحِلْمُ رَجُلاً لَكانَ عَلِيّاً عليه السلام.

وَ لَوْ كانَ الْفَضْلُ شَخْصاً لَكانَ الْحَسَنَ عليه السلام.

وَ لَوْ كانَ الْحَياءُ صُورَةً لَكانَ الْحُسَيْنَ عليه السلام.

وَ لَوْ كانَ الْحُسْنُ هَيْئَةً لَكانَتْ فاطِمَةَ، بَلْ هِيَ أَعْظَمُ، إِنَّ فاطِمَةَ عليها السلام اِبْنَتي خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ عُنْصُراً وَ شَرَفاً وَ كَرَماً»[1].

۱: غاية المرام: ۵۱۲، ح ۲۰ – فرائد السمطين: ۲، ۶۸، ۳۹۲ – غاية المرام: ۴۵۹، ح ۳۳.

فضیلت شصت و هفتم

ابن عبّاس می‌گوید : رسول خدا صلی الله علیه و آله به عبدالرّحمان بن عوف فرمودند :

ای عبدالرحمان ! شما اصحاب من هستید و علیّ بن ابی طالب علیه السلام از من است و من از علی علیه السلام ، پس هر که او را به غیر خودش (به غیر علی علیه السلام) قیاس کند ، به من جفا نموده ، و هر کس به من جفا کند ، مرا اذیّت کرده و هر کس مرا اذیّت کند ، لعنت پروردگارم بر او باد .

ای عبدالرّحمان ! همانا خداوند تعالی بر من کتابی روشنگر نازل نمود، و به من فرمود که برای مردم ، آنچه - در مورد آنها - نازل شده، بیان کنم ، به استثنای علیّ بن ابی طالب علیه السلام ؛ زیرا او بی نیاز از بیان و شرح و تفسیر قرآن است ، همانا خداوند تعالی فصاحت علی علیه السلام را همچون فصاحت من قرار داده ، و درایت او را مانند درایت من قرار داده است ؛ و اگر حلم و بردباری به صورت مردی باشد ، آن مرد علی علیه السلام است . اگر فضل و برتری شخص باشد ، آن شخص ، حسن علیه السلام است . اگر حیا صورت داشت ، آن صورت ، حسین علیه السلام بود . اگر حُسن هیکل داشت ، آن هیکل فاطمه علیها السلام بود ، بلکه عظیم‌تر و بزرگتر از آن، همانا دختر من فاطمه علیها السلام از نظر عنصر و شرف و کرامت، بهترین موجود بر روی زمین است .

اَلْمَنْقَبَةُ الثّامِنَةُ وَالسِّتُّونَ

حدثني القاضي المعافي بن زكريّا من حفظه، قال: حدثني إبراهيم بن فضل، قال: حدثني الفضل بن يوسف، قال: حدثني الحسن بن صابر، قال: حدثني وكيع، قال: حدثني هشام بن عروة، عن أبيه، عن عائشة قالت:

قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: «ذِكْرُ عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ عِبادَةٌ»[۱].

فضیلت شصت و هشتم

عایشه می‌گوید: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند:

یاد و ذکر علیّ بن ابی‌طالب عليه السلام عبادت است.

۱: مناقب خوارزمی: ۲۶۱ به اسناد ابن شاذان - ترجمة الإمام علي عليه السلام من تاريخ دمشق«ابن عساكر»: ۲، ۴۲۴ - المناقب«ابن المغازلی»: ۲۰۶، ح ۲۴۳.

الفردوس«دیلمی»: ۱۱۰ (خطی) به نقل از جعفر بن محمد الحسینی در کتاب العروس - مناقب ابن شهرآشوب: ۳، ۶ - کنزالعمال: ۱۲، ۲۰۱ - ینابیع المودة: ۲۳۷، ح ۲۶۱ - بحارالأنوار: ۳۸، ۱۹۹ به نقل از مناقب ابن شهرآشوب - کنوز الحقائق: ۷۸ - ینابیع المودة: ۱۸۰ - البداية و النهاية«ابن کثیر»: ۷، ۳۵۷ - الجامع الصغیر«سیوطی»: ۱، ۵۸۳ - الفتح الکبیر«شیخ یوسف نبهانی»: ۲، ۱۲۰ - مودة القربی«همدانی»: ۷، ۱۱۱ - المناقب المرتضوية«کشفی حنفی» به نقل از دیلمی و ابن حجر و صاحب بحر المعارف و صاحب فصل الخطاب - مناقب علی عليه السلام «عبینی حیدرآبادی»: ۳۴ به نقل از طبرانی.

اَلْمَنْقَبَةُ التَّاسِعَةُ وَالسِّتُّونَ

حدثنا أبوالقاسم جعفر بن مسرور اللحام رحمه الله قال: حدثني الحسين بن محمد، عن إبراهيم بن محمد، عن بلال، عن إبراهيم بن صالح الأنماطي، عن عبدالصمد، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن عليّ بن الحسين، عن أبيه عليهم السلام، قال:

«سُئِلَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله عَنْ قَوْلِهِ تَعالىٰ: ﴿طُوبىٰ لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ﴾[1] قالَ: نُزِلَتْ فِي أَميرِالْمُؤْمِنينَ عَلِيٍّ عليه السلام وَ طُوبىٰ، شَجَرَةٌ فِي دارِهِ وَ هِيَ الْفِرْدَوْسِ، لَيْسَ مِنْ أَشْجارِ دُورِ الْجَنَّةِ شَيْءٌ إِلّا وَ غُصْنٌ مِنْها فيها»[2].

فضیلت شصت و نهم

حضرت امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیهم السلام نقل می‌فرمایند: امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمودند: از پیامبر خدا صلى الله عليه وآله در مورد این آیه سؤال شد: ﴿خوشا بر احوال آنها و مقام نیکوی آنها﴾.

پیامبر صلى الله عليه وآله فرمودند: این آیه در مورد امیرالمؤمنین علی علیه السلام نازل شده، و طوبی درختی است در خانه‌ی علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام که آن خانه در فردوس است، و در هیچ خانه‌ای از خانه‌های بهشت، درختی نیست، مگر اینکه شاخه‌ای از طوبی در آن باشد.

۱: سوره رعد: آیه ۲۹.

۲: اليقين في امرة أمير المؤمنين عليه السلام ۶۲ - غاية المرام: ۱۹، ح ۱۹ - بحارالأنوار: ۳۹، ۲۳۵، ح ۲۰ به نقل از یقین - مناقب ابن شهرآشوب: ۳، ۳۲ از ابان بن عیاش از انس، و کلبی از ابوصالح و شعبة از قتادة، و حسن عن جابر و ثعلبی از ابن عباس و أبی بصیر و عبدالصمد از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام.

اَلْمَنْقَبَةُ السَّبْعُونَ

حدثنا أبوالقاسم عبدالله بن محمد بن إسحاق بن سليمان بن حنانة البزاز بمدينة السلام، قال: حدثني البغوي عبدالله بن محمد، عن الحسن بن عرفة، قال: حدثنا زجر بن هارون، قال: حدثنا جميل بن الطويل، عن أنس، عن عائشة، قالت:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ:

« عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِبٍ عليه السلام خَيْرُ الْبَشَرِ ، مَنْ أَبىٰ فَقَدْ كَفَرَ » .

فَقيلَ لَها : وَ لِمَ حارَبْتيهِ ؟

فَقالَتْ : وَ اللهِ ما حارَبْتُهُ مِنْ ذاتِ نَفْسي وَ ما حَمَلَني عَلىٰ ذٰلِكَ إِلّا طَلْحَةَ وَ الزُّبَيْرَ [1].

فضیلت هفتادم

انس بن مالک از عایشه نقل می‌کند که گفت: شنیدم از رسول خدا صلى الله عليه وآله می‌فرمودند:

علیّ بن ابی‌طالب عليه السلام بهترین بشر است، و هر کس (از این حقیقت) روبرگرداند، کافر است.

(در این هنگام) شخصی به عایشه گفت: (اگر این فضیلت را می‌دانی) چرا با او می‌جنگی؟

گفت: به خدا قسم، من به اختیار خود، با او نجنگیدم؛ طلحه و زبیر مرا بر این عمل مجبور نمودند.

۱: بحارالأنوار: ۲۶، ۳۰۶، ح ۶۸.

اَلْمَنْقَبَةُ الْحادِيَةُ وَالسَّبْعُونَ

حدثنا أبوبكر محمد بن عبدالله بن حمدون بن الفضل الفقيه، قال: حدثني القاضي عبدالرحمن بن الحسن، قال: حدثني إبراهيم بن الحسين، قال: حدثنا شاه عبدالله بن سلمة الصغير، قال: حدثنا شعبة بن الحجاج، قال: حدثنا أبورجاء العطار عن سمرة، قال:

كانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله كُلَّما أصْبَحَ ، أقْبَلَ عَلىٰ أصْحابِهِ بِوَجْهِهِ يَقُولُ : « هَلْ رَأىٰ مِنْكُمْ أحَدٌ رُؤْيا ؟ » .

وَ إنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله أصْبَحَ ذاتَ يَوْمٍ فَقالَ : « رَأيْتُ فِي الْمَنامِ حَمْزَةَ عَمّي وَ جَعْفَرَ بْنَ عَمّي ، جالِسَيْنِ وَ بَيْنَ أيْديهِما طَبَقٌ مِنْ نَبْقٍ وَ هُما يَأْكُلانِ مِنْهُ ، فَما لَبِثا أنْ تَحَوَّلَ رُطَباً ، فَأكَلا مِنْهُ .

فَقُلْتُ لَهُما : ما وَجَدْتُما اَلسّاعَةَ أفْضَلَ الْأعْمالِ فِي الْآخِرَةِ ؟

قالا: اَلصَّلاةُ وَ حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أبي طالِبٍ عليه السلام وَ إخْفاءُ الصَّدَقَةِ » [۱] .

فضیلت هفتاد و یکم

سمره می‌گوید : هر روز صبح پیامبر صلى الله عليه وآله روی مبارک را به جانب اصحاب می‌نمودند و می‌فرمودند : آیا کسی از شما رؤیایی مشاهده نکرده ؟

روزی هم خود پیامبر صلى الله عليه وآله فرمودند : در خواب ، عمویم حمزه و پسر عمویم، جعفر را دیدم که نشسته بودند و در مقابل آنها ظرفی از نَبَق بود و آنها می‌خوردند ، طولی نکشید که آن نبق به رطب تبدیل شد ، و آنها از آن رطب‌ها نیز خوردند .

به آنها گفتم : اکنون (که شما در برزخ هستید) چه عملی را در (عالم) آخرت ، بهترین اعمال یافته‌اید ؟

گفتند: نماز و دوستی علیّ بن ابی‌طالب عليه السلام و صدقه دادن مخفیانه .

---

۱ : بحارالأنوار: ۲۷، ۱۱۷، ح۹۵ - مدينة المعاجز: ۱۷۲، ح ۴۷۶ .

اَلْمَنْقَبَةُ الثّانِيَةُ وَالسَّبْعُونَ

حدثنا أبوالفرج محمد بن المظفر بن قيس المقري الفقيهﷺ، قال: حدثني الحسن بن محمد بن سعيد، قال: حدثني سرابة بن إبراهيم، قال: حدثني عليّ بن محمد ابن مخلد، قال: حدثني جعفر بن حفظ، قال: حدثني محمد بن إسماعيل، قال: حدثني زيد بن عياض، عن صفوان بن سلمان عن سلمان بن يسار، عن ابن عباس، قال:

قالَ رَسُولُ اللهِﷺ : «عَلِيُّ بْنُ أَبي‌طالِبٍ مِنّي كَجِلْدي ، عَلِيٌّ مِنّي كَلَحْمي ، عَلِيٌّ مِنّي كَعَظْمي ، عَلِيٌّ مِنّي كَدَمي في عُرُوقي ، عَلِيٌّ أَخي وَ وَصِيّي في أَهْلي وَ خَليفَتي في قَوْمي وَ يَقْضي دَيْني وَ يُنْجِزُ عِداتي ، عَلِيٌّ فِي الدُّنْيا إذا مِتُّ عِوَضٌ عَنّي »[1].

فضیلت هفتاد و دوّم

ابن عبّاس می‌گوید: رسول خداﷺ فرمودند:

علیّ بن ابی‌طالبؑ نسبت به من، مانند پوست من است، علیؑ نسبت به من، مانند گوشت من است، علیؑ نسبت به من، مانند استخوان من است، علیؑ نسبت به من، همچون خون در رگهای من است.

او برادر و وصیّ من است در خانواده ام و جانشین من است در میان قوم (پیروان) من، او اداکننده‌ی دین من است، او وفاکننده به عهد من است، و هنگامی که از دنیا بروم، او بَدَلِ من در دنیا می‌باشد.

۱: غاية المرام: ۶۹، ح ۲۰.

اَلْمَنْقَبَةُ الثّالِثَةُ وَ السَّبْعُونَ

حدثنا أبوالفرج محمد بن المظفر بن أحمد بن سعيد الدقاق، قال: حدثني أحمد ابن محمد، قال: حدثني محمد بن منصور، عن عثمان بن أبي‌شيبة، قال: حدثني جرير، قال: حدثني محمدبن يسار، قال: حدثني الفضل بن هارون، عن أبي هارون العبدي، عن أبي‌بكر عبدالله بن عثمان، قال:

كُنْتُ مَعَ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله في بُسْتانِ عامِرِ بْنِ سَعْدٍ بِعَقيقِ السُّفْلىٰ، فَبَيْنا نَحْنُ نَخْتَرِقُ الْبُسْتانَ إِذْ صاحَتْ نَخْلَةٌ بِنَخْلَةٍ!

فَقالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: «أَتَدْرُونَ ما قالَتِ النَّخْلَةُ؟».

فَقُلْنا: اَللهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ.

قالَ: «صاحَتْ: هٰذا مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ وَ وَصِيُّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِبٍ عليه السلام».

فَسَمّاهَا النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله مِنْ تِلْكَ الصَّيْحَةِ: «نَخْلَةَ الصَّيْحاني»[1].

۱: مدينة المعاجز: ۶۵، ح ۱۵۲ - المناقب«خوارزمی»: ۲۲۱ به اسناد ابن شيرويه ديلمی - الصراط المستقيم: ۲، ۳۳ - اثبات الهداة: ۵، ۶۴، ح ۴۳۹ - فرائد السمطين: ۱، ۱۳۷ - ينابيع المودة: ۱۳۶ - غاية المرام: ۱۵۷، ح ۲۶ - الخرائج و الجرائح«راوندی»: ۴۷۸ - بحارالأنوار: ۱۷، ۳۶۵، ح ۷ - المناقب«ابن شهرآشوب»: ۲، ۱۵۳ از طريق جابر بن عبدالله، و حذيفة بن اليمان و عبدالله بن عباس، و ابوهارون العبدی، از عبدالله بن عثمان، و حمدان بن المعافا از حضرت امام رضا عليه السلام، و محمد بن صدقة، از حضرت امام موسی بن جعفر عليهما السلام.

فضیلت هفتاد و سوّم

ابوبکر عبدالله بن عثمان می‌گوید :

با پیامبر خداﷺ در باغ عامر بن سعد - که در منطقه‌ی عقیق سفلی بود - مشغول راه رفتن بودیم و از بین درختان و نخل‌ها عبور می‌کردیم که ناگهان صدای صیحه‌ای از نخلی بلند شد ! و این صیحه از نخلی به نخل دیگر منتقل می‌شد !

پیامبرﷺ فرمودند : آیا می‌دانی این نخل چه می‌گوید ؟

عرض کردم : خدا و رسولش داناتر می‌باشند .

پیامبرﷺ فرمودند : می‌گوید : این محمّد رسول خداست ، و وصیّ او علیّ بن ابی طالب است .

پس به همین علّت - که آن نخل صیحه زد - پیامبر خداﷺ آن را نخل صیحانی[۱] نامیدند .

---

۱ : یعنی نخل صیحه زننده.

اَلْمَنْقَبَةُ الرّابِعَةُ وَالسَّبْعُونَ

حدثني أبوالحسن علي بن محمد الكتب اللغوي الرازي، قال: حدثني الحسن بن علي الوفوي، قال: حدثني العباس بن بكار الضبي، قال: حدثني أبوبكر الهذلي، قال: حدثني عكرمة، عن ابن عباس، قال:

قامَ إلَيْهِ رَجُلٌ ، فَقالَ : يَا ابْنَ عَبّاسٍ ! أَخْبِرْني عَنْ آلِ مُحَمَّدٍ .

فَقالَ ابْنُ عَبّاسٍ : آلُ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله اَلْمُعَلِّمُونَ التُّقىٰ ، اَلْباذِلُونَ الْجَدىٰ ، اَلتّارِكُونَ الْهَوىٰ ، اَلنّاكِبُونَ الرَّدىٰ ، لا خُشَّعُ لَمْظٍ ، وَ لا طَمِعُ حَظٍّ ، وَ لا غَلَظٌ فَظَظٌ ، فِي كُلِّ حينٍ يُقَّظٌ ، أَحْلاسُ الْخَيْلِ ، أَنْجُمُ اللَّيْلِ ، وَ بَحْرُ النَّيلِ ، بُعّادُ الْمَيلِ ، هاماتُ هاماتٌ ، وَ ساداتُ ساداتٍ ، وَ غُيُوثُ جاراتٍ ، وَ لُيُوثُ غاباتٍ ، اَلْمُقيمُونَ الصَّلاةَ ، اَلْمُؤْتُونَ الزَّكاةَ ، اَلْمُقَرِّبُونَ الْحَسَناتَ ، وَ الْمُميطُونَ السَّيِّئاتَ .

فضیلت هفتاد و چهارم

عکرمه‌می‌گوید : مردی از جا برخاست و به ابن‌عبّاس گفت : ای ابن عبّاس ! از آل محمّد ﷺ برایم بگو .

ابن عبّاس گفت : آل محمّد ﷺ کسانی هستند که پرهیزکاری را یاد می‌دهند ، و با رغبت بسیار بخشش می‌کنند ، هوای خود را رها کرده و از امور هلاک‌کننده دوری می‌کنند ، پاکیزه (با آدابی خاصّ) غذا تناول می‌کنند ، و عمیق و زیبا می‌نگرند ، تندی و خشونت در خلق و خوی نداشته و پیوسته در توجّه و بیداری کامل هستند، مانند ستارگان ، راهنمای خلق می‌باشند ، دریای سخاوتند و از امیال نفسانی دور ، دارای مقامی بس بلند و بزرگ می‌باشند و فریادرس پناهندگانند ، شیران بی باک ، برپاکنندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات ، و نزدیک کننده‌ی نیکی‌ها ، و دور کننده‌ی بدی‌ها هستند .

اَلْمَنْقَبَةُ الْخامِسَةُ وَ السَّبْعُونَ

حدثنا أبومحمد عبدالله بن يوسف بن ماويه الاصبهاني بنيسابور، قال: حدثني حامد بن محمد الهروي، قال: حدثني عليّ بن محمد بن عيسى، قال: حدثني محمد بن عكاشة، قال: حدثني محمد بن سلمة، عن خصرف، عن مجاهد، قال:

قيلَ لِابْنِ عَبّاس : ما تَقُولُ في عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ عليه السلام؟

فَقالَ : ذَكَرْتَ وَ اللهِ أَحَدُ الثَّقَلَيْنِ ، سَبَقَ بِالشَّهادَتَيْنِ ، وَ صَلَّى الْقِبْلَتَيْنِ وَ بايَعَ الْبَيْعَتَيْنِ ، وَ أَعْطَى الْبَسْطَتَيْنِ وَ هُوَ أَبُوالسِّبْطَيْنِ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنِ وَ مَنْ رُدَّتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ مَرَّتَيْنِ مِنْ بَعْدِ ما غابَتْ عَنِ الْقِبْلَتَيْنِ ، وَ جَرَّدَ السَّيْفَ تارَتَيْنِ وَ هُوَ صاحِبُ الْكَرَّتَيْنِ وَ هُما حَرْبُ بَدْرٍ وَ حُنَيْنِ ، فَمَثَلُهُ فِي الْأُمَّةِ مَثَلُ ذي الْقَرْنَيْنِ ، ذاكَ مَوْلايَ عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِبٍ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِ[1].

۱: البرهان: ۱، ۲۷، ح ۱۴ - المناقب: ۲۳۶ و در مقتل الحسین علیه السلام «خوارزمی»: ۱، ۴۷ به اسناد ابن شاذان. غاية المرام: ۲۱۴ ح ۲۴ - ينابيع المودة: ۱۳۹.

فضیلت هفتاد و پنجم

مجاهد می‌گوید: شخصی به ابن عبّاس گفت: در مورد علیّ بن ابی طالب علیه السلام چه می‌گویی؟

گفت: به خدا قسم، یکی از دو ثقل (قرآن و عترت) را یاد کردی، او برای ادای شهادتین از همه‌ی مسلمانان سبقت گرفت و به دو قبله نماز خواند، و دو مرتبه بیعت نمود، و با جوانمردی عطا نمود، و اوست پدر نوه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله، (یعنی) حسن و حسین علیهما السلام، او کسی است که دو مرتبه خورشید پس از غروب کردن، برای او بازگشت، و دو مرتبه شمشیر کشید و دو مرتبه یورش و حمله‌ی دلیرانه نمود و آن در جنگ بدر و حنین بود.

پس مَثَل او در بین امّت، مانند ذوالقرنین می‌باشد؛ آری، این است مولای من، علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام که درود خدا بر او باد.

اَلْمَنْقَبَةُ السّادِسَةُ وَ السَّبْعُونَ

حدثنا أبوالحسن أحمد بن طرخان الكندي رحمه الله قال: حدثني جعفر بن محمد، قال: حدثني أبوبكر أحمد بن جعفر، قال: حدثني جعفر بن محمد، قال: حدثني إبراهيم بن الحجاج، قال: حدثني حماد بن سلمة، قال: حدثني علي بن زيد بن جدعان، قال: حدثني سعيد بن المسيّب، قال:

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله : « اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِي وَزِيراً مِنْ أَهْلِ السَّماءِ وَ وَزِيراً مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ .

فَأَوْحىَ اللهُ تَعالىٰ إِلَيْهِ : إِنِّي قَدْ جَعَلْتُ وَزِيرَكَ مِنْ أَهْلِ السَّماءِ جَبْرَئِيلَ ، وَ وَزِيرَكَ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام »[۱].

فضیلت هفتاد و ششم

سعید بن مسیّب می‌گوید : رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند :

خداوندا برای من وزیری از اهل آسمان ، و وزیری از اهل زمین قرار بده .

پس خداوند تعالی وحی نمود : همانا من از اهل آسمان‌ها جبرئیل علیه السلام ، و از اهل زمین علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام را وزیر تو قرار دادم .

---

۱ : غاية المرام: ۶۱۳، ح ۹.

اَلْمَنْقَبَةُ السّابِعَةُ وَ السَّبْعُونَ

حدثني محمد بن علي بن فضل الزيّات، قال: حدثني الحسين بن محمد، قال: حدثني الحسن بن ربيع الماجشوني، عن إسماعيل بن أبان الورّاق، قال: حدثني غياث بن إبراهيم، عن جعفر بن محمد عن أبيه، عن علي بن الحسين، عن أبيه عليهم السلام، قال:

قالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه وآله : « نَزَلَ عَلَيَّ جَبْرَئيلُ عليه السلام صَبيحَةَ يَوْمٍ فَرِحاً مُسْتَبْشِراً ، فَقُلْتُ : حَبيبي جَبْرَئيلُ ! ما لي أَراكَ فَرِحاً مُسْتَبْشِراً ؟

فَقالَ : يا مُحَمَّدُ ! وَ كَيْفَ لا أَكُونُ كَذٰلِكَ وَ قَدْ قَرَّتْ عَيْني بِما أَكْرَمَ اللهُ بِهِ أَخاكَ وَ وَصِيَّكَ وَ إِمامَ أُمَّتِكَ عَلِيَّ بْنَ أَبي طالِبٍ عليه السلام .

فَقُلْتُ: وَ بِمَ أَكْرَمَ اللهُ أَخي وَ إِمامَ أُمَّتي ؟

فَقالَ : باهىٰ اللهُ سُبْحانَهُ وَ تَعالىٰ بِعِبادَتِهِ الْبارِحَةَ مَلائِكَتَهُ وَ حَمَلَةَ عَرْشِهِ وَ قالَ : مَلائِكَتي وَ حَمَلَةَ عَرْشي ! أُنْظُرُوا إِلىٰ حُجَّتي في أَرْضي بَعْدَ نَبِيّي مُحَمَّدٍ صلی الله علیه وآله كَيْفَ عَفَّرَ خَدَّهُ فِي التُّرابِ تَواضُعاً لِعَظَمَتي ، أُشْهِدُكُمْ أَنَّهُ إِمامُ خَلْقي وَ مَوْلىٰ بَرِيَّتي »[1] .

۱: غاية المرام: ۴۶، ح ۶۰ - مدينة المعاجز: ۱۶۳، ح ۴۵۲ - المناقب «خوارزمی»: ۲۲۸ به اسناد ابن شاذان - غاية المرام: ۲۷، ح ۴ - مصباح الأنوار: ۹۵، (خطی) تأويل الآيات: ۳۱ (خطی) - ينابيع المودة: ۷۹ و ص ۱۲۶.

بحارالأنوار: ۱۹، ۸۷، ح ۳۷ به نقل از تأويل الآيات.

فضیلت هفتاد و هفتم

حضرت امام صادق (ع) از پدران بزرگوارشان (ع) از اباعبدالله الحسین (ع) نقل می‌فرمایند: رسول خدا (ص) فرمودند:

روزی هنگام صبح، جبرئیل (ع) بر من نازل شد، در حالی که بسیار خوشحال و مسرور بود، به او گفتم: حبیب من، جبرئیل! چه شده که تو را امروز شاد و مسرور می‌بینیم؟

عرض کرد: ای محمّد! چگونه شاد نباشم؟ در حالی که چشم من روشن شد به آنچه خداوند اکرام نمود به آن، برادر و وصیّ تو و امام امّت تو، علیّ بن ابی‌طالب (ع) را.

گفتم: خداوند به واسطه‌ی چه (عملی) برادر و امام امّتم را اکرام نمود؟

جبرئیل (ع) عرض کرد: خداوند سبحان مباهات کرد نزد ملائکه و حاملان عرش، به عبادت شب گذشته‌ی علی (ع)، و فرمود: ای فرشتگان من و ای حاملان عرش من! بنگرید به حجّت من بعد از پیامبرم در زمین من، که چگونه صورت خود را به خاک می‌ساید، به خاطر تواضعی که در مقابل عظمت من دارد.

شما را شاهد می‌گیرم که اوست امام خلق من، و مولای بندگان من.

اَلْمَنْقَبَةُ الثّامِنَةُ وَالسَّبْعُونَ

حدثنا أبوبكر محمد بن عبدالله بن حمدون، قال: حدثني محمد بن أحمد، قال: حدثني جعفر بن محمد بن شاكر الصائغ، قال: حدثني منصور بن صفر، عن مهدي ابن ميمون، عن محمد بن سيرين، عن أخيه معبد، عن أبي‌سعيد الخدري، قال:

قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: «اَلْعِلْمُ خَمْسَةُ أجْزاءٍ، أُعْطِيَ عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِبٍ عليه السلام مِنْ ذٰلِكَ أرْبَعَةُ أجْزاءٍ، وَ أُعْطِيَ سائِرُ النّاسِ جُزْءً واحِداً وَ الَّذي بَعَثَني بِالْحَقِّ بَشيراً وَ نَذيراً، لَعَلِيٌّ بِجُزْءِ النّاسِ أعْلَمُ مِنَ النّاسِ بِجُزْئِهِمْ»[1].

فضیلت هفتاد و هشتم

ابوسعید خدری می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند:

علم پنج جزء دارد، که چهار جزء آن به علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام عطا شده است و به بقیّه‌ی مردم فقط یک جزء (از علم) داده شده است.

قسم به آن خدایی که مرا به حقّ، بشیر و نذیر مبعوث فرمود، علی علیه السلام به همان یک جزءِ مردم نیز عالم‌تر از خود آنها به آن است.

اَلْمَنْقَبَةُ التّاسِعَةُ وَ السَّبْعُونَ

حدثنا أبومحمد بن فريد البوشنج، قال: حدثني الزبير بن بكار، قال: أخبرني سفيان بن عيينة، قال: حدثني أبوقلابة، عن أيوب السختياني، قال:

كُنْتُ أَطُوفُ بِالْبَيْتِ، فَاسْتَقْبَلَنِي فِي الطَّوافِ أَنَسِ بْنِ مالِكٍ، فَقالَ لِي: أَلا أُبَشِّرُكَ بِشَيْءٍ تَفْرَحُ بِهِ؟

فَقُلْتُ لَهُ: بَلىٰ.

فَقالَ: كُنْتُ واقِفاً بَيْنَ يَدَيِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله في مَسْجِدِ الْمَدِينَةِ وَ هُوَ قاعِدٌ فِي الرَّوْضَةِ، فَقالَ لِي:

«أَسْرِعْ وَ ائْتِنِي بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طالِبٍ علیه السلام».

فَذَهَبْتُ، فَإِذا عَلِيٌّ وَ فاطِمَةُ علیهما السلام، فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله يَدْعُوكَ.

فَجاءَ فِي الْحالِ وَ كُنْتُ مَعَهُ، فَسَلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فَقالَ لَهُ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: «يا عَلِيُّ سَلِّمْ عَلىٰ جَبْرَئِيلَ».

فَقالَ عَلِيٌّ علیه السلام: «اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا جَبْرَئِيلُ».

فَرَدَّ عَلَيْهِ جَبْرَئِيلُ السَّلامَ.

فَقالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: «إِنَّ جَبْرَئِيلَ علیه السلام يَقُولُ: إِنَّ اللهَ تَعالىٰ يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلامُ وَ يَقُولُ: طُوبىٰ لَكَ وَ لِشِيعَتِكَ وَ لِمُحِبِّيكَ، وَ الْوَيْلُ ثُمَّ الْوَيْلُ لِمُبْغِضِيكَ، إِذا كانَ يَوْمُ الْقِيامَةِ نادىٰ مُنادٍ مِنْ بَطْنانِ

الْعَرْشِ : أيُّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ ؟

فَيَرْفَعُ بِكُما إلَى السَّماءِ السّابِعَةِ حَتّىٰ تَوَقَّفا بَيْنَ يَدَي اللهِ ، فَيَقُولُ اللهُ لِنَبِيِّهِ ﷺ : أوْرِدْ عَلِيّاً الْحَوْضَ ، وَ هٰذَا الْكَأْسُ أعْطِهِ حَتّىٰ يُسْقِيَ مُحِبّيهِ وَ شيعَتِهِ ، وَ لا يُسْقِي أحَداً مِنْ مُبْغِضيهِ ، وَ يَأمُرُ لِمُحِبّيهِ أنْ يُحاسَبُوا حِساباً يَسيراً وَ يَأمُرُ بِهِمْ إلَى الْجَنَّةِ »[۱].

۱ : بحارالأنوار: ۲۷، ۱۱۷، ح ۹۷ – غاية المرام: ۵۸۶، ح ۵۶.

فضیلت هفتاد و نهم

ایّوب سجستانی می‌گوید: در حال طواف خانه‌ی خدا بودم، که در بین طواف، انس بن مالک نزد من آمد و گفت: آیا به تو بشارتی بدهم تا به آن شاد شوی؟ گفتم: آری. گفت: پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسجد مدینه در روضه (منوّره) نشسته بودند و من در مقابل ایشان، در این هنگام فرمودند:

با سرعت نزد علیّ بن ابی‌طالب علیه‌السلام برو و او را نزد من بیاور.

پس من به خانه‌ی علی علیه‌السلام رفتم و با علی و فاطمه علیهماالسلام روبرو شدم. به علی علیه‌السلام عرض کردم: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله شما را می‌خواند، ایشان به سرعت به راه افتادند، من نیز به دنبال ایشان، (هنگامی که به پیامبر رسیدند) سلام کردند، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: ای علی علیه‌السلام! به جبرئیل علیه‌السلام سلام کن.

علی علیه‌السلام فرمود: سلام بر تو ای جبرئیل!

جبرئیل علیه‌السلام نیز جواب سلام آن حضرت را داد.

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله (خطاب به مولا علی علیه‌السلام) فرمودند: جبرئیل علیه‌السلام می‌گوید: همانا خداوند متعال به شما سلام می‌رساند و می‌فرماید: خوشا به حال شما و شیعیان و محبّین شما، و وای و باز هم وای بر دشمنان شما.

هنگامی که روز قیامت فرارسد، منادی از دل عرش الهی ندا سردهد: کجا هستند محمّد و علی علیهماالسلام؟ در این هنگام شما را تا آسمان هفتم بالا برند (و به جایی روید) که در مقابل پروردگار توقّف کنید.

خداوند به پیامبرش صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: علی علیه‌السلام را بر حوض (کوثر) وارد کن، و این جام را به او عطا کن تا محبّین و شیعیانش را سیراب کند و احدی از دشمنانش را سیراب نکند و امر کند تا (محبّینش) به آسانی حساب رسی شوند و همچنین امر می‌کند آنها به سوی بهشت روند.

المَنقَبَةُ الثَّمانُونَ

أخبرنا أحمد بن محمّد بن سعيد، عن الحسين بن محفوظ، قال: حدثنا أحمد بن إسحاق، قال: حدثني الظريف بن عبد السّلام بصنعاء اليمن، قال: حدثني عبدالرزاق، عن معمّر، عن الزهري، قال: حدثني أبوبكر عبدالله بن عبدالرحمن، قال: سمعت عثمان بن عفان، قال: سمعت عمر بن الخطّاب، قال: سمعت أبابكر بن أبي‌قحافة، يقول:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله یَقُولُ: «إِنَّ اللهَ تَبارَكَ وَ تَعالىٰ خَلَقَ مِنْ نُورِ وَجْهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي‌طالِبٍ علیه السلام مَلائِكَةً يُسَبِّحُونَ وَ يُقَدِّسُونَ وَ يَكْتُبُونَ ثَوابَ ذٰلِكَ لِمُحِبِّيهِ وَ مُحِبِّي وُلْدِهِ علیهم السلام»[1].

فضیلت هشتادم

عثمان بن عفّان می‌گوید: عمربن خطّاب از ابوبکر نقل می‌کرد که:

شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمودند:

همانا خداوند تبارک و تعالی از نور صورت علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام فرشتگانی خلق نموده که (همیشه) تسبیح و تقدیس الهی کنند و ثواب آن را برای دوستان علی علیه السلام و دوستان فرزندان آن حضرت علیهم السلام بنویسند.

۱: بحارالأنوار: ۲۷، ۱۱۸، ح ۹۸ - غایة المرام: ۸، ح ۱۹ - مدینة المعاجز: ۱۸۸، ح ۵۱۵ مقتل الحسین علیه السلام «خوارزمی»: ۱، ۹۷ - مصباح الأنوار: ۲۹۷ (خطی) - جامع الأخبار: ۲۱۲ بحارالأنوار: ۴۰، ۱۲۵، ح ۱۶.

اَلْمَنْقَبَةُ الْحادِيَةُ وَ الثَّمانُونَ

حدثني قاضي القضاة أبوعبدالله الحسين بن هارون الضبي رحمه الله، قال: حدثني أحمد بن محمد، قال: حدثني علي بن الحسن، عن أبيه، قال: حدثني علي بن موسى، عن أبيه، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن علي بن الحسين، عن أبيه عليهم السلام، قال:

قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: «سَتَكُونُ بَعْدي فِتْنَةٌ مُظْلِمَةٌ، اَلنّاجي مِنْها مَنْ تَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقىٰ».

فَقيلَ: يا رَسُولَ اللهِ! وَ مَا الْعُرْوَةُ الْوُثْقىٰ؟

قالَ صلى الله عليه وآله: «وِلايَةُ سَيِّدِ الْوَصِيّينَ».

قيلَ: يا رَسُولَ اللهِ! وَ مَنْ سَيِّدُ الْوَصِيّينَ؟

قالَ صلى الله عليه وآله: «أَميرُالْمُؤْمِنينَ».

قيلَ: يا رَسُولَ اللهِ! وَ مَنْ أَميرُالْمُؤْمِنينَ؟

قالَ صلى الله عليه وآله: «مَوْلَى الْمُسْلِمينَ وَ إمامُهُمْ بَعْدي».

قيلَ: يا رَسُولَ اللهِ! وَ مَنْ مَوْلَى الْمُسْلِمينَ وَ إمامُهُمْ بَعْدَكَ؟

قالَ صلى الله عليه وآله: «أخي عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِبٍ عليه السلام»[1].

۱: بحارالأنوار: ۳۶، ۲۰، ح ۱۶ – اليقين: ۶۲ – البرهان: ۱، ۲۴۴، ح ۱۱، غاية المرام: ۱۹، ح ۲۰.

فضیلت هشتاد و یکم

حضرت علیّ بن موسی الرّضا علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیهم السلام از حضرت سیّدالشّهدا علیه السلام نقل می‌فرمایند : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند :

به زودی بعد از من فتنه‌ای تاریک (در امت من) به وجود می‌آید ، گروهی که به ریسمان الهی چنگ بزنند ، از آن فتنه نجات می‌یابند.

از آن حضرت پرسیدند : ای رسول خدا ! آن ریسمان الهی چیست ؟

فرمودند : ولایت سرور و آقای اوصیا .

گروهی سؤال کردند : سرور و آقای اوصیا کیست ؟

آن حضرت فرمودند : امیر مؤمنان است .

عرضه داشتند: ای رسول خدا ! امیرمؤمنان کیست ؟

فرمودند: او مولای مسلمانان و پیشوای آنان، بعد از من است .

عرض کردند : ای رسول خدا ! مولا و پیشوای مسلمانان بعد از شما کیست ؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند : برادرم علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام .

اَلْمَنْقَبَةُ الثّانِيَةُ وَ الثَّمانُونَ

حدثنا الحسين بن محمد بن مهران الدامغاني من كتابه، قال: حدثني محمد ابن عبدالله بن نصر، قال: حدثني عبدالله بن المبارك الدينوري، قال: حدثني الحسن بن علي، قال: حدثني محمد بن عبدالله بن مروة، قال: حدثني يوسف بن بلال، قال: حدثني محمد بن مروان، قال: حدثني السائب، عن أبي صالح، عن ابن عباس، قال:

قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: «لَمّا عُرِجَ بي إلَى السَّماءِ، اِنْتَهىٰ بِيَ الْمَسيرُ مَعَ جَبْرَئيلَ إلَى السَّماءِ الرّابِعَةِ، فَرَأَيْتُ بَيْتاً مِنْ ياقُوتٍ أَحْمَرَ.

فَقالَ لي جَبْرَئيلُ: يا مُحَمَّدُ! هٰذا هُوَ الْبَيْتُ الْمَعْمُورُ، خَلَقَهُ اللهُ تَعالىٰ قَبْلَ خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرَضينَ بِخَمْسينَ أَلْفَ عامٍ، قُمْ يا مُحَمَّدُ! فَصَلِّ إلَيْهِ.

قالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: ثُمَّ أَمَرَ اللهُ تَعالىٰ حَتَّى اجْتَمَعَ جَميعُ الرُّسُلِ وَ الْأَنْبِياءِ، فَصَفَّهُمْ جَبْرَئيلُ عليه السلام وَرائي صَفّاً، فَصَلَّيْتُ بِهِمْ، فَلَمّا فَرَغْتُ مِنَ الصَّلاةِ أَتاني آتٍ مِنْ عِنْدِ رَبّي، فَقالَ لي: يا مُحَمَّدُ! رَبُّكَ يُقْرِئُكَ السَّلامَ وَ يَقُولُ لَكَ: سَلِ الرُّسُلَ عَلىٰ ماذا أَرْسَلْتُهُمْ مِنْ قَبْلِكَ؟

فَقُلْتُ: مَعاشِرَ الرُّسُلِ! عَلىٰ ماذا بَعَثَكُمْ رَبّي قَبْلي؟

فَقالَتِ الرُّسُلُ: عَلىٰ وِلايَتِكَ وَ وِلايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ عليهما السلام.

وَ هُوَ قَوْلُهُ تَعالىٰ: ﴿وَ سْئَلْ مَنْ أَرْسَلْنا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنا﴾[1]»[2].

۱: سوره زخرف: آیه ۴۵.

۲: بحارالأنوار: ۲۶، ۳۰۷، ح ۶۹ - غاية المرام: ۲۰۷، ح ۱۴ و به اختصار در مصباح الأنوار: ۸۷ (خطی) به نقل از ابن عباس.

فضیلت هشتاد و دوّم

ابن عبّاس می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

هنگامی که (شب معراج) مرا به آسمان بردند، با جبرئیل علیه السلام به آسمان چهارم رفتیم، در آنجا قصری از یاقوت قرمز دیدم.

جبرئیل علیه السلام به من عرض کرد: ای محمّد! این بیت المعمور است که خداوند تعالی آن را پنجاه هزار سال قبل از خلقت آسمان‌ها و زمین خلق نموده است.

ای محمّد! برخیز و به طرف آن نماز بخوان.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: در این هنگام خداوند تعالی به همه‌ی رسولان و پیامبران علیهم السلام امر فرمود، جمع شوند و جبرئیل علیه السلام آنها را در صفّی پشت سر من قرار داد و من با آنها نماز خواندم.

وقتی از نماز فارغ شدم، فرشته‌ای از جانب پروردگارم نزد من آمد و عرض کرد: ای محمّد! پروردگارت به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: از رسولان سؤال کن (من) برای چه چیزی آنها را قبل از تو فرستادم؟

گفتم: ای رسولان! بر چه امری پروردگارم شما را قبل از من مبعوث فرمود؟

پیامبران علیهم السلام همگی جواب دادند: ما برای (ابلاغ) نبوّت تو و ولایت علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام مبعوث شدیم.

به همین مطلب، این آیه از قرآن اشاره می‌فرماید: ﴿ای رسول! از رسولانی که پیش از تو فرستادیم، سؤال کن﴾.

اَلْمَنْقَبَةُ الثّالِثَةُ وَ الثَّمانُونَ

حدثنا أبومحمد عبدالله بن الحسين الشيخ الصالح رحمه الله قال: حدثنا محمد بن علي الأمرج، قال: حدثني محمد بن الحسين بن عبدالوهاب، قال: حدثني علي بن الحسين، قال: حدثني الربيع بن يزيد الرقاشي، عن أنس بن مالك، قال:

قٰالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه وآله : «إِذٰا كٰانَ يَوْمَ الْقِيٰامَةِ يُنٰادىٰ عَلِيُّ بْنُ أَبي طٰالِبٍ علیه السلام بِسَبْعَةِ أَسْماءٍ ، أَوَّلُهٰا : يٰا صِدّيقُ ، يٰا دٰالُّ ، يٰا عٰابِدُ ، يٰا هٰادِيُّ ، يٰا مَهْدِيُّ ، يٰا فَتىٰ ، يٰا عَلِيُّ ، مُرْ أَنْتَ وَ شيعَتُكَ إِلَى الْجَنَّةِ بِغَيْرِ حِسٰابٍ »[1].

فضیلت هشتاد و سوّم

انس بن مالک نقل می‌کند : پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمودند :

هنگامی که روز قیامت فرا رسد ، علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام را به هفت اسم ندا کنند: اوّلین اسم : « ای درست کردار و راست گفتار » است (و سپس) « ای دلالت کننده (راهنما) » ، « ای عبادت پیشه » ، « ای هدایت کننده » ، « ای هدایت شده » ، « ای جوانمرد » ، « ای علی » ؛ (سپس خطاب می‌شود :) تو و شیعیانت بدون حساب وارد بهشت شوید .

---

۱ : غاية المرام: ۵۸۷، ح ۸۸ - المناقب«خوارزمی»: ۲۲۸ به اسناد ابن شاذان - غاية المرام: ۵۸۳، ح ۴۹ - مصباح الأنوار: ۹۵ (خطی) - احقاق الحق: ۴، ۲۹۹.

اَلْمَنْقَبَةُ الرّابِعَةُ وَالثَّمانونَ

حدثني محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن مطر الشيباني، و حدثني قال: حدثني عبدالله بن سعيد، و حدثني مؤمّل بن أهاب و حدثني قال: حدثني عبدالرزاق و حدثني قال: حدثني معمّر و حدثني قال: حدثني الزهري و حدثني قال: حدثني عروة و حدثني قال: حدثتني عائشة، قالت:

دَخَلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طالِبٍ عليه السلام عَلىٰ أَبِي في مَرَضِهِ الَّذي قَبَضَهُ اللهُ تَعالىٰ فيهِ ، فَجَعَلَ أَبِي يَنْظُرُ إِلَيْهِ فَما يَزيغُ بَصَرُهُ عَنْهُ .

فَلَمّا خَرَجَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طالِبٍ عليه السلام ، قُلْتُ : يا أَبَه ! رَأَيْتُكَ تَنْظُرُ إِلىٰ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طالِبٍ عليه السلام فَما تَزيغُ بَصَرُكَ عَنْهُ !

قالَ : يا بُنَيَّةَ ! قَدْ فَعَلْتُ هٰذا لِأَنّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ :

« اَلنَّظَرُ إِلىٰ وَجْهِ عَلِيٍّ عِبادَةٌ »[1].

فضیلت هشتاد و چهارم

عایشه می‌گوید : علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام در روزهای آخر عمر پدرم (ابوبکر) به خانه‌ی او آمد و من دیدم که پدرم به او نگاه می‌کند و چشم از او برنمی دارد .

چون علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام از خانه خارج شد ، گفتم : ای پدر ! من امروز دیدم که دائماً به علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام نگاه می‌کردی و چشم از او بر نمی‌داشتی .

گفت : ای دخترم ! من این عمل را به خاطر فرمایش رسول خدا صلى الله عليه وآله انجام دادم ، که فرمود :

« نگاه کردن به صورت علی علیه السلام عبادت است » .

---

۱ : بحارالأنوار: ۲۶، ۲۲۹، ح ۱۱ - غایة المرام: ۶۲۷، ح ۲۱ این حدیث به طریق‌های گوناگونی از مجموعه‌ی اصحاب و راویان حدیث نقل شده است.

اَلْمَنْقَبَةُ الْخامِسَةُ وَ الثَّمانُونَ

حدثنا جعفر بن محمد بن قولويه رحمه الله، قال: حدثني علي بن الحسن النحوي، قال: حدثني أحمد بن محمد، قال: حدثني منصور بن أبي العباس، قال: حدثني علي بن أسباط، عن الحكم بن بهلول، قال: حدثني أبوهمام، قال: حدثني عبدالله بن أذينة، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن علي بن الحسين، عن أبيه عليهم السلام، قال:

قامَ عُمَرُ بْنُ الْخَطّابِ إلىٰ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فَقالَ: إنَّكَ لا تَزالُ تَقُولُ لِعَلِيٍّ: أَنْتَ مِنّي بِمَنْزِلَةِ هارُونَ مِنْ مُوسىٰ وَ قَدْ ذَكَرَ اللهُ هارُونَ فِي الْقُرْآنِ وَ لَمْ يَذْكُرْ عَلِيّاً!

فَقالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: «يا غَلِيظُ! يا أعْرابِي! أما تَسْمَعُ قَوْلَ اللهِ تَعالىٰ: ﴿هٰذا صِراطٌ عَلِيٍّ مُسْتَقِيمٌ﴾[1]»[2].

فضیلت هشتاد و پنجم

حضرت امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیهم السلام، از اباعبدالله الحسین علیه السلام نقل می‌فرمایند:

(روزی) عمربن خطّاب بلند شد و به رسول خدا صلی الله علیه وآله عرض کرد: همانا مکرّر در مورد علی علیه السلام فرموده ای: تو برای من به منزله‌ی هارونی نسبت به موسی علیه السلام. و حال آنکه خداوند نام هارون را در قرآن ذکر فرموده ولی اسمی از علی علیه السلام در قرآن ذکر نکرده؟

پس پیامبر صلی الله علیه وآله فرمودند: ای خشن! ای بی سواد! آیا نشنیده‌ای فرموده‌ی خداوند تعالی را در قرآن: ﴿هٰذا صِراطٌ عَلِيٍّ مُسْتَقِيمٌ﴾.

۱: سوره حجر: آیه ۴۱.

۲: غایة المرام: ۱۱۹، ح ۷۵ - بحارالأنوار: ۳۵، ۵۸ ضمن ح ۱۲ به نقل از مناقب ابن شهرآشوب: ۲، ۳۰۲.

اَلْمَنْقَبَةُ السّادِسَةُ وَالثَّمانُونَ

حدثنا محمد بن علي بن سكر رضي الله عنه قال: حدثنا محمد بن القاسم، قال: حدثني عبّاد بن يعقوب، قال: أخبرنا شريك، عن الركين بن الربيع، عن القاسم بن حسان، عن زيد بن ثابت، قال:

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: « إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمُ الثَّقَلَيْنِ : كِتَابُ اللهِ وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي‌طَالِبٍ عليه السلام وَ اعْلَمُوا أَنَّ عَلِيّاً لَكُمْ أَفْضَلُ مِنْ كِتَابِ اللهِ ، لِأَنَّهُ مُتَرْجِمٌ لَكُمْ عَنْ كِتَابِ اللهِ تَعَالَى »[1].

فضیلت هشتاد و ششم

زید بن ثابت می‌گوید: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند :

همانا من در بین شما دو امانت گران بها باقی می‌گذارم : کتاب خدا و علیّ بن ابی‌طالب عليه السلام را ، و بدانید که علی عليه السلام برای شما از قرآن برتر است ، زیرا او برای شما کتاب خدا را ترجمه (شرح و تفسیر) می‌کند .

(یعنی شما بدون او نمی‌توانید از قرآن کوچکترین استفاده ای بکنید .)

۱ : غایة المرام: ۲۱۴، ح ۲۰ – البرهان: ۱، ۲۸، ح ۱۵. ارشاد القلوب «دیلمی»: ۳۷۸.





اَلْمَنْقَبَةُ السّابِعَةُ وَ الثَّمانُونَ

حدثنا القاضي أبوالفرج المعافي بن زكريا في جامع الرصافة، عن محمد بن علي بن عبدالحميد بن زيار بن يحيى القرشي، عن عبدالرزاق، قال: أخبرني صدقة العبدي، قال: أخبرني زاذان، عن سلمان، قال:

أَتَيْتُ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ ، ثُمَّ دَخَلْتُ عَلىٰ فاطِمَةَ علیها السلام فَسَلَّمْتُ عَلَيْها ، فَقالَتْ : « يا أَباعَبْدِاللهِ ! هٰذانِ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ جائِعانِ يَبْكِيانِ ، خُذْ بِأَيْدِيهِما فَاخْرُجْ بِهِما إِلىٰ جَدِّهِما » .

فَأَخَذْتُ بِأَيْدِيهِما وَ حَمَلْتُهُما ، حَتّىٰ أَتَيْتُ بِهِما إِلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فَقالَ : « ما لَكُما يا حَبِيباي ؟ » .

قالا : « نَشْتَهِي طَعاماً يا رَسُولَ اللهِ » .

فَقالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله : « اَللّٰهُمَّ أَطْعِمْهُما » ثَلاثاً .

قالَ : فَنَظَرْتُ ، فَإِذا سَفَرْجَلَةٌ فِي يَدِ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله شَبِيهَةٌ بِقُلَّةٍ مِنْ قِلالِ هَجَرَ ، أَشَدُّ بَياضاً مِنَ اللَّبَنِ ، وَ أَحْلىٰ مِنَ الْعَسَلِ ، وَ أَلْيَنُ مِنَ الزُّبْدِ ، فَفَرَكَها صلی الله علیه و آله بِإِبْهامِهِ ، فَصَيَّرَها نِصْفَيْنِ ، ثُمَّ دَفَعَ نِصْفَها إِلَى الْحَسَنِ وَ إِلَى الْحُسَيْنِ نِصْفَها ، فَجَعَلْتُ أَنْظُرُ إِلَى النِّصْفَيْنِ فِي أَيْدِيهِما وَ أَنَا أَشْتَهِيها ، فَقالَ لِي: « يا سَلْمانُ ! أَتَشْتَهِيها ؟ » .

فَقُلْتُ : نَعَمْ يا رَسُولَ اللهِ .

قالَ : « يا سَلْمانُ ! هٰذا طَعامٌ مِنَ الْجَنَّةِ لا يَأْكُلُهُ أَحَدٌ حَتّىٰ يَنْجُوَ مِنَ النّارِ وَ الْحِسابِ وَ إِنَّكَ لَعَلىٰ خَيْرٍ »[1].

---

۱ : مدينة المعاجز: ۲۱۶، ح ۶۰ - بحارالأنوار: ۴۳، ۳۰۸ ضمن ح ۷۲ العوالم: ۱۶، ۶۲

فضیلت هشتاد و هفتم

سلمان نقل می‌کند: روزی خدمت رسول خدا ﷺ رفتم و سلام نمودم، پس از آن، خدمت فاطمه ؑ رسیدم و سلام کردم؛ فاطمه ؑ فرمود: ای اباعبدالله! حسن و حسین ؑ گرسنه‌اند و (از شدّت گرسنگی) گریه می‌کنند، دست آنها را بگیر و خدمت جدّشان (پیامبر ﷺ) ببر.

سلمان می‌گوید: دست آن دو بزرگوار را گرفتم و آنها را خدمت پیامبر ﷺ بردم.

(پیامبر ﷺ خدا که آنها را در این حال دیدند) فرمودند: ای عزیزان من، شما را چه می‌شود؟

عرض کردند: یا رسول الله! گرسنه‌ایم، غذا می‌خواهیم.

در این هنگام پیامبر خدا ﷺ سه مرتبه فرمودند: خداوندا آنها را اطعام فرما.

سلمان می‌گوید: ناگهان یک گلابی در دست رسول خدا ﷺ ظاهر شد! که به قلّه‌ای از قلّه‌های هجر[1] که سفیدتر از شیر و شیرین‌تر از عسل و نرم‌تر از کره بود، شبیه بود.

پس رسول خدا ﷺ پوست آن را با انگشت جدا نمودند و آن را دو نیم

ضمن ح ۲ - مقتل الحسین ؑ «خوارزمی»: ۱، ۹۷ به اسناد ابن شاذان.

۱: هجر: نام روستایی در نزدیکی مدینه، که قلّات آن معروف بوده است.

کردند، نیمی از آن را به حسن علیه السلام و نیم دیگر را به حسین علیه السلام دادند، من نیز همین‌طور به آن دو نیمه که در دست آن بزرگواران بود، نگاه می‌کردم و دلم می‌خواست پیامبر صلی الله علیه و آله از آن گلابی به من هم عنایت بفرمایند.

آن حضرت فرمودند: ای سلمان! آیا میل داری؟

عرض کردم: آری ای رسول خدا!

فرمودند: ای سلمان! این طعامی از بهشت بود و کسی آن را نمی‌خورد، مگر اینکه از جهنّم و حساب (روز قیامت) نجات می‌یابد، تو نیز بر خیر می‌باشی. (تو نیز اهل نجاتی.)

اَلْمَنْقَبَةُ الثّامِنَةُ وَ الثَّمانُونَ

حدثنا أبوسهل محمود بن عمر بن محمود العكري،عن محمد بن عمر، قال: حدثني يوسف بن يعقوب، قال: حدثني سلم بن إبراهيم، قال: حدثني هشام الدستوائي، قال: حدثني يحيى بن أبي‌كثير، عن أبي‌سلمة عن أبي‌هريرة، قال:

قـالَ رَسُـولُ اللهِ صلى الله عليه وآله : « إنَّ اللهَ خَـلَقَ فِي السَّماءِ الرّابِـعَةِ مِـائَةَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ فِي السَّماءِ الْخَامِسَةِ ثَلاثَمِائَةَ مَلَكٍ وَ خَلَقَ فِي السَّماءِ السَّـابِعَةِ مَـلَكاً رَأسَـهُ تَحْتَ الْعَـرْشِ وَ رِجْـلاهُ تَحْتَ الثَّرىٰ ، وَ مَلائِكَةٌ أَكْثَرُ مِنْ رَبِيعَةٍ وَ مَضَرٍ ، لَيْسَ لَهُمْ طَعامٌ وَ لا شَرابٌ إلَّا الصَّلاةَ عَلىٰ أَميرِالْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي‌طالِبٍ عليه السلام وَ مُحِبِّيهِ ، وَ الْإسْتِغْفارَ لِشيعَتِهِ الْمُذْنِبِينَ وَ مَوالِيهِ »[1].

۱: بحارالأنوار: ۲۶، ۳۴۹، ح ۲۲ - غاية المرام: ۱۹، ح ۲۱ - الأربعين«منتجب الدين»: ح ۹.

فضیلت هشتاد و هشتم

ابوهریره می‌گوید: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند:

همانا خداوند در آسمان چهارم یکصد هزار فرشته و در آسمان پنجم سیصد هزار فرشته، خلق نموده است.

و در آسمان هفتم فرشته‌ای خلق نموده که سر او زیر عرش الهی و پاهایش زیر زمین است، و فرشتگانی که تعداد آنها از افراد ربیعه و مضر [1] بیشتر است. (این فرشتگانی که اوصاف و تعدادشان ذکر شد) نه غذا می‌خورند و نه آبی می‌نوشند، (بلکه خوراک آنها) درود و صلوات فرستادن بر امیرمؤمنان علیّ بن ابی‌طالب عليه السلام و دوستان آن حضرت است (و آنها همیشه) برای شیعیان گنهکار و دوستان آن حضرت، استغفار می‌کنند.

۱: ربیعه و مضر، نام دو قبیله از قبایل معروف و پرجمعیّت آن زمان بوده است.

اَلْمَنْقَبَةُ التّاسِعَةُ وَ الثَّمانُونَ

حدثني أحمد بن محمد بن موسى بن مروة، قال: حدثني محمد بن عثمان المذّل، قال: حدثني محمد بن عبدالملك، عن يزيد بن هارون، عن حماد بن سلمة، عن ثابت، عن أنس بن مالك، قال:

رَأَيْتُ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله فِي الْمَنامِ ، فَقالَ لي : « يا أَنَسُ ! ما حَمَلَكَ عَلىٰ أَنْ لا تُؤَدّي ما سَمِعْتَ مِنّي في عَلِيِّ بْنِ أَبيطالِبٍ علیه السلام حَتّىٰ أَدْرَكَتْ الْعُقُوبَةَ ؟ ! وَ لَوْلا اِسْتِغْفارُ عَلِيٍّ علیه السلام لَكَ ما شَمَمْتَ رائِحَةَ الْجَنَّةَ أَبَداً ! وَ لٰكِنْ أَنْشُرْ في بَقِيَّةِ عُمْرِكَ أَنَّ عَلِيّاً علیه السلام وَ ذُرِّيَّتَهُ وَ مُحِبّيهِمْ اَلسّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ إِلىٰ الْجَنَّةِ وَ هُمْ جيرانُ أَوْلِياءِ اللهِ وَ أَوْلِياءُ اللهِ حَمْزَةُ وَ جَعْفَرُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ .

وَ أَمّا عَلِيٌّ ؛ فَهُوَ الصِّدّيقُ الْأَكْبَرُ ، لا يَخْشىٰ يَوْمَ الْقِيامَةِ مَنْ أَحَبَّهُ »[1].

---

۱ : المناقب: ۳۲ و مقتل الحسين علیه السلام «خوارزمی»: ۱، ۴۰ – کشف الغمة: ۱، ۱۰۴ – غاية المرام: ۵۸۰، ح ۲۷ – مدينة المعاجز: ۵۱، ذ ح ۱۰۳ – مصباح الأنوار: ۱۳۷ (خطی) – بحارالأنوار: ۶۸، ۴۰، ح ۸۴.

فضیلت هشتاد و نهم

انس بن مالک می‌گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم که به من فرمودند: ای انس! چه چیزی تو را بر آن داشت که به مردم نرساندی آنچه از من شنیده بودی در فضائل علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام، تا این که به عقوبت و غضب الهی گرفتار شدی؟

اگر علی علیه السلام برای تو استغفار نکرده بود، هرگز بوی بهشت به مشامت نمی‌رسید!

اکنون در باقی‌مانده‌ی عمرت این مطلب را منتشر کن که علی علیه السلام و ذریّه‌ی او علیهم السلام و دوستانش، قبل از همه خلائق، اوّلین کسانی هستند که به بهشت داخل می‌شوند و ایشان با اولیای خدا همسایه می‌باشند، - منظور از اولیای خدا، حمزه و جعفر و حسن و حسین می‌باشند -.

و امّا علی علیه السلام، پس اوست بزرگترین راستگو، و هر کس او را دوست داشته باشد در روز قیامت ترس و وحشتی ندارد.

المنقبة التسعون

حدثني أبوالحسن عليّ بن محمد علوية السّيد؛ قال: حدثني أبوعبدالله محمد ابن أحمد، قال: حدثني حمدان بن يحيى، قال: حدثني محمد بن صدقة، قال: حدثني موسى بن جعفر، عن أبيه، عن محمد بن عليّ، عن أبيه، عن الحسين بن عليّ، قال:

قالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: «إنَّ اللهَ تَعالىٰ لَمّا خَلَقَ جَنَّةَ عَدْنٍ قالَ لَها: «تَزَيَّني» فَتَزَيَّنَتْ وَ ماسَتْ. فَقالَ لَها: «قَرّي، فَوَعِزَّتي وَ جَلالي ما خَلَقْتُكِ إلّا لِلْمُؤْمِنينَ، فَطُوبىٰ لَكَ وَ لِساكِنيكِ».

ثُمَّ قالَ: «يا عَلِيُّ! ما خَلَقْتُ جَنَّةَ عَدْنٍ إلّا لَكَ وَ لِشيعَتِكَ»[1].

فضیلت نودم

حضرت موسی بن جعفر از پدران بزرگوارشان از حضرت سیّدالشهدا نقل می‌فرمایند: رسول خدا فرمودند: هنگامی که خداوند متعال بهشت جاوید را خلق نمود، خطاب به آن فرمود: خودت را زینت و آراسته کن، (به امر پروردگار، بهشت) مزیّن شد و ناز و نخوت و تکبّر نمود، در این هنگام خداوند به بهشت فرمود: آرام و قرار بگیر، به عزّت و جلالم قسم که تو را خلق نکردم، مگر برای مؤمنین، پس خوشا به حال تو و ساکنین تو.

سپس رسول خدا فرمودند: ای علی! بهشت جاوید خلق نشد، مگر برای شما و شیعیانتان.

۱: غایة المرام: ۵۸۷، ح ۹۰.

اَلْمَنْقَبَةُ الْحادِيَةُ وَالتِّسْعُونَ

حدثني أبومحمد الحسين الفارسي البيع رحمه الله قال: حدثني أحمد بن محمد، قال: حدثني محمد بن منصور، قال: حدثني محمد بن إسماعيل، قال: حدثني وكيع، عن سفيان، عن أشعب، عن عكرمة، عن ابن عباس، قال:

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله في عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام كَلِمَةً لَوْ قَالَهَا لِي كَانَتْ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ!

قَالُوا: وَ مَا قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله في عَلِيٍّ عليه السلام؟

قَالَ: قَالَ لَهُ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: «يَا عَلِيُّ! أَنْتَ مِنِّي وَ أَنَا مِنْكَ، وَ ذُرِّيَّتُكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ، وَ شِيعَتُكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ، يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ قَبْلَ الْأُمَمِ بِخَمْسِمِائَةِ عَامٍ»[1].

فضیلت نود و یکم

ابن‌عبّاس می‌گوید: رسول خدا صلى الله عليه وآله در مورد (فضیلت) علیّ بن ابی‌طالب عليه السلام سخنی فرمودند که اگر آن را برای من می‌فرمود، نزد من از داشتن شتران سرخ موی بهتر بود.

گفتند: آن سخن از پیامبر صلى الله عليه وآله در وصف علی عليه السلام چه بود؟

گفت: رسول خدا صلى الله عليه وآله به او فرمودند:

ای علی! شما از من، و من از شما می‌باشم، و فرزندان شما از ما (از من و شما) و ما از آنان می‌باشیم، همچنین شیعه‌ی شما از ما، و ما از آنان هستیم، و آنان پانصدسال قبل از امّت‌های دیگر داخل بهشت می‌شوند.

۱: غایة المرام: ۴۵۹، ح ۳۵.

اَلْمَنْقَبَةُ الثَّانِيَةُ وَ التِّسْعُونَ

حدثني إبراهيم بن الذاري الخياط رحمه الله، قال: حدثني أحمد بن محمد بن سعيد الرقا البغدادي في طريق مكّة، قال: حدثني أحمد بن عليل، قال: حدثني عبدالله بن داود الأنصاري، عن موسى بن عليّ القرشي، قال: حدثني قنبر بن أحمد بن قنبر مولى عليّ بن أبي طالب عليه السلام عن أبيه، عن جدّه، قال: حدثني كعب بن نوفل، عن بلال بن حمامة، قال:

طَلَعَ عَلَيْنَا النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله ذَاتَ يَوْمٍ وَ وَجْهُهُ مُشْرِقٌ كَدَارَةِ قَمَرٍ، فَقَامَ إِلَيْهِ عَبْدُالرَّحْمٰنِ بْنِ عُوفٍ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ مَا هٰذَا النُّورُ؟

فَقَالَ: «بِشَارَةٌ أَتَتْنِي مِنْ عِنْدِ رَبِّي فِي أَخِي وَ ابْنِ عَمِّي وَ ابْنَتِي وَ إِنَّ اللهَ تَعَالىٰ قَدْ زَوَّجَ عَلِيّاً عليه السلام بِفَاطِمَةَ، وَ أَمَرَ رِضْوَانَ خَازِنَ الْجَنَّةِ فَهَزَّ شَجَرَةَ طُوبىٰ فَحَمَلَتْ رِقَاعاً - يَعْنِي صِكَاكاً - بِعَدَدِ مُحِبِّي أَهْلِ بَيْتِي، وَ أَنْشَأَ مِنْ تَحْتِهَا مَلَائِكَةً مِنْ نُورٍ، وَ دَفَعَ إِلىٰ كُلِّ مَلَكٍ صَكّاً، فَإِذَا اسْتَوَتِ الْقِيَامَةُ بِأَهْلِهَا، نَادَتِ الْمَلَائِكَةُ فِي الْخَلَائِقِ: يَا مُحِبُّوا عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، هَلُمُّوا خُذُوا وَدَائِعَكُمْ، فَلَا يَبْقىٰ مُحِبٌّ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ إِلَّا دَفَعَتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَيْهِ صَكّاً فِيهِ فَكَاكُهُ مِنَ النَّارِ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ بِعَوَضِ حُبِّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ فَاطِمَةَ ابْنَتِي وَ أَوْلَادِهِمَا»[1].

۱: بحارالأنوار: ۲۷، ۱۱۷، ح ۹۶ - غاية المرام: ۵۸۶، ح ۸۵ - تاريخ بغداد «خطيب بغدادى»: ۲، ۲۱۰، ح ۱۸۹۷ - اسد الغابة «ابن الأثير»: ۱، ۲۰۶ - الصواعق: ۱۰۳ - الفضائل الخمسة: ۲، ۱۴۷.

فضیلت نود و دوّم

بلال بن حمامه می‌گوید: روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر ما ظاهر شد، در حالی که صورت مبارکش مانند قرص ماه می‌درخشید، در این هنگام عبدالرّحمان بن عوف از جای برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! این چه نوری است که در صورت مبارک شما می‌درخشد؟ آن حضرت فرمودند:

(این نور از اثر) بشارتی است که پروردگارم درباره برادر و پسر عمویم و دخترم علیهما السلام به من عنایت فرموده.

همانا خداوند تعالی تزویج فرمود علی علیه السلام را به فاطمه علیها السلام، و به رضوان، خزانه‌دار بهشت امر فرمود (به مبارکی این ازدواج) درخت طوبی را تکان‌دهد، در این هنگام برگه هایی بر این درخت ظاهر شد(که آن برگه‌ها) به تعداد محبّین اهل بیت من علیهم السلام است، و از زیر آن درخت، فرشتگانی از نور آفرید و به هر فرشته یکی از آن برگه‌ها مرحمت فرمود.

هنگامی که قیامت فرارسد، این فرشتگان در میان بنده‌های خدا ندا کنند: ای محبّین علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام پیش آیید و بگیرید امانتهای خود را. کسی از دوستان ما اهل بیت باقی نمی‌ماند، مگر اینکه ملائکه یکی از آن برگه‌های درخت طوبی را به او می‌دهند، که در آن (حکم) آزادی اوست از آتش جهنّم، و این برگه‌ی آزادی برای هر زن و مردی از محبّین اهل بیت است که به عوض محبّت علیّ بن ابی طالب علیه السلام و دخترم فاطمه علیها السلام و فرزندان آنهاست.

اَلْمَنْقَبَةُ الثّالِثَةُ وَ التِّسْعُونَ

حدثنا أحمد بن الجزاح، قال: حدثني عبدالعزيز بن يحيى الجلودي، قال: حدثنا محمد بن زكريا، قال: حدثني عبدالله بن مسلم، قال: حدثني المفضل بن صالح، قال: حدثني جابر بن يزيد، قال:حدثني زاذان، عن سلمان و ابن عباس قالا:

قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله : دَنَوْتُ مِنْ رَبّي ، فَكُنْتُ مِنْهُ كَقابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنىٰ ، وَ كَلَّمَني بَيْنَ جَبَلَيِ الْعَقيقِ ، ثُمَّ قالَ : « يا أَحْمَدُ ! إِنّي خَلَقْتُكَ وَ عَلِيّاً مِنْ نُوري ، وَ خَلَقْتُ هٰذَيْنِ الْجَبَلَيْنِ مِنْ نُورِ وَجْهِ عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ عليه السلام ، فَوَعِزَّتي وَ جَلالي لَقَدْ خَلَقْتُهُما عَلامَةً بَيْنَ خَلْقي يُعْرَفُ بِهِمَا الْمُؤْمِنُونَ ، وَ لَقَدْ أَقْسَمْتُ بِعِزَّتي عَلىٰ نَفْسي أَنّي حَرَّمْتُ النّارَ عَلَى الْمُتَخَتِّمِ بِالْعَقيقِ إِذا تَوَلّىٰ عَلِيَّ بْنَ أَبي طالِبٍ »[۱].

فضیلت نود و سوّم

از ابن عبّاس و سلمان نقل شده : رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند :

(در شب معراج) به قدری به پروردگارم نزدیک شدم که فاصله‌ی من با او به اندازه‌ی دو کمان ، بلکه کمتر شد ، و خداوند متعال در بین دو کوه عقیق با من سخن گفت ، سپس فرمود : « ای احمد ! تو و علی را از نور خودم خلق کردم و این دو کوه (عقیق) را از نور صورت علیّ بن ابی طالب عليه السلام خلق نمودم ، پس به عزّت و جلالم قسم ، این دو کوه را (به عنوان) نشانه‌ای بین خلق خودم خلق کردم ، تا مؤمنین به واسطه‌ی آن شناخته شوند ، و به عزّتم قسم ، من بر خود واجب کرده ام ، بر کسی که انگشتر عقیق به دست کند و ولایت علیّ بن ابی‌طالب عليه السلام را داشته باشد ، آتش را حرام کنم » .

---

۱ : غاية‌المرام: ۷، ح ۱۳.

اَلْمَنْقَبَةُ الرّابِعَةُ وَالتِّسْعُونَ

حدثنا محمد بن عبدالله بن عبيدالله بن البهلول الوالي رحمه الله، قال: حدثني محمد ابن الحسن، قال: حدثني عيسى بن مهران، قال: حدثني عبيدالله بن موسى، قال: حدثني خالد بن طهمان الخفاف، قال: سمعت سعد بن جنادة العوفي يذكر أنه سمع زيد بن أرقم يقول: أنّه سمع أبا سعيد الخدري يقول:

أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله يَقُولُ: «عَلِيُّ بْنُ أَبِي طالِبٍ سَيِّدُ الْعَرَبِ».

فَقيلَ: أَلَسْتَ أَنْتَ سَيِّدُ الْعَرَبِ؟

فَقالَ: «أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ، عَلِيٌّ سَيِّدُ الْعَرَبِ، مَنْ أَحَبَّهُ وَ تَوَلّاهُ أَحَبَّهُ اللهُ وَ هَداهُ، وَ مَنْ أَبْغَضَهُ وَ عاداهُ أَصَمَّهُ اللهُ وَ أَعْماهُ، عَلِيٌّ حَقُّهُ كَحَقّي، وَ طاعَتُهُ كَطاعَتي، غَيْرَ أَنَّهُ لا نَبِيَّ بَعْدي، مَنْ فارَقَهُ فارَقَني، وَ مَنْ فارَقَني فارَقَ اللهَ، أَنَا مَدينَةُ الْحِكْمَةِ - وَ هِيَ الْجَنَّةُ - وَ عَلِيٌّ بابُها، فَكَيْفَ يَهْتَدي الْمُهْتَدي إِلَى الْجَنَّةِ إِلّا مِنْ بابِها؟!

عَلِيٌّ عليه السلام خَيْرُ الْبَشَرِ، مَنْ أَبى فَقَدْ كَفَرَ»[1].

۱: غاية المرام: ۵۴۳، ح ۶ - به اختصار در امالی صدوق: ۳۱۷، ح ۱۱ - امالی طوسی: ۲، ۴۵، ح ۲۱ - بحارالأنوار: ۳۰، ۲۰۰، ح ۲.

فضیلت نود و چهارم

ابوسعید خدری می‌گوید: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند:

علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام سرور و آقای عرب است، شخصی عرض کرد:

(ای رسول خدا!) آیا شما آقا و سرور عرب نیستید؟

فرمودند: من آقای فرزندان آدم علیه السلام و علی علیه السلام آقای عرب می‌باشد، هر کس او را دوست داشته باشد، و ولایت او را قبول کند، خداوند او را دوست دارد و هدایتش می‌کند و هر کس با او کینه توزی و دشمنی کند، خداوند او را کر و کور نماید.

حقّ علی علیه السلام مانند حقّ من است و اطاعت از او مانند اطاعت از من است، به جز اینکه پس از من پیامبری نیست.

هر کس از او جدا شود، از من جدا شده، و هر کس از من جدا شود، از خدا جدا شده، من شهر حکمت هستم - که شهر حکمت، همان بهشت است - و علی علیه السلام در آن است، پس چگونه غیر از در می‌توان وارد بهشت شد؟

علی علیه السلام بهترین بشر می‌باشد، هر کس منکر شود کافر است.

اَلْمَنْقَبَةُ الْخامِسَةُ وَالتِّسْعُونَ

حدثني القاضي أبومحمد الحسن بن محمد بن موسی، قال: حدثني علي بن ثابت، قال: حدثني حفص بن عمر، قال: حدثني يحيی بن جعفر، قال: حدثني عبدالرحمن ابن إبراهيم، قال: حدثني مالك بن أنس، عن نافع، عن ابن عمر، قال:

قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: «مَنْ أَحَبَّ عَلِيّاً عليه السلام قَبِلَ اللهُ مِنْهُ صَلاتَهُ وَ صِيامَهُ وَ قِيامَهُ وَ اسْتَجابَ دُعاءَهُ.

أَلا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيّاً، أَعْطاهُ اللهُ بِكُلِّ عِرْقٍ في بَدَنِهِ مَدينَةً في الْجَنَّةِ.

أَلا وَ مَنْ أَحَبَّ آلَ مُحَمَّدٍ عليهم السلام، أَمِنَ مِنَ الْحِسابِ وَ الْميزانِ وَ الصِّراطِ.

أَلا وَ مَنْ ماتَ عَلى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام، فَأَنَا كَفيلُهُ بِالْجَنَّةِ مَعَ الْأَنْبِياءِ.

أَلا وَ مَنْ أَبْغَضَ آلَ مُحَمَّدٍ عليهم السلام، جاءَ يَوْمَ الْقِيامَةِ مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ: آيِسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللهِ»[1].

۱: بحارالأنوار: ۲۷، ۱۲۰، ح ۱۰۰ - المناقب: ۳۲ و در مقتل الحسین علیه السلام «خوارزمی»: ۱، ۴۰ به اسناد ابن شاذان - کشف الغمة: ۱، ۱۰۴ - ارشاد القلوب: ۲۳۵ - غاية المرام: ۵۸۰، ح ۲۸ لسان المیزان «عسقلانی»: ۵، ۶۲ - فرائد السمطین: ۲، ۲۵۷، ح ۵۲۶ - بحارالأنوار: ۶۸، ۴۰، ح ۸۴ - احقاق الحق: ۷، ۱۶۱ به نقل از الامرتسری در ارجح المطالب: ۵۲۶ - اعلام الدین: ۲۸۴ (خطی).

فضیلت نود و پنجم

ابن عمر می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

هر کس علی علیه السلام را دوست بدارد، خداوند نماز و روزه و قیام (شب زنده داریهایش) او را قبول، و دعای او را مستجاب نماید.

آگاه باشید! هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد، خداوند به تعداد رگهای بدنش، شهری در بهشت به او عطا فرماید.

آگاه باشید! هر کس آل محمّد علیهم السلام را دوست بدارد، از حساب (روز قیامت) و میزان و پل صراط ایمن شود.

آگاه باشید! هر کس با محبّت آل محمّد علیهم السلام بمیرد، من کفیل او باشم تا همراه انبیا علیهم السلام وارد بهشت شود.

آگاه باشید! هر کس با آل محمّد علیهم السلام کینه توزی کند، روز قیامت در حالی وارد محشر می‌شود که بین دو چشم (پیشانی) او نوشته شده: «نا امید از رحمت الهی».

اَلْمَنْقَبَةُ السّادِسَةُ وَ التِّسْعُونَ

حدثني أبوعبدالله أحمد بن محمد بن أيوب رحمه الله قال: حدثني علي بن محمد بن عيينة بن رويدة، عن بكر بن أحمد، و حدثني أحمد بن محمد بن الجراح، قال: حدثني أحمد بن الفضل الأهوازي، قال: حدثني بكر بن أحمد، قال: حدثني محمد ابن علي التقي، عن أبيه، قال: حدثني موسى بن جعفر، عن أبيه، عن محمد بن علي عن فاطمة بنت الحسين، عن أبيها و عمها الحسن بن علي عليهما السلام قالا:

« حَدَّثَنا أَميرُالْمُؤْمِنينَ عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِبٍ عليه السلام ، قالَ : قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله وسلم : لَمّا دَخَلْتُ الْجَنَّةَ رَأَيْتُ فيها شَجَرَةً تَحْمِلُ الْحُلي وَ الْحُلَلَ ، أَسْفَلُها خَيْلُ بَلَقٍ ، وَ وَسَطُها حُورُ الْعينِ ، وَ في أَعْلاها الرِّضْوانُ .

قُلْتُ : يا جَبْرَئيلُ ! لِمَنْ هٰذِهِ الشَّجَرَةُ ؟

قالَ : هٰذِهِ لِابْنِ عَمِّكَ أَميرِالْمُؤْمِنينَ ؛ إِذا أَمَرَ اللهُ الْخَليقَةَ بِالدُّخُولِ إِلَى الْجَنَّةِ ، يُؤْتىٰ بِشيعَةِ عَلِيٍّ حَتّىٰ يُنْتَهىٰ بِهِمْ إِلىٰ هٰذِهِ الشَّجَرَةِ ، فَيَلْبِسُونَ الْحُلي وَ الْحُلَلَ وَ يَرْكَبُونَ الْخَيْلَ الْبَلَقَ وَ يُنادي مُنادٍ : هٰؤُلاءِ شيعَةُ عَلِيٍّ عليه السلام صَبَرُوا فِي الدُّنْيا عَلَى الْأَذىٰ فَأَكْرِمُوهُمُ الْيَوْمَ »[1].

۱: بحارالأنوار: ۲۷، ۱۲۰، ح ۱۰۱ – غاية‌المرام: ۱۹، ح ۲۲ – اليقين في امرة أميرالمؤمنين عليه السلام: ۶۳ بحارالأنوار: ۸، ۱۳۸، ح ۵۱ به نقل از اليقين – المناقب: ۳۲ و در مقتل الحسين عليه السلام «خوارزمى»: ۱، ۴۰ به اسناد ابن شاذان – مصباح الأنوار: ۶۱ (خطى) اعلام الدين«ديلمى»: ۲۸۵ (خطى).

فضیلت نود و ششم

حضرت جواد الأئمه علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیهم السلام از جناب فاطمه علیها السلام دختر سیّدالشهدا علیه السلام از پدر و عموی گرامی خود علیهما السلام، از مولا امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل می‌فرمایند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

(در شب معراج) هنگامی که مرا وارد بهشت نمودند، درختی را با زیورها و زینت‌های بسیار، مشاهده کردم که در پایین آن، اسب‌های خوش ترکیب و در وسط آن، حورالعین، و بالای آن رضوان، جای داشت؛ به جبرئیل گفتم: این درخت متعلّق به کیست؟

او گفت: این درخت برای پسر عموی شما، امیرمؤمنان علیه السلام است.

وقتی خدای متعال به بندگان امر می‌کند داخل بهشت شوند، شیعیان علی علیه السلام را نزد این درخت می‌آورند، از زیورها و زینت‌های آن می‌پوشند و بر آن اسب‌های خوش‌ترکیب سوار می‌شوند و منادی ندا می‌دهد:

«اینان شیعیان علی علیه السلام هستند، آنها در دنیا در برابر آزارها و اذیّت‌ها صبر نمودند، به همین خاطر امروز مورد کرامت قرار می‌گیرند».

اَلمَنقَبَةُ السّابِعَةُ وَالتِّسعُونَ

حدثني أحمد بن محمد بن الحسين رضي الله عنه قال: حدثني وديزة بن محمد بن وديزة، قال: حدثني جدي وديزة بن محمد الغساني، قال: سمعت عليّ بن موسى الرضا يقول: حدثني أبي، عن أبيه، عن جدّه، عن عليّ بن الحسين، عن أبيه الحسين ابن عليّ عليهم السلام، قال:

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: «لَمّا أُسرِيَ بِي إلَى السَّماءِ، لَقِيَنِي أَبِي نُوحٌ عليه السلام فَقالَ: يا مُحَمَّدُ! مَنْ خَلَّفْتَ عَلىٰ أُمَّتِكَ؟

فَقُلْتُ: عَلِيَّ بْنَ أَبِي طالِبٍ.

فَقالَ: نِعْمَ الْخَلِيفَةَ خَلَّفْتَ.

ثُمَّ لَقِيَنِي أخي مُوسىٰ عليه السلام، فَقالَ: يا مُحَمَّدُ! مَنْ خَلَّفْتَ عَلىٰ أُمَّتِكَ؟

فَقُلْتُ: عَلِيّاً.

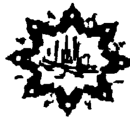
فَقالَ: نِعْمَ الْخَلِيفَةَ خَلَّفْتَ.

ثُمَّ لَقِيَنِي أخي عِيسىٰ عليه السلام، فَقالَ: يا مُحَمَّدُ! مَنْ خَلَّفْتَ عَلىٰ أُمَّتِكَ؟

فَقُلْتُ: عَلِيّاً عليه السلام.

فَقالَ: نِعْمَ الْخَلِيفَةَ خَلَّفْتَ.

قالَ: فَقُلْتُ: لِجَبْرَئيلَ عليه السلام: يا جَبْرَئيلُ! ما لي لا أرىٰ إبْراهِيمَ عليه السلام؟




قالَ: فَعَدَلَ بي إلىٰ حَظيرَةٍ، فَإذا فيها شَجَرَةٌ، لَها ضُروعٌ كَضُروعِ الْغَنَمِ، وَ إذا ثَمَّ أطْفالٍ، كُلَّما خَرَجَ ضَرْعٌ مِنْ فَمِ واحِدٍ رَدَّهُ إلَيْهِ، فَقالَ: يا مُحَمَّدُ! مَنْ خَلَّفْتَ عَلىٰ أُمَّتِكَ؟

فَقُلْتُ: عَلِيّاً.

فَقالَ: نِعْمَ الْخَليفَةَ خَلَّفْتَ، وَ إنّي يا مُحَمَّدُ! سَألْتُ اللهَ تَعالىٰ أنْ يُوَلِّيَني غِذاءَ أطْفالِ شيعَةِ عَلِيٍّ، فَأنَا أُغَذّيهِمْ إلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ»[1].

فضیلت نود و هفتم

حضرت علیّ بن موسی الرّضا علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیهم السلام، از حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام نقل می‌فرمایند: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

هنگامی که در شب معراج مرا در آسمان سیر دادند، پدرم نوح علیه السلام را ملاقات کردم، از من سؤال کرد: ای محمّد! چه کسی را بر امّتت خلیفه قرار دادی؟

گفتم: علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام را.

گفت: بهترین جانشین ها، را خلیفه‌ی خود قرار دادی.

سپس برادرم موسی علیه السلام مرا ملاقات نمود و گفت: ای محمّد! چه کسی را در میان امّتت خلیفه قرار دادی؟

گفتم: علی علیه السلام را.

۱: بحارالأنوار: ۲۷، ۱۲۱، ح ۱۰۲ - غاية المرام: ۶۹، ح ۲۱.

گفت : بهترین شخص را جانشین خود قرار داده ای .

سپس برادرم عیسی علیه السلام مرا ملاقات کرد ، او نیز گفت : ای محمّد ! چه کسی را بر امّتت جانشین گذاشتی ؟

گفتم : علی علیه السلام را .

گفت : خوب جانشینی قرار دادی .

(پس از ملاقات با انبیای مذکور) به جبرئیل علیه السلام گفتم : ای جبرئیل ! چرا پدرم ابراهیم علیه السلام را نمی‌بینم ؟

جبرئیل علیه السلام مرا به سمت قلعه‌ای برگردانید ؛ در آنجا درختی بود که پستان هایی مانند پستان های گوسفند داشت و کودکانی از این پستان ها شیر می آشامیدند ، و هرگاه پستانی از دهان یکی از آن کودکان خارج می‌شد ، ابراهیم علیه السلام دوباره آن را در دهانش می‌گذاشت .

(وقتی ابراهیم مرا دید) گفت: ای محمّد! چه کسی را در بین امّتت خلیفه و جانشین قرار دادی ؟

گفتم : علی علیه السلام را .

گفت : خوب کسی را جانشین قرار داده ای .

ای محمّد ! من از خداوند تعالی تقاضا کردم که مسئولیّت غذا دادن به کودکان شیعیان علی علیه السلام را به من واگذار نماید ، (و این تقاضای من قبول شد) و من تا روز قیامت ، به آنها غذا می‌دهم .

اَلْمَنْقَبَةُ الثّامِنَةُ وَالتِّسْعُونَ

حدثني القاضي أبوالحسن محمد بن عثمان بن عبدالله النصيبي في داره، قال: حدثني جعفر بن محمد العلوي، عن عبدالله بن أحمد، قال: حدثني محمد بن زياد، عن المفضل بن عمر، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن علي بن الحسين عن أبيه، عن أميرالمؤمنين علي عليه السلام:

أَنَّهُ كانَ جالِساً فِي الرَّحَبَةِ وَ النّاسُ حَوْلَهُ فَقامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقالَ لَهُ: يا أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ! إِنَّكَ بِالْمَكانِ الَّذي أَنْزَلَكَ اللهُ فِيهِ وَ أَبُوكَ مُعَذَّبٌ فِي النّارِ. فَقالَ لَهُ:

«مَهْ، فَضَّ اللهُ فاكَ، وَ الَّذي بَعَثَ مُحَمَّداً بِالْحَقِّ نَبِيّاً لَوْ شَفَّعَ أَبِي فِي كُلِّ مُذْنِبٍ عَلىٰ وَجْهِ الْأَرْضِ لَشَفَّعَهُ اللهُ تَعالىٰ فِيهِمْ، أَ أَبِي مُعَذَّبٌ فِي النّارِ وَ أَنَا ابْنُهُ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَ النّارِ؟!

وَالَّذي بَعَثَ مُحَمَّداً بِالْحَقِّ نَبِيّاً، إِنَّ نُورَ أَبِي، أَبِي طالِبٍ يَوْمَ الْقِيامَةِ لَيُطْفِئُ أَنْوارَ الْخَلائِقِ إِلَّا خَمْسَةَ أَنْوارٍ: نُورُ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله وَ نُورِي وَ نُورُ فاطِمَةَ وَ نُورُ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَ نُورُ أَوْلادِهِ مِنَ الْأَئِمَّةِ عليهم السلام.

أَلا إِنَّ نُورَهُ مِنْ نُورِنا، خَلَقَهُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ عليه السلام بِأَلْفَيْ عامٍ».[1]

۱: غاية المرام: ۴۶، ح ۶۳ - كنزالفوائد: ۸۰ به اسناد ابن شاذان - الحجة على الذاهب إلى تكفير أبي طالب عليه السلام «فخار بن معد»: ۷۲ - الدرجات الرفيعة «سيدعلى خان مدنى شيرازى»: ۵۰ امالى طوسى: ۱، ۳۳۱، ح ۵۸ - بشارة المصطفى «طبرى»: ۲۴۹ - الاحتجاج «طبرسى»: ۱، ۳۴۰، بحارالأنوار: ۳۵، ۶۹، ح ۳ - الغدير: ۷، ۳۸۷، ح ۳.

فضیلت نود و هشتم

مفضّل از امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیهم السلام از حضرت سیّدالشهدا علیه السلام نقل می‌فرمایند:

روزی امیرمؤمنان علی علیه السلام در میدانی نشسته بودند و مردم اطراف آن حضرت بودند، مردی از جا برخاست و خطاب به آن حضرت عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! شما در مقامی هستید که خداوند عنایت نموده (شما وصیّ و خلیفه پیامبر می‌باشی و دارای فضائل بسیاری هستید) و حال آنکه پدر شما در آتش جهنّم معذّب است! امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: ساکت باش! خداوند دهانت را بشکند.

قسم به آن خدایی که محمّد صلی الله علیه و آله را به حقّ مبعوث به رسالت نمود، اگر پدرم برای همه‌ی گنهکاران روی زمین شفاعت کند، خداوند شفاعت او را می‌پذیرد.

آیا پدر من معذّب در آتش جهنّم است و حال آنکه من که پسر او هستم، تقسیم کننده‌ی بهشت و جهنّم می‌باشم؟

قسم به آن خدایی که به حقّ محمّد صلی الله علیه و آله را به رسالت مبعوث فرمود، همانا نور پدرم ابوطالب علیه السلام در قیامت تمام نورهای خلایق را خاموش می‌کند، مگر پنج نور را: نور محمّد صلی الله علیه و آله نور من، نور فاطمه علیها السلام، نور حسن علیه السلام و نور حسین علیه السلام و نور امامان از فرزندان حسین علیهم السلام.

آگاه باشید! نور او (پدرم، ابوطالب علیه السلام) از نور ما (اهل بیت) می‌باشد، که خداوند عزّوجلّ دو هزار سال قبل از خلقت آدم علیه السلام آن را خلق نمود.





اَلْمَنْقَبَةُ التّاسِعَةُ وَ التِّسْعُونَ

حدثنا المعافي بن زكريا أبوالفرج، قال: حدثني محمد بن أحمد بن أبي الثلج، قال: حدثني الحسن بن محمد بن بهرام، قال: حدثني يوسف بن موسى القطان، قال: حدثني جرير، عن ليث، عن مجاهد، عن ابن عباس رضي الله عنه قال:

قالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله : « لَوْ أَنَّ الْغِياضَ أَقْلامٌ ، وَ الْبِحارَ مِدادٌ ، وَ الْجِنَّ حُسّابٌ ، وَ الْإِنْسَ كُتّابٌ ، ما قَدَرُوا عَلىٰ إِحْصاءِ فَضائِلِ عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ عليه السلام »[۱].

فضیلت نود و نهم

ابن عبّاس می‌گوید: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند:

اگر تمام درختان قلم، و آب دریاها مرکّب، و همه‌ی جنّیان حساب‌گر و همه‌ی انسان‌ها نویسنده شوند، قادر نمی‌باشند فضائل علیّ بن ابی طالب عليه السلام را حساب (و ثبت) کنند.

۱: کنزالفوائد: ۱۲۸ - المناقب«خوارزمی»: ۲ - کفایة الطالب«کنجی»: ۲۵۱ - فرائد السمطین: ۱، ۱۶ - لسان المیزان«عسقلانی»: ۵، ۶۲ - میزان الاعتدال«ذهبی»: ۳، ۴۶۷.
بحارالأنوار: ۴۰، ۷۰، ح ۱۰۵ - کشف الغمة: ۱، ۱۱۱ - الطرائف: ۱۳۸، ح ۲۱۶ - حلیة الأبرار: ۱، ۲۸۹ - ینابیع المودة: ۱۲۱ - غایة المرام: ۴۹۳۶، ح ۱ - مناقب خوارزمی: ۲۳۵ به نقل از معجم طبرانی به اسناد ابن عباس - کشف الحق: ۱، ۱۰۸ - الأربعین«خزاعی»: ح ۳۸ (خطی) - مصباح الأنوار: ۱۲۱ (خطی) - تأویل الآیات: ۸۸۸، ح ۱۳ - الأربعین«عطاء الله شیرازی» - أرجح المطالب: ۹۸ - ینابیع المودة: ۱۲۲ به نقل از سعید بن جبیر - مودة القربی: ۵۵.

اَلْمَنْقَبَةُ الْمِائَةُ

أخبرني أبومحمد الحسن بن أحمد بن محمد الجلدي من كتابه، قال: حدثني الحسين بن محمد بن إسحاق، قال: حدثني محمد بن زكريا، قال: حدثني جعفر بن محمد عن أبيه، عن عليّ بن الحسين، عن أبيه، عن أميرالمؤمنين عليّ بن أبي طالب عليه السلام، قال:

قٰالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وآله: «إنَّ اللهَ تَعٰالىٰ جَعَلَ لِأخي فَضٰائِلَ لٰا تُحْصىٰ كَثْرَةً، فَمَنْ ذَكَرَ فَضيلَةً مِنْ فَضٰائِلِهِ لَمْ تَزَلِ الْمَلٰائِكَةُ تَسْتَغْفِرُ لَهُ مٰا بَقِيَ لِتِلْكَ الْكِتٰابَةِ رَسْمٌ، وَ مَنْ أصْغىٰ إلىٰ فَضيلَةٍ مِنْ فَضٰائِلِهِ غَفَرَ اللهُ لَهُ الذُّنُوبَ الَّتي اِكْتَسَبَهٰا بِالْإسْتِمٰاعِ، وَ مَنْ نَظَرَ في كِتٰابٍ في فَضٰائِلِ عَلِيٍّ عليه السلام غَفَرَ اللهُ لَهُ الذُّنُوبَ الَّتي اِرْتَكَبَهٰا بِالنَّظَرِ.

ثُمَّ قٰالَ صلى الله عليه وآله: اَلنَّظَرُ إلىٰ عَلِيِّ بْنِ أَبيطٰالِبٍ عليه السلام عِبٰادَةٌ، وَ ذِكْرُهُ عِبٰادَةٌ، وَ لٰا يَقْبَلُ اللهُ إيمٰانَ عَبْدٍ مِنْ عِبٰادِهِ كُلِّهِمْ إلّٰا بِوِلٰايَتِهِ وَ الْبَرٰاءَةِ مِنْ أعْدٰائِهِ»[1].

۱: بحارالأنوار: ۲۶، ۲۲۹، ح ۱۰ - مناقب خوارزمی: ۲ - کفایة الطالب: ۲۵۲ - فرائد السمطين: ۱، ۱۹ - ميزان الاعتدال: ۳، ۴۶۷ به اسناد ابن شاذان - امالی صدوق: ۱۱۹، ح ۹ بحارالأنوار: ۳۸، ۹۶، ح ۴ - جامع الأخبار: ۱۷ - تأویل الآيات: ۸۸۸، ۱۴ به نقل از کتاب الأربعين خوارزمی - کشف الحق: ۱، ۱۰۸ - ینابیع المودة: ۱۲۱ - غاية المرام: ۲۹۳، ح ۲ المحتضر: ۹۸ - کشف الغمة: ۱، ۱۱۲.

فضیلت صدم

حضرت امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارشان علیهم السلام از مولا علی علیه السلام نقل می‌فرمایند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

همانا خداوند تعالی برای برادرم (علیّ بن ابی‌طالب علیه السلام) فضائلی قرار داده، که از بس فراوان است قابل شمارش نیست، پس هر کس یکی از فضائل او را بیان کند، در حالی که به آن اقرار داشته باشد، خداوند گناهان گذشته و آینده‌ی او را می‌بخشد، و هر کس بنویسد یکی از فضائل او را، تا زمانی که این نوشته باقی باشد، ملائکه برای (کاتب آن) استغفار می‌کنند.

هر کس بشنود یکی از فضائل او را، خداوند گناهانی را که به واسطه‌ی شنیدن مرتکب شده، می‌بخشد.

هر کس نگاه کند به (کتاب) و نوشته‌ای که در آن فضائل علی علیه السلام نوشته شده باشد، خداوند گناهانی که به وسیله‌ی چشم مرتکب شده را می‌بخشد.

در این هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: نگاه کردن به علیّ بن ابی طالب علیه السلام عبادت، و یاد و ذکر او نیز عبادت است، و خداوند ایمان هیچ بنده‌ای از بندگانش را قبول نمی‌کند، مگر با ولایت او و بیزاری از دشمنان او.

فهرست احادیث

«ا»

«ع»

«ف»

«ق»

«ل»

«ی»

پیامبر گرامی اسلام ﷺ می فرمایند:

اگر تمام درختان قلم، و آب دریاها مرکب، و همه ی جنیان حساب گر و همه ی انسان ها نویسنده شوند، قادر نمی باشند فضائل علی بن ابی طالب علیه السلام را حساب و شمارش کنند

[illegible]

به اهتمام

حسینیه کربلائیهای اصفهان